

«بسم نام خالق آرامش»

نام کتاب: نیروی قصد (بفکر اول)

نام نویسنده: ویج والٹر دلایر

نام مترجم: مهناز دقیق نیا

تعداد صفحات: ۱۶۵ صفحه

تاریخ انتشار: _____



کافین بکلی

CaffeineBookly.com



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

دکتر وین دایر
نویسنده پرفروشترین کتابهای
ده راز برای موفقیت و آرامش

نیروی قصد

ترجمه: مهناز دقیقونیا
نگرش خود را نسبت به اوضاع تغییر دهید،
اوضاعی که به آنها می‌نگرید تغییر خواهند کرد.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

نیروی قصد

«هر زیبایی که از پایین به وسیله‌ی انسان‌هایی ادراکی دیده می‌شود بیشتر از هر چیز دیگری شبیه به مبدأ آسمانیست که از آن حضور یافته‌ام.....»

میکل آنژ

«خودشناسی یعنی پیوند آگاهانه با مبدأ وجودیان. یکبار که این اتصال صورت گرفت دیگر هیچ خطایی نخواهد بود.»

سوامی پارامانندا

برای دخترم اسکای دایر
صدای آواز تو تناسب ارتعاشی کاملی از
روح فرشته‌وار توست.
دوستت دارم.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

فهرست

مقدمه

بخش ۱ -	ضروریات قصد
فصل	مروري بر قصد از دیدگاهی نوین
۱:	
فصل	هفت چهره قصد
۲:	
فصل	اتصال به قصد
۳:	
فصل	موانع اتصال به قصد
۴:	
فصل	تأثیر شما بر دیگران پس از پیوند با قصد
۵:	
فصل	قصد و ابدیت
۶:	
بخش ۲ -	به‌کارگیری قصد (هشت فصل آرایه دهنده اطلاعات خاص و راهنمایی گام به گام جهت به‌کارگیری این اصول در زندگی روزمره)
فصل	قصد من این است: همیشه به خود احترام بگذارم.
۷:	
فصل	قصد من این است: با هدف زندگی کنم
۸:	
فصل	قصد من این است: نسبت به تمام خویشاوندانم آرام و مورد اعتماد باشم.
۹:	
فصل	قصد من این است: احساس موفقیت کرده و خود را به زندگی جذب کنم
۱۰:	
فصل	زندگی آرام و بی‌تنشی داشته باشم
۱۱:	
فصل	افراد ایده‌آل را جذب کرده و روابط خوبی داشته باشم
۱۲:	
فصل	ظرفیت درمان کردن و درمان شدن خود را به کمال برسانم
۱۳:	



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

فصل
از نابغه‌ای که هستم قدردانی
و آن را اظهار کنم :۱۴

بخش ۳ - اتصال

فصل
تصویر انسانی که به قصد متصل
است :۱۵
قدردانی
درباره نویسنده



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

مقدمه

کتابی که اکنون در دست شماست و تمامی اطلاعاتی که در آن است، روزی ایده‌ی بی‌شکلی از قلمرو و نادیدنی قصد بوده است. این کتاب: با نیروی قصد، به قصد جهان مادی با به‌کارگیری تمامی اصول در مورد این جهان نگارش شده است. من ترتیبی اتخاذ کرده‌ام که انرژی ارتعاشی من با تمامی منشأ خلقت یکنواخت بوده و ایده‌ها از طریق من مستقیم به طرف شما جریان پیدا کند.

در دست‌هایتان مدرکی دارید از هر آنچه که بتوانیم با ذهن تصور کنیم در صورتی که با منبع خلقت جهانی هماهنگ باشیم.

اگر مایلید بدانید که چگونه باید این کتاب با شما رابطه برقرار کند و چگونه باید بیندیشید، حس کنید و به طور مشترک پس از خواندن و به کار گرفتن پیام‌های آن خلق کنید، قبل از شروع سفر شما را ترغیب به خواندن فصل نهایی آن می‌کنم. تصویری از انسانی متصل به دامنه‌ی قصد شما و هر کس دیگر، همین‌طور تمامی هستی، از دامنه‌ی جهانی قصد ظهور یافته‌اید. از آن چشم‌انداز به زندگی بنگرید، نیروی قصد را شناخته و به کار بگیرید. شما چشمه‌ای بی‌کران از انوار سبز در مقابل خود خواهید داشت!

دکتر وین دبلیو. دایر

۲۰۰۴، مائوی، هاوایی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ضرورت‌هاي قصد

کنار رودخانه، درخت مقدس زندگی سر
برافراشته است.
پدرم آنجا مسکن دارد، و خانه‌ي من در
اوست.
پدر آسمانی و من یکی هستیم. انجیل صلح



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

فصل اول

نگاهی بر قصد از چشم اندازی نوین

در جهان نیرویی غیرقابل سنجش و توصیف وجود دارد که شن‌ها آن را قصد می‌نامند، قطعاً هر چیز موجود در کل کیهان با خطی پیونددهنده به قصد اتصال دارد.

کارلوس کاستاندا

در طی چند سال گذشته، به شدت جذب مطالعه‌ی «قصد» شدم به طوری که صدها کتاب از نویسندگان روان‌شناسی، اجتماعی و معنوی از دانشمندان قدیم و مدرن و محققین آکادمیک خواندم. تحقیقات من تعریف عالی قصد را به عنوان عزم قوی یا هدف همراه با تصمیم در جهت اراییه‌ی نتیجه‌ی مطلوب آشکار می‌کند. مردمی که با قصد حرکت می‌کنند به عنوان افرادی با اراده‌ی قوی که اجازه نمی‌دهند چیزی با کسب آرزوی درونی آنها تداخل کند توصیف شده‌اند. نوعی از تصمیم‌گیری قدرتمند را تصور می‌کنم. اگر شما یکی از آن‌هایی هستید که هرگز توقف نمی‌کنند، با ترکیبی از تصویری درونی که شما را به سوی برآورده ساختن رویاهایتان سوق می‌دهد، پس با توصیف انسانی با قصد نرم‌ش‌ناپذیر تناسب دارید.

شما کسب‌کننده‌ای برتر و احتمالاً مفتخر از توانایی خود در شناخت و بهره‌وری از فرصت‌های حاصله هستید.

سال‌ها، باوری مشابه درباره‌ی قصد داشتم. در حقیقت، اغلب درباره‌ی نیروی قصد درست همان‌طور که در بالا ذکر کردم صحبت کرده و نوشته‌ام. در طی ربع قرن گذشته، تغییری در



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

طرز تفکر من از تأکیدی ناشی از رشد شخصی یا روانی جهت معنوی، جایی که در آن درمان‌گری، خلق معجزه و ایجاد اتصال با ذهن کیهانی احتمالات مسلمی هستند، احساس کردم.

این تلاشی عمده در جهت آزادی از قیود مربوط به زمینه‌ی تحلیلی و حرفه‌ای من نبود بلکه بیشتر تکاملی طبیعی بود که در نتیجه‌ی تماس خودآگاه بیشتر من با روح آشکار می‌شد. در حال حاضر نوشته‌ی من تأکید بر باوری دارد که مطابق آن قادر به یافتن راه‌حلهای معنوی برای مشکلات زندگی در سطوح بالاتر و فراخوانی انرژی‌های قوی‌تر هستیم. در ذهن من، قصد چیزی بسیار بزرگتر از خویش مصمم یا اراده‌ی فردی است. تقریباً کاملاً برعکس است. شاید این حاصل ریزش سطوحی از خویش من در زندگی است اما تأثیر شدید دو جمله از کتاب کارلوس کاستاندا را نیز احساس می‌کنم. در زندگی نویسنده‌ی ام، اغلب در یک کتاب با چیزی روبه‌رو می‌شوم که اندیشه‌ای از آن جوانه زده که نهایتاً مرا وادار به نگارش کتاب جدیدی می‌کند. به هر حال من این دو جمله را در کتاب آخر کاستاندا خواندم: سویی فعال بی‌نهایت، این جمله را در حالی خواندم که منتظر عمل جراحی برای باز کردن یکی از رگ‌های متصل به قلبم بودم که منجر به سکته‌ی قلبی خفیفی شده بود.

گفته‌های کاستاندا به این شکل بود: «قصد نیرویی است که در جهان وجود دارد. زمانی که ساحران قصد را صدا می‌زنند، به سویی آن‌ها می‌آید و جاده را برای هدف آماده می‌سازد به این معنی که ساحران همیشه آنچه را که می‌خواهند انجام می‌دهند.»



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

وقتی این دو جمله را خواندم از بینش و وضوحی که درباره‌ی قدرت قصد به من دست داد شگفت‌زده شدم. فکرش را بکنید، قصد چیزی نیست که شما انجام می‌دهید بلکه نیرویی است که در جهان به صورت دامن‌های نامرئی‌ای از انرژی وجود دارد! هرگز قبل از خواندن کلمات کاستاندا قصد را به این شکل بررسی نکرده بودم.

آن دو جمله را نوشتم و بعد در کارتی چاپ و آن را پرس کردم. آن را با خودم به لابراتوری که قرار بود جراحی کوچکم در آن صورت بگیرد بردم و به محض این‌که توانستم شروع به صحبت درباره‌ی نیروی قصد کردم با هر کسی که می‌توانست گوش دهد. قصد را بخشی از هر صحبت قرار دادم. خودم را در این فکر غوطه‌ور ساختم که از این ایده نه تنها برای درمان خودم بلکه برای کمک به دیگران با بهره‌گیری از نیروی قصد در جهت هدفی که دارند استفاده کنم. من ستوری یا روشن‌گری آنی را تجربه کردم و قصد کردم که این بینش را به دیگران ارایه کنم. برایم آشکار شد که دستیابی به قدرت قصد کارهای به نظر غیرممکنی را در جهت برآورده ساختن خواسته‌ها با نیروی اراده‌صرف‌احیا می‌کند.

از آن لحظه، تقریباً در تمامی ساعات بیداری به نیروی قصد فکر می‌کنم و کتاب‌ها، مقاله‌ها و مکالمات، گفتگوهای تلفنی، مطالبی که به صندوق ایلم می‌رسند، کارهای دل‌بخوایی که باید در کتابفروشی‌های نگاهی به آن‌ها بیندازم به نظر می‌رسد که همه در جهت حفظ من در این مسیر کار می‌کنند.

پس این است: نیروی قصد، امیدوارم که این کتاب کمک کند تا قصد را به شیوه‌ای جدید



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

نگریسته و از آن به طریقی بهره ببرید که منجر به تعریفی از شما شود که پاتا نجالی ۲۰ قرن پیش پیشنهاد کرده بود: نیروهای خفته، استعدادها زنده میشوند و شما خود را انسانی بزرگتر از آنچه تصور میکردید کشف میکنید.

دو کلمه‌ی پاتا نجالی یعنی «نیروهای خفته» باعث شد که درباره‌ی قصد بنویسم. پاتا نجالی به نیروهایی اشاره میکند که به نظر میرسد موجود نبوده یا مرده‌اند و به انرژی قدرتمندی اشاره میکند که یک انسان در هنگام الهام احساس میکند. اگر حس الهام یا خواننده شدن به شما دست داده باشد، احساس روحی را که از طریق شما عمل میکند میشناسید. الهام شده کلمه‌ای است که برای روح حضور یافته به کار می‌بریم. به طور مداوم و سخت درباره‌ی ایده‌ی دستیابی به نیروهای ظاهراً خفته در جهت یاری در زمان‌های حساس زندگی‌ام در کسب آرزویی درونی و سوزان فکر کرده‌ام. این نیروها چه هستند؟ کجا قرار دارند؟ چه کسی از آنها بهره می‌برد؟ چه کسی به آنها دسترسی ندارد؟ چرا؟ سؤال‌هایی نظیر این‌ها من را وادار به تحقیق و نوشتن این کتاب و در نتیجه رسیدن به چشم‌اندازی کاملاً نوین از قصد کرد.

در این نقطه، درباره‌ی هیجانات از شناخت حقیقی می‌نویسم که برای مدتهای طولانی در ابهام بود، می‌دانم که قصد نیرویی است که در درون همگی ما موجود است.

قصد دامنه‌ای از انرژیست که به طور نامرئی و رای دسترس رفتارهای عادی هم‌روزه و عادی ما جریان دارد. حتی پیش از درک واقعی ما حضور دارد. ما ابزاری در دست داریم که این انرژی را به سوی خود جذب و زندگی را در روشی هیجان‌انگیز و نوین تجربه کنیم.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

این دامنه‌ای که قصد خوانده می‌شود، کجاست؟

برخی از محققین برجسته عقیده دارند که هوشمندی، خلاقیت و تصورات ما بیشتر از این‌که افکار و عناصری در مغز ما باشند با دامنه‌ی انرژی‌ک قصد در رابطه‌ی متقابل هستند. دانشمندان نامی دیوید بوهم، در کتاب تمامیت و نظم می‌گویند که تأثیر و اطلاعات نظم‌دهنده در قلمرو نامرئی یا واقعیت می‌گویند که تأثیر و اطلاعات نظم‌دهنده در قلمرو نامرئی یا واقعیت بالاتری وجود دارند که در زمان نیاز قابل فراخوان می‌باشند. من هزاران نمونه از اینگونه نتیجه‌گیری در تحقیقات و مطالعاتم یافتم. اگر مدرک علمی توجه شما را جلب می‌کند پیشنهاد می‌کنم کتاب: «جستجو برای نیروی پنهان جهان» از لین مک تگارت را بخوانید. کتاب او مملو از مطالعاتی در حمایت از بعد انرژی‌ک بالاتر و محکم‌تر با دامنه‌ی قصدی است که قابل دستیابی و بهره‌وری توسط همه می‌باشد.

جواب این که دامنه‌ی قصد کجاست؟ به این شرح است:

جایی نیست که نباشد چرا که هر چیزی در جهان قصد را در درون خود دارد. در مورد تمامی اشکال زندگی صادق است، چه یک آهوی بزرگ، بوته‌ی گل سرخ و چه یک کوه. یک پشه قصد را در خلقت و تجربه‌ی زندگی دارد. یک بلوط نحیف با هیچ‌گونه قدرت ظاهری برای تفکر و تصمیم‌گیری درباره‌ی آینده‌اش قصد را از دامنه‌ی نامرئی در خود دارد. اگر بلوط را باز کنید، شما درخت بلوط عظیمی نخواهید دید بلکه می‌دانید که آن جاست. یک شکوفه‌ی سیب در فصل بهار به نظر گل کوچک قشنگی می‌رسد با



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

این حال قصد را در خود دارد که در تابستان به شکل يك سیب آشکار می‌شود. قصد خطا نمی‌کند. بلوط هرگز به کدو حلوایی یا شکوفه‌ی سیب به پرتغال تبدیل نمی‌شود. هر جنبه‌ی ای از طبیعت بدون استثناء قصد را در خود دارد و تا جایی که می‌توان گفت در طبیعت هیچ چیزی از مسیر قصدش سؤال نمی‌کند. طبیعت به سادگی در هماهنگی از دامنه‌ی قصد پیش می‌رود. ما نیز از انرژی این دامنه بهره برده‌ایم.

چیزی است که عده‌ای آن را کشش آینده می‌خوانند که در DNA قرار گرفته که در ادراک اولیه‌ی همه‌ی ما وجود دارد. در لحظه‌ی ادراک، زمانی که قطره‌ی بی‌نهایت ضعیفی از پروتوپلاسم انسان با تخمکی ترکیب می‌شود، زندگی به شکل فیزیکی‌اش آغاز می‌شود و قصد مراحل رشد را جهت می‌دهد. ساختار جسم، شکل اجزاء فیزیکی رشد ما دربرگیرنده‌ی ساخوردگی‌مان در آن لحظه از ادراک قصد شده است. افتادگی پوست چین و چروک و حتی مرگ ما آن‌جاست. اما صبر کنید، در لحظه‌ی ادراک اولیه دقیقاً چه رخ می‌دهد؟ کجا، این زندگی زاده شده از قصد آغاز می‌شود؟

وقتی آن دانه را در جهت یافتن اصلش بررسی می‌کنیم در ابتدا به مولکول‌ها، سپس اتم‌ها، الکترون‌ها، ذرات اتمی فرعی و ذرات فرعی فرعی اتمی می‌رسیم. در نهایت، اگر این ذرات فرعی اتمی کوانتوم تخفیف را در یک تسریع‌کننده ذره قرار داده و با هم برخورد می‌دادیم در حالی که سعی می‌کردیم انگشت بر منشأ حیات بگذاریم آن چیزی را کشف می‌کردیم که انشتین و هم‌میهنانش کشف کردند:

هیچ ذره‌ای در منشأ نیست، ذرات، ذرات را خلق نمی‌کنند. منشأ قصد است. انرژی ناب و



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

نامحدود چنان سریع ارتعاش دارد که سنجش و مشاهده را غیرممکن می‌کند. نامرئی، بدون شکل و محدودیت است. پس، در منشأ ما انرژی بدون شکل هستیم و در آن دامنه‌ی معنوی انرژی ارتعاش بی‌شکل قصد ساکن است. یا ساده‌تر، می‌دانم که آن‌جاست. از آن‌جا که به طریقی قصد وارد شدن به یک قطره‌ی اسپرم و یک تخمک از تخمدان کرده و تصمیم می‌گیرد که موی سرم پس از ۲۵ سال در سرم رشد نکند و در ۵۰ سالگی در دماغ و گوش‌هایم بروید و تنها کاری که می‌توانم بکنم تماشا کردن و کندن آن است. این دامنه‌ی قصد قابل توصیف با کلمات نیست چرا که کلمه‌ها از آن دامنه ظهور می‌یابند همان‌طور که سؤال‌ها، آن مکان نامکان قصد است و همه چیز را برای ما ردیف می‌کند. ناخن انگشت‌هایم را بلند می‌کند، قلبم را به تپش در می‌آورد، غذایم را هضم می‌کند، کتاب‌هایم را می‌نویسد و این کار را برای همه چیز و هر کس در جهان انجام می‌دهد. این یک قطعه‌ی قدیمی‌چینی از چوانگ‌شو را که دوست دارم به یادم می‌آورد:

روزی از دهایی یک پا به نام هوی از هزارپا پرسید؟ چه‌طور آن پاها را اداره می‌کنی؟ من همین یک پا را به سختی اداره می‌کنم؟ هزارپا سرد و خشک جواب داد: من پاهايم را اداره نمی‌کنم.

دامنه‌ای نامرئی و بی‌شکل هست که همه چیز را اداره می‌کند. قصد این جهان به طرق بی‌شماری در جهان فیزیکی و در هر جزء‌شما شامل: روح، اندیشه، احساسات و کالبد فیزیکی آشکار می‌شود.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

اگر قصد، تصمیم‌گیرنده برای هر چیزی در جهان بوده و همه جا حاضر است یعنی مکانی نیست که حضور نداشته باشد. چرا عده‌ی زیادی از ما گاهی احساس جدایی از آن می‌کنیم؟ و مهم‌تر از آن، اگر قصد تصمیم‌گیرنده همه چیز است چرا عده‌ی زیادی از ما نقصان چیزی را داریم که دوست داریم داشته باشیم.

معنی قصد همه جا حاضر چیست؟

سعی کنید نیرویی را تصور کنید که همه جا حضور دارد. جایی نیست که بتوانید بروید و آن حضور نداشته باشد. قابل تقسیم نیست و در هر آنچه که دیده و یا لمس می‌کنید حضور دارد. حالا آگاهی خود را از این دامنه‌ی بی‌نهایت انرژی به ویرای جهان شکل و محدودیت‌ها گسترش بدهید. این نیروی بی‌کران نامرئی همه جا هست، پس هم در فیزیک و هم در غیرفیزیک موجود است. کالبد فیزیکی شما بخشی از تمامیت شاست که از این انرژی ناشی شده است. در لحظه‌ی ادراک، قصد چگونگی ظهور شکل فیزیکی و چگونگی مراحل رشد و ساختاردهی شما را به حرکت در می‌آورد.

همین‌طور جنبه‌های غیرفیزیکی شما را که شامل احساسات، افکار و تمایلات شاست. در این لحظه، نیرویی بالفعل بی‌کران است که شکل فیزیکی و غیرفیزیکی شما را بر روی زمین فعال می‌کند. شما از آن همه جا حاضر شکل می‌گیرد تا در زمان و فضا حضور بیابید. چون همه جا حاضر است، این دامنه‌ی انرژی قصد پس از ورود شما بر روی زمین قابل کسب است! تنها راه متوقف کردن این نیروی خفته باور جدایی از آن است. فعال کردن قصد یعنی اتصال دوباره به منشأ و تبدیل شدن به یک ساحر امروزی. ساحر شدن یعنی کسب سطحی از آگاهی که در آن چیزهای



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

غیرقابل تصور قابل استفاده می‌شود. همان‌طور که کارلوس کاستاندا توضیح داده «وظیفه ساحران روبه‌رو شدن با بی‌نهایت بود» (قصد) و هر روز در آن قلاب میانداختند همان‌طور که ماهی‌گیر به دریا قلاب می‌اندازد. قصد نیرویی است که به صورت دامنه‌ی انرژی در همه جا حضور دارد و به رشد فیزیکی محدود نمی‌شود بلکه منشأ رشد غیرفیزیکی نیز هست. دامنه‌ی قصد اینجاست، اکنون و در دسترس شماست. وقتی آن را فعال کنید. در زندگی احساس عزم می‌کنید و توسط خویش بی‌کران خود راهنمایی می‌شوید. این‌جا نمونه‌ایست از چگونگی بیان آنچه قصد می‌نامم به وسیله‌ی یک شاعر و استاد معنوی:

خدایا، تو در سواحل شی هستی
همان‌گونه که در میانه‌ی جریان آب
در مقابلت سر خم می‌کنم
در سنگریزه‌ای کوچک هستی
همان‌طور که در وسعت آرام دریا
در مقابلت سر خم می‌کنم
اوه - ای خدای همه‌جا گسترده
تو در خاک لم یزرع حضور داری
و در مکان‌های پرجمعیت هم
در مقابلت سر خم می‌کنم

از ودا سوکلایاجور

وقتی در برابر این نیرو به طور استعاره‌ای تعظیم می‌کنید، بدانید که در مقابل خودتان سر خم می‌کنید. انرژی همه جا گسترده قصد از طریق شما به سوی قوه‌ی بالفعل‌تان برای یک زندگی مصمم انگیزته می‌شود.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

چگونه خود را منفك شده از قصد تجربه مي‌كنيد

اگر نيروي همه‌جا حاضري از قصد وجود دارد كه نه تنها در من بلکه در همه چيز و همه كس موجود است پس به وسيله‌ي اين منبع همه‌جا گسترده به همه كس و همه چيز و به آنچه دوست داريم باشيم و آنچه مايليم داشته باشيم، آنچه مي‌خواهيم كسب كنيم و هر آنچه در جهان كه ما را ياري خواهد كرد متصل هستيم. تنها چيز لازم اين است كه تجديد ساختار کرده و قصد را فعال كنيم، اما چطور در مرحله اول منفك شديم؟ چطور توانايي طبيعي خود را براي اتصال از دست داديم؟ شيرها، ماهيها و پرندگان هرگز منفك نمي‌شوند. جهان حيوانات، گياهان و جماد هميشه به منشأ اتصال دارد. از قصد نمي‌پرسد. اما ما انسان‌ها با توانايي خود به دليل کاربردهاي بالاتر مغز چيزي به نام خويش پايين براي رجوع به آن داريم ايده‌اي است كه درباره‌ي اين‌كه چه و كه هستيم، خود آن را بنا مي‌كنيم.

نفس از شش تركيب اوليه ساخته شده كه براي چگونگي تجربه‌ي ما از منفك شدن به كار مي‌رود. با مجاز كردن نفس براي تعيين مسير زندگي، نيروي قصد را از فعاليت باز مي‌داريد. به طور خلاصه شش باور از خويش پايين وجود دارد كه من در كتابهاي قبلي به طور گسترده درباره‌ي آنها نوشته‌ام به‌خصوص در كتاب **"خويش مقدس شما"**

۱- چيزي هستم كه دارم. دارايي‌هاي من مرا تعريف مي‌كند.

۲- آنچه هستم كه انجام مي‌دهم. اكتسابات من مرا تعريف مي‌كند.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

۳- آنچه هستم که دیگران درباره‌ام می‌اندیشند. احترامی که به من می‌گذارند مرا تعریف می‌کند.

۴- از هر کسی جدا هستم. جسم من مرا به طور تنها و منفک تعریف می‌کند.

۵- از هر چیزی که در زندگی‌ام از دست رفته جدا هستم. فضای زندگی من از آرزوهای جداست.

۶- از خداوند جدا هستم. زندگی من بستگی به ارزیابی خدا از ارزش‌هایم دارد.

مهم نیست که چقدر تلاش کنید، قصد از طریق خویش پایین حاصل نمی‌شود. زمان صرف کنید که این باور را خوانده و شناسایی کنید. زمانی که برتری خویش پایین در زندگی تنزل یافت می‌توانید قصد را جستجو کرده و نیروی خود را به حداکثر برسانید.

گرفتن

این تمرینی است که در فعال کردن قصد بسیار سودمند یافته‌ام. خواهید دید که در مورد شما هم همین‌طور است (به فصل سوم برای توضیح روش‌های دسترسی به قصد رجوع کنید)

یکی از خاطرات اولیه‌ی من از مادرم این است که سه پسرش را در تراموا در شرق دیترویت به پارک آبی می‌برد. من دو یا سه ساله بودم و یادم می‌آید که به بالا نگاه کرده و دستگیره‌های آویزان را می‌دیدم. بزرگ‌ترها قادر بودند دست خود را به آن‌ها بگیرند اما تنها کاری که من می‌توانستم بکنم تصور بزرگ بودن و بلند شدن بود تا جایی که بتوان آن دستگیره‌ها را گرفت.

و انمود می‌کردم که اینقدر سبک هستم که بتوانم تا به دستگیره‌ها آویزان شوم. بعد از این تصور احساس امنیت می‌کردم و این‌که



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

تراموا مرا به جایی که می‌خواهم ببرد، به هر سرعتی که بخواهد و مسافرهایی دیگر در طی این سفر پرماجرا سوار کند.

در بزرگسالی، از تصور آن تسمه‌ها برای یادآوری قصد استفاده کردم. تصور کنید تسمه‌ای را که به فاصله‌ی سه تا چهار پا از بالای سر من آویزان است، بالاتر از آنچه که حتی با پرش بتوانم بگیرم. تسمه به تراموا چسبیده، فقط حالا تراموا نمادی از قدرت سیال قصد است. یا باید از آن بگذرم یا به طور موقت خارج از دسترس من است. در زمان‌های پرتنش، نگرانی، اضطراب یا حتی ناراحتی‌های فیزیکی خودم را به سوی تسمه پرتاب می‌کنم وقتی آن را می‌گیرم، حس عجیبی از بهبود و راحتی دارم. کاری که کردم حذف افکار خویش‌پایین و اجازه دادن به خودم برای رسیدن به قصد بود و اطمینان دارم که این نبرد مرا به مقصد می‌رساند و هر جا لازم بود توقف کرده هم‌راهانی را در طول راه سوار می‌کند.

در بعضی از آثار اولیه‌ام، این روند را مسیری برای استادی نامیده‌ام. چهار روش می‌تواند برای شما در جهت گام برداشتن به طرف فعال کردن قصد کمک کند.

چهار گام به قصد:

فعال کردن نیروی قصد روندی از اتصال به خویش طبیعی و حرکت از کل هویت فردیست. این روند در چهار مرحله صورت می‌گیرد:

۱- نظم اولین گام است. یادگیری وظیفه‌ای جدی نیاز به آموزش جسم در جهت اندیشه شما دارد. پس حذف هویت نفس به معنی قطع ارتباط با جسم نسبت بلکه بیشتر به معنی تربیت جسم در جهت فعال کردن آن خواسته‌هاست. شما این



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

کار را با ورزش، تمرین، عادات غیرمرسوم، بهداشت غذایی و غیره انجام می‌دهید.

۲- خرد گام دوم است، خرد آمیخته با نظم، توانایی شما را جهت تمرکز و خویشتن‌داری در زمانی که مشغول هماهنگ ساختن افکار، استعدادها و حس‌هایتان با کار کرد جسم هستید سرعت می‌بخشد.

ما کودکان را با گفتن این‌که: منظم باش و از مغزت استفاده کن به مدرسه می‌فرستیم اما این زود اثر خود را از دست می‌دهد.

۳- عشق گام سوم است

پس از نظم دادن بدن همراه با خرد و مطالعه‌ی هوشمندانه یک وظیفه، این مرحله از تسلط به دوست داشتن آنچه انجام می‌دهید و انجام آنچه دوست دارید نیاز دارد. در دنیای خرید و فروش، دوست داشتن آنچه ارابه می‌دهید، یعنی فروختن عشق یا اشتیاق برای انگیزه دادن به مشتری را مثال می‌زنم. در بازی تنیس، زدن ضربه‌ها در حین مطالعه‌ی استراتژی تمرینی برای انجام بازیست. همین‌طور شامل لذت بردن از حس ضربه زدن به توپ، بودن در زمین تنیس و هر چیز دیگر در مورد بازی می‌شود.

۴- تسلیم گام چهارم است

اینجا مکان قصد است. جایی که جسم و ذهن شما اجراکننده‌ی نمایش نیستند و شما به سوی قصد حرکت می‌کنید.

در جهان، نیروی غیرقابل سنجش و غیرقابل توصیفی وجود دارد که شمن‌ها آن را قصد می‌نامند و به طور حتم هر چه در کل کیهان موجود است به وسیله‌ی پیوند اتصال‌دهنده‌ای به قصد متصل است. طریقه‌ای است که کارلوس



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

کاستاندا آن را توضیح می‌دهد. وانهادہ تسمه‌ی تراموا را بگیرید و بگذارید همان نیرویی که دانه بلوط را به درخت، شکوفه‌ها را به سیب، نقطه‌های میکروسکوپیک را به انسان تبدیل می‌کند شما را حمل کند. پس تسمه‌ی تراموا را بگیرید و خط ارتباطی منحصر به فرد خود را خلق کنید. قطعاً همه چیز در کیهان شامل شما و خویش پرمهر و منضبط، همه‌ی افکار و احساسات شما هم هست. زمانی که تسلیم شوید قادر به مشورت با روح لایتناهی خود می‌گردید. سپس نیروی خفته برای بردن شما به مقصد دخواه قابل دسترس می‌شود. تمام این سؤال‌های مربوط به قصد و تسلیم باعث می‌شود که بپرسید پس اراده‌ی آزاد چه می‌شود. شما می‌توانید بگویید که اراده آزاد وجود ندارد یا چیزی شوید که برنامه‌ی شما دیکته می‌کند. حالا نگاهی به اراده‌ی شما و چگونگی تناسب آن با چشم‌انداز جدید قصد بیندازیم. در حالی که دو بخش بعدی را می‌خوانید، ذهن خود را باز نگه دارید، حتی اگر مطالبی که می‌خوانید با آنچه در تمام زندگی اعتقاد داشتید در تضاد باشد.

قصد و اراده‌ی آزاد شما با هم در تناقض هستند

تضاد این گفته، به ظاهر مبهم و متناقض می‌آید حتی اگر خوب پایه‌ریزی شده باشد. قصد و اراده‌ی آزاد به یقین در تضاد به تعادل می‌رسند. آن‌ها با بسیاری از علایم دریافت شده‌ی قبل، از آنچه معقول و یا ممکن است در تضاد هستند. چگونه می‌توانید اراده آزاد خود را داشته و قصد به شکل دادن جسم و نیروی خود کنید؟ می‌توانید این دوگانگی را با انتخاب اعتقاد به بی‌کرانگی قصد و ظرفیت



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

خود در تمرین اراده آزاد ترکیب کنید. شما می‌دانید که چگونه به طور منطقی درباره‌ی قوانین علت و معلول فکر کنید و از هوش خود بهره ببرید.

واضح است که داشتن دو بی‌نهایت امکان ندارد چرا که دیگر بی‌نهایت نخواهد بود، هر یکی به وسیله‌ی دیگری محدود خواهد شد. نمی‌توانید بی‌نهایت را به دو بخش تقسیم کنید. الزاماً، بی‌نهایت وحدت، پیوستگی یا یکی بودن است. مانند هوای خانه شما، کجا هوا در آشپزخانه‌ی شما متوقف و در اتاق نشیمن شروع می‌شود؟ کجا هوای درون خانه‌ی شما متوقف و هوای بیرون خانه آغاز می‌شود؟ هوایی که در دم و بازدم تنفس می‌کنید چگونه؟

هوا نزدیکترین مورد به درک روح همه جا حاضر، جهانی و بی‌کران است. به شکلی باید در اندیشه‌ی و رای هستی فردی خود و به سوی ایده‌ی وحدت وجود جهانی حرکت کنید و از آن به انرژی کیهانی برسید. وقتی به بخشی از کل وجود در یکجا و بخشی در جای دیگر فکر می‌کنید، ایده‌ی وحدت را از دست می‌دهید.

با ذهن باز (همان‌طور که قبلاً توصیه کردم) موضوع را در می‌یابید. در هر لحظه‌ای از زمان، کل روح، متمرکز در نقطه ایست که توجه شما به آن جلب شده است. بنابراین می‌توانید تمام انرژی خلاق را در هر لحظه‌ای از زمان یکپارچه کنید. این اراده آزاد شماست که در کار است.

افکار شما افکار ذهن کیهانی هم هستند. روح کیهانی در افکار شما و اراده‌ی آزاد شماست. وقتی افکار خود را از روح به خویش پایین تغییر جهت بدهید ارتباط خود را با نیروی قصد از دست می‌دهید. اراده‌ی آزاد شما



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

می‌تواند به سمت روح کیهانی یا دور از آن به طرف قلمرو نفس حرکت کند. همین‌طور که از روح دور می‌شوید زندگی به نظر کشمکش می‌آید. انرژی‌های کندتری از شما جریان می‌یابد و شما احساس ناامیدی، بی‌آواری و فقدان می‌کنید. می‌توانید از اراده‌ی آزاد برای پیوستن به انرژی‌های بالاتر و سریع‌تر استفاده کنید. حقیقت این است که ما هیچ چیز را به تنهایی خلق نمی‌کنیم، ما همه خلقی با خداوند هستیم. اراده‌ی آزاد ما آن‌چه را در حال حاضر خلق شده ترکیب و باز توزیع می‌کند. انتخاب با شماست! اراده‌ی آزاد یعنی انتخاب کنید که به روح متصل شوید یا نه.

به این ترتیب در پاسخ به سؤال: آیا اراده‌ی آزاد دارم؟ و آیا قصد با من به صورت نیروی جهانی همه جا گسترده‌ای همراه است؟ می‌گویم بله هست. می‌توانید با این تضاد زندگی کنید؟ اگر درباره‌اش فکر کنید در تمام لحظات هستی خود با آن زندگی می‌کنید. درست در همان لحظه که جسمی با آغاز و پایان، محدودیت‌ها و تعریفی از زمان و فضا هستید، همین‌طور موجودی نادیدنی، بی‌شکل، نامحدود، متفکر و حساس نیز هستید، یا اگر بخواهید روحی در ماشین. کدام هستید؟ ماده یا هستی؟ فیزیک یا متافیزیک؟ شکل یا روح؟ پاسخ: هر دو، هر چقدر هم که به نظر متضاد بیاید آیا اراده‌ی آزاد دارید و آیا بخشی از سرنوشت قصد هستید؟ بله.

دوگانگی را ترکیب کنید. تضادها را بیامیزید و با هر دوی این باورها زندگی کنید. اجازه بدهید روح با شما حرکت کند و به دامنه‌ی قصد متصل شوید. در قصد، روح برای شما کار می‌کند!



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

با اراده‌ی آزاد و آگاهانه تصمیم گرفتن در اتصال دوباره به نیروی قصد، جهت آن را انتخاب می‌کنید. آغاز به احساس شناختی مطبوع و احترام به وحدت روح با خودتان به صورت تمرکزی جداگانه از آن می‌کنید. من آرام کلمه‌ی «قصد» را تکرار می‌کنم تا در دور کردن خویش پایین و خودشیفتگی کمک کند. اغلب به این جمله‌ی کارلوس کاستاندا در قدرت سکوت فکر می‌کنم:

«با از دست دادن امید بازگشت به منشأ انسان متوسط تسلی را در خودپسندی جستجو میکند.» من، شخصاً به طور روزانه تلاش به بازگشت به مبدأ می‌کنم و انسان متوسط بودن را آن‌طور که کارلوس کاستاندا توضیح داده رد می‌کنم.

سال‌ها پیش تصمیم گرفتم مشروب خوردن را ترک کنم. می‌خواستم هشیاری مداوم را در جهت پیشبرد توانایی‌ام در انجام کاری که حس می‌کردم در درونم مشتعل شده تجربه کنم. حس کردم که برای آموزش دادن اتکا به نفس از طریق نوشته‌ها و گفته‌های فراخوانده شده ام. معلمین متعددی به من گفته بودند که هوشیاری کامل پیش‌نیازی برای انجام کاری است که به آن خوانده شده ام.

در مراحل اولیه، این تغییر زندگی پرماجرا به نظر می‌رسید زمانی که هوس می‌کردم به عادت‌های قدیم مثل هر روز عصر خوردن چند آجیو برگردم نیرویی به من کمک می‌کرد. یک بار در وضعیت دودلی، رفتم که آجیوی شش تایی بخرم اما یادم رفته بود پول بخرم. در حالیکه هرگز یادم نمی‌رود که پول بردارم.

ظرف چند دقیقه برای بردن پول به خانه برگشتم و اراده‌ی آزادم را دوباره ارزیابی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

کردم که آیا اجازه می‌دهد آجیو بخرم و تصمیم گرفتم با قصدم در خانه بمانم. دیدم که پس از گذشت هفته‌های اول از این اتفاق‌ها رخ می‌دهد. من با موقعیت‌هایی راهنمایی می‌شدم که مرا از وضعیت‌هایی که خوردن مشروب در آن‌ها هوس می‌کرد به شمار می‌رفت دور می‌کرد. مثل زنگ تلفن، یک بجران خانوادگی که مرا از این هوس دور می‌کرد. امروز که دو دهه از آن زمان می‌گذرد برایم واضح است که محکم گرفتن دستگیره تراموا که قبلاً در موردش توضیح دادم مرا مجاز به حرکت در مسیری می‌کند که زمان‌ها پیش به وسیله‌ی قصد تعیین شده است. همین‌طور می‌بینم که اراده‌ی آزادم، همراهی متضاد در کنار نیروی قصد است.

آگاهی من از قصد به عنوان نیروی برای اتصال دوباره، بیشتر از کاری که خویش پایین ام باید انجام می‌داد، تغییر عظیمی در زندگی من پدید آورد.

آگاهی ساده از این‌که نوشته‌ها و گفته‌ها از دامنه‌ی قصد تجلی می‌یابد سود بی‌اندازه‌ای برای من داشت.

وقتی خودبزرگبینی و هویت فردی را از خود دور می‌کنم از ابهت انرژی خلاق شگفت‌زده می‌شوم. قبل از گرفتن میکروفن، خویش پایین را به سالن انتظار می‌فرستم یا می‌گویم که کنار جمعیت روی صندلی بنشینند. کلمه‌ی قصد را تکرار می‌کنم و کاملاً احساس راحتی می‌کنم. تمام جزئیات ریز را در سخنرانی به خاطر می‌آورم، هرگز از مسیر خارج نمی‌شوم و اتصال حضور منحصر به فردی را که بین من و جمعیت تماشاچی رخ می‌دهد تجربه می‌کنم.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ترکیب کردن اراده‌ی آزاد با قصد

در ریاضیات دو زاویه که مقارن هم خوانده شوند کاملاً با هم تناسب دارند. کلمه‌ی تقارن شانس یا خطاها را توضیح نمی‌دهد. بلکه توضیح چیزهایی است که کاملاً با هم تناسب دارند. با ترکیب کردن اراده‌ی آزاد و قصد با ذهن کیهانی هماهنگ می‌شوید. با خواندن این کتاب، متوجه خواهید شد که رسیدن به هدف بیش از این‌که با فکر خود شما و خارج از نیروی قصد صورت‌پذیر باشد در هماهنگی تمام مدت با قصداً مکان‌پذیر است. وقتی به نظر می‌رسد که زندگی روبه‌راه نیست، شانس‌تان برگشته، مردم نامناسی اطرافتان هستند، یا وقتی به عادت‌های قدیم خود برگشتید بدانید که این‌ها علامت عدم هماهنگی شما با قصد است.

برای مثال، وقتی می‌نویسم، ذهن خود را به امکانات روح کیهانی و افکار فردی خود باز می‌کنم تا با همکاری سرنوشت کتابی سودمند و پر از بینش درونی ارایه دهم. وقتی مورد ترک‌الکل را دوباره بررسی کردم متوجه مثال دیگری از هماهنگی قصد با موقعیت‌های زندگی در ارایه آنچه انسان‌ها به آن نیاز دارند شدم.

اخیراً، دختر نوزده ساله‌ام، سومر گفت کار موقت خود را که گارسونی در یک رستوران بود رها کرده و نمی‌داند که پیش از ادامه‌ی تحصیل در کالج چه کاری انجام دهد. پرسیدم چه کاری به او احساس راحتی و شادی می‌دهد. جواب داد، آموزش اسب‌سواری به کودکان، اما برگشتن به جایی را که یک سال پیش کار می‌کرد به دلیل این‌که حس کرده بود کار زیاد انجام داده و تقدیر نشده و حقوق کم گرفته قبول نکرد.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

زمانی که این مکالمه‌ی تلفنی را انجام دادیم، من در مائوی در حال نوشتن اولین فصل چشم‌اندازی نوین بر قصد، به عنوان نیرویی که بر جهان چنگ انداخته، بودم. به دخترم گفتم که باید افکارش را هماهنگ کند.

«به او گفتم: برای دریافت کمک آماده باش.» به قصد اعتماد کن. برای تو موجود است. آگاه باش و برای پذیرش راهنمایی که به طرفت می‌آید مشتاق باش و در هماهنگی ارتعاشی با مبدأ بمان.

روز بعد، درست لحظه‌ای که به دنبال مثالی از قصد برای این فصل بودم تلفن زنگ زد. سومر بود که از شوق می‌جوشید. «بابا باور نمی‌کنی. ولی وقتی دوباره فکر می‌کنم می‌بینم که باور می‌کنی. یادت می‌آید دیروز گفتم که ذهن خودم را به روی قصد باز کنم؟ مردد بودم، حتی فکر کردم که پدر من عجیب و غریب است اما تصمیم گرفتم امتحان کنم. سپس علامتی روی تلفن دیدم که می‌گفت دروس سوارکاری و یک شماره تلفن هم بود. شماره را نوشتم و تلفن زدم. زنی که گوشی را برداشت گفت که نیاز به شخص قابل اعتمادی برای آموزش دادن به پسر بچه‌ها دارد. درست دو برابر چیزی که در رستوران در می‌آوردم حقوق می‌دهد. فردا به دیدنش خواهم رفت. معرکه نیست؟

معرکه؟ بله، معرکه است! دارم کتابی می‌نویسم و در جستجوی مثال خوبی هستم و این به صورت کمی که روز پیش به دخترم پیشنهاد کردم می‌رسد. یک تیر و دو نشان.

ادغام افکار فردی با ذهن کیهانی

افکار فردی ما الگویی در قصد ذهن کیهانی می‌سازد. شما و نیروی قصدتان از هم جدا نیستند. پس وقتی فکری را در خود شکل می‌دهید



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

که با روح تناسب دارد، يك الكوي معنوي می‌سازید که شما را به قصد پیوند می‌دهد و برآورده شدن خواسته‌ی شما را به جریان می‌اندازد. هر چه که آرزو می‌کنید حقیقتی موجود و در حال حاضر در روح حاضر است. افکار مربوط به شرایط، محدودیت‌ها یا عدم امکان خواسته‌هایتان را از ذهن خود حذف کنید. اگر همزمان به راحتی در ذهن شما و ذهن قصد رها شوند در جهان فیزیکی به وقوع می‌پیوندند.

به عبارت ساده‌تر «هر چیز که بخواهی یا برایش دعا کرده باشی باور کن که به آن رسیده‌ای»، آن را دریافت خواهی کرد.» در این نقل قول نوشتاری به شما گفته شده باور کنید آن‌چه آرزو می‌کنید همین حالا شکل گرفته و کسب خواهد شد. بدانید که افکار و دعاهای شما همین‌جا حاضر است.

تردیدها را کنار بگذارید تا بتوانید فکری هماهنگ با ذهن یا قصد کیهانی خلق کنید. اگر بدون تردید این موضوع را بدانید در آینده رخ خواهد داد. این نیروی قصد است که در کار است.

این بخش را با کلماتی از الدوس هاکسلی خاتمه می‌دهم!

«سفر معنوی در رسیدن به مقصد جدیدی که در آن انسان چیزی را که نداشته به دست می‌آورد یا چیزی که قبلاً نبوده، نیست بلکه شامل دور ساختن جهل انسان با در نظر گرفتن خویش و زندگی است و رشد تدریجی ادراک که آگاهی معنوی را آغاز می‌کند. یافتن خدا رسیدن به خویش است.»

در فصل اول از شما خواستم که تردید در مورد هستی نیروی همه‌جا حاضر در جهان را که من



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

قصد می‌نامم کنار بگذارید و گفتم که می‌توانید به انرژی قصد وصل شده و توسط آن به مقصد برسید. اینجا پیشنهادهای خود را برای انجام این کار مطرح می‌کنم.

پنج پیشنهاد برای بکارگیری ایده‌های ذکر شده در این فصل

۱- هر گاه احساس کردید حالتان خوب نیست یا دچار فقدان شده‌اید، تسمه تراموا را که از دامنه قصد به فاصله سه یا چهار پا از بالای سر شما اوخته شده فرض کنید. تصور کنید که به بالا غوطه می‌خورید و تراموا شما را به قصد می‌رساند. این وسیله‌ای برای بکارگیری تسلیم در زندگی است.

۲- هر گاه در حالت اضطراب بودید یا به نظر رسید که همه چیز در اطراف شما را از مقصدتان باز می‌دارد. کلمه قصد یا قصدکردن را تکرار کنید. این یادآوری برای آرام باقی ماندن است. قصد روح است و روح در سکوت پربرکت است.

۳- به خودتان بگویید که مأموریتی دارید و یک همراه خاموش هر لحظه که بخواهید در دسترس شماست. زمانی که خویش پایین شما را با آنچه دارید یا آنچه انجام می‌دهید تعریف یا با دیگران مقایسه می‌کند. از نیروی اراده آزاد برای از بین بردن آن افکار استفاده کنید. به خود بگویید. من هدفی دارم، هر کاری را که بخواهم می‌توانم انجام دهم و این کار را با هماهنگی نیروی خلاق همه‌گیر جهان انجام می‌دهم.» که به شیوه خودکاری برای جوابگویی به زندگی تبدیل می‌شود. نتایج همزمانی اتفاق خواهد افتاد.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

۴- طوري عمل كنيد گويي هرچه خواسته ايد همين حالا اتفاق افتاده است. اعتقاد داشته باشيد آنچه كه در جستجو پش هستيد هم اكنون دريافت کرده ايد، كه در روح موجود است و بدانيد كه به خواسته هايتان خواهيد رسيد. يكي از ده راز موفقيت و آرامش دروني من اين است كه طوري با خود برخورد كنيد كه گويي همين حالا چيزي هستيد كه مي خواهيد باشيد.

۵- اين گفته باستانی Hasidic (از دیدگاه جنبش هسیدیسم لازمه اتحاد با خدا و تقرب به او ، شادمانه و مجذوبانه زیستن است) را نسخه برداري و به مدت يكسال همراه داشته باشيدكه يادآور نيروي قصد و چگونگي عملگرد آن به طرق مختلف مي باشد.

وقتي كه با ذهني پاك و مقدس در کنار مزارع قدم بزنيد. از همه سنگها، رستيها، حيوانات با رقه اي از روح بيرون آمده و به شما چنك مي زند، آن وقت خلوص يافته و به آتش مقدسي در شما تبديل ميشوند.

در فصل بعدي، توضيح مي دهم كه چگونه بايد به دامنه قصد نگاه كنيد تا قادر به ديدن آن باشيد و چهره هاي قصد به چه شباهت دارند اين فصل را با جمله ديگري ازدون خوان ماتيوس استاد كارلوس كاستاندا پايان مي دهم:

... روح خود را به همه با شدت و تداوم يكسان آشكار مي كند اما تنها جنگجويان هستند كه به طور پيوسته آن را مي شناساند.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

خوانندگان این سطور و جنگجویان مانند هم
در روح اراده آزاد برای دسترسی به نیروی قصد
پیش می‌روند.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

فصل دوم

هفت چهره قصد

«چهارمزار جلد نوشته متافیزیک به ما
نخواهند آموخت که روح چیست.»

ولتر

حرکت از فکر کردن درباره قصد به سوی شناخت قصد

دیروز در حال نوشتن این کتاب درمائیوی
شناختی را تجربه کردم که سعی میکنم برای شما
توضیح بدهم. یک زن ژاپنی از تخته موج افتاد،
بدن اش از شدت تماس با آب دریا ورم کرده
بود. به طرفاش خم شدم، دیگران هم همینطور.
سعی کردم باتنفس مصنوعی قلبش را بکار
بیندازم. در حالیکه دوستهای ژاپنی او با
دیدن تلاشهای بیهوده برای نجات اش از غصه
گریه میکردند ناگهان آگاهی از روح زن که
بر بالای سر ما معلق بود به من دست داد.
همینطور که به صحنه نجات در ساحل نگاه می
کرد، حضور انرژی پرآرامش و پربرکتی را حس
کردم و به شیوه غیرقابل درکی فهمیدم که
زنه نخواهد شد و دیگر به کالبدی که من و
مردم با حسن نیت دیگر تلاش به نجات آن
داشتیم، باز نخواهد گشت.

این شناخت باعث شد که بایستم، دستهایم را
به هم گره زده و دعای آرامی برای او بخوانم.
ما از نقاط مختلف دنیا بودیم و حتی زبان هم
را هم نمی دانستیم با این حال حسی از پیوستگی
با او داشتیم. با این شناخت که روح او و من
به طریقی در اعجاب طبیعت زودگذر و بی دوام



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

زندگی‌های فیزیکی ما بهم وصل بود حس آرامشی
به من می داد.

وقتی به راه افتادم، رنج مرگ بر افکارم
مستولی نشده بود. برعکس، می‌دانستم و حس
می‌کردم که عزیت روح این زن از آنچه که
اکنون بی‌جان و متورم بود بطرز غیر قابل
توصیفی، بخشی از نظم کامل الهی بود.
نمی‌توانستم این را اثبات کنم. هیچ مدرک
علمی نداشتیم. من به آن فکر نمی‌کردم بلکه
می‌دانستم. این مثالی از چیزی است که خرد
خاموش می‌نامم. هنوز بعد از بیست و چهار
ساعت که این مطالب را می‌نویسم حضور او را
حس می‌کنم. در قدرت سکوت کارلوس کاستاندا،
خرد خاموش را به عنوان چیزی توصیف می‌کند
که همه ما داریم. چیزی که تسلط و خرد کامل
به همه چیز دارد. اما قادر به تفکر نیست پس
نمی‌تواند از چیزی که می‌داند حرف بزند..
انسان، خرد خاموش را به دلیل جهان معقولات
ترک کرده است. هرچه بیشتر به جهان دلیل دست
بیندازید، قصد بی‌دوام‌تر می‌شود.»

از آنجا که در این کتاب قصد به عنوان یک
دامنه انرژی نادیدنی ارائه شده که در تمام
اشکال فیزیکی بطور ذاتی وجود دارد، پس قصد
بخشی از جهان غیر قابل توصیف و غیر مادی روح
است. روح تلاش‌های ما را برای توضیح و تعریف
آن پس می‌زند چرا که بعدی و رای آغاز و
پایان محدودیت‌ها، نمادها و و رای خود شکل
است. در نتیجه، کلمات گفته و نوشته شده که
نمادهای ما برای ابراز تجربیاتمان در این
جهان هستند، نمی‌توانند بطور واقعی روح را
به شیوه‌ای که جهان فیزیکی توضیح می‌دهد
بیان کنند.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

من با گفته ولتر که در آغاز این فصل ذکر شد موافقم و می پذیرم که نمی‌توانم بطور قاطع به کسی بیاموزم که روح چیست یا با استفاده از کلمات تصویر دقیقی از آنچه به آن شبیه است ارائه دهم.

کاری که می‌توانم بکنم توضیح روشی است که قصد را تصویر می‌کنم البته اگر به طریقی بتوانیم حجابی که دامنه قصد را از ادراک حسی و ذهن معقول ما دور نگه می‌دارد برداریم. من تصور کلی‌ام را از چیزی که به عنوان هفت چهره قصد نام می‌برم به شما ارائه می‌کنم. این نکات نمایانگر تصویر خیالی من از چیزی است که نیروی قصد به آن شباهت دارد.

اعتقاد دارم قصد چیز است که می‌توانیم آنرا حس کنیم به آن وصل شویم آنرا بشناسیم و به آن اعتماد کنیم. آگاهی درونیست که صریحاً حس‌اش می‌کنیم و در عین حال نمی‌توانیم با کلمات توضیح‌اش بدهیم. از این تصویر برای هدایت بسوی نیروی قصد که سرچشمه خلقت است و آنرا در زندگی روزانه‌ام فعال می‌کند استفاده می‌کنم.

امیدوارم شما هم شروع به شناخت چیزی کنید که شخصاً برای فعال کردن نیروی قصد در زندگی‌تان نیاز دارید.

توضیحات زیر حاصل تجربیات من از اساتید، کار حرفه‌ای با دیگران به مدت سی سال، کتابخانه کتاب‌های متافیزیک که مطالعه کرده‌ام و تکامل شخصی من است. تلاش من در جهت انتقال دانسته‌های شخصی‌ام از فواید اتصال به قصداست.

خوشبختانه شما از خرد خاموش الهام می‌گیرید و می‌توانید تجربه شگفت‌انگیزی برای خود و هر کس دیگری در زندگی‌تان خلق کنید.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

وقتی شما از نیروی قصد برای ایفای نقشی فعال در زندگی‌تان دعوت می‌کنید، خرد خاموش آغاز به کار می‌کند این یک انتخاب شخصی و خصوصی است که نیازی به توضیح یا دفاع ندارد وقتی این انتخاب درونی را انجام دهید، خرد خاموش به تدریج بخشی از زندگی عادی و آگاهی روزانه شما خواهد شد. با بازبودن به نیروی قصد، شما خواهید دانست که ادراک، تولد و مرگ همه مفاهیم طبیعی دامنه انرژی یک خلقت هستند. تلاش به فکر یا استدلال درباره مسیرتان به قصد بیهوده است. با از بین بردن تردید و اعتماد به احساس اشراق، فضایی برای جریان نیروی قصد مهیا می‌کنید. ممکن است بنظر مثل جادو بیاید اما ترجیح می‌دهم به آن به عنوان تخلیه ذهن و تسلط نگاه کنیم. اینجا من افکار منطقی را کنار گذاشته و ذهنم را به روی جادو و هیجان آگاهی جدید روشن گری کننده‌ای باز می‌کنم.

استاد بزرگی در زندگی من به نام کریشنامورتی یکبار اینطور گفت «تهی بودن، کاملاً تهی، چیزی ترسناکی نیست، کاملاً ضروری است که ذهن خالی باشد، تهی بودن، بدون فشار، چرا که تنها آن زمان قادر به حرکت به سوی اعماق ناشناخته می‌شویم.»

حالا لحظه‌ای کتاب را زمین بگذارید. با اعتماد به آرامی آگاهی خویش غیر شخصی را تجربه کنید. ابتدا، چشم‌هایتان را ببندید و ذهنتان را از افکار منطقی و مهمه‌های بی‌شمار متغیر خالی کنید. سپس در زمان بروز شک دکمه حذف را فشار دهید. در خاتمه ذهن خود را به تهیت باز کنید. آن‌زمان می‌توانید شناخت خاموش نیروی قصد را کشف کنید (در فصل بعد،



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

روش های دیگر دستیابی و اتصال به قصد را توضیح خواهیم داد.)
اما حالا، در مورد چگونگی نگرش، اگر بتوانیم مانند روح آن زن ژاپنی کنار ساحل خارج از خودمان، بر بالای جسممان غوطه‌ور باشیم توضیح خواهیم داد. از این چشم‌انداز خود را در حال نگاه کردن به چهره‌های قصد از طریق چشم‌هایی که قادر به دیدن ارتعاشات بالاتر هستند تصور می‌کنم.

هفت چهره قصد

۱- چهره خلاقیت

اولین از هفت چهره قصد تاثیر خلاق نیروی قصد است که ما را طراحی و اینجا قرار داده و محیطی مناسب با نیازهایمان فراهم ساخته است. نیروی قصد باید خلاق باشد در غیر این صورت هیچ چیزی بوجود نخواهد آمد. بنظر می‌رسد که این حقیقتی غیرقابل انکار درباره قصد یا روح است چرا که هدف آن جان دادن به هستی در محیطی مناسب است. چرا به این نتیجه می‌رسیم که قصد می‌خواهد که هستی را در وفور داشته باشیم؟ چون اگر برعکس بود، زندگی به آن شکل که ما می‌شناسیم به وقوع نمی‌پیوست.

اینکه می‌توانیم نفس بکشیم و زندگی را تجربه کنیم برای من مدرکی است که طبیعت روح در هسته‌ی خود خلاق است. ممکن است به نظرتان امری واضح یا گیج‌کننده یا حتی نامربوط بیاید، اما چیزی که واضح است: شما اینجا در کالبد فیزیکی خود حضور دارید، زمانی جنین، پیش از آن دانه‌ای و قبل از آن انرژی بی‌شکلی بودید: انرژی بی‌شکل و قدرتمند که شما را از ناکجا به اکنون و اینجا آورد. در بالاترین شکل‌های آگاهی، قصد شما را در جهت



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

سرنوشتان آغاز کرد. چهره خلاقیت شما را بسوی خلق مشترک هرچیزی که نیروی قصدتان را بطرف آن جهت دهید مصمم کرد. انرژی خلاق جزیی از شماست. از روح که به شما قصد می‌دهد ریشه می‌گیرد.

۲- چهره مهربانی

هر نیرویی که به عنوان طبیعت ذاتی خود نیاز به خلق و تبدیل انرژی به شکل فیزیکی دارد باید نیروی پرمهری باشد. جهت عکس قیاس می‌کنم. اگر نیروی قصد در هسته ی خود خواسته ای از بی‌مهری، شر یا زیان داشت خلقت ناممکن بود. لحظه ای که انرژی بی‌مهر شکل بگیرد، روح تخریب می‌شود. برعکس، نیروی قصد چهره ای پرمهر دارد. انرژی پرمهری است که قصد دارد هر چه خلق می‌کند شکوفا شده، رشد کند و خوشحال و پر غر باشد. هستی ما مدرکی از مهربانی قصد است. انتخاب مهربانی خود انتخاب نیروی قصد فعال در زندگی شماست.

تأثیر مثبت در سیستم ایمنی بدن و درافزایش تولید سروتونین در مغز در تحقیقات ثابت شده است. سروتونین ماده ایست که به طور طبیعی در بدن ایجاد می‌شود که باعث احساس آرامش بیشتر، راحتی و حتی سعادت می‌شود. در واقع، نقش مواد ضد افسردگی انگیزتن تولید سروتونین بطور شیمیایی است که افسردگی را از بین می‌برد. تحقیقات نشان داده است که عمل ساده ای از مهربانی به شخصی دیگر کارکرد سیستم ایمنی را توسعه داده و تولید سروتونین را در هردو گیرنده و دهنده مهربانی برمی‌انگیزد.

عجیب تر اینکه، حتی اشخاصی که ناظر هستند از همان نتیجه بهره‌مند می‌شوند. تصور کنید! مهربانی بسط یافته، دریافت شده یا مشاهده



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

شده بطور سودمندی سلامتی جسمانی و احساسات افراد مربوطه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اینجا هر دو چهره خلاقیت و مهربانی لبخند می‌زنند.

وقتی بی‌مهر هستید چهره مهربانی رامسود میکند و از نیروی قصد دور می‌شوید. مهم نیست که آنرا چه بنامید: خدا، روح، مبدا یا قصد، آگاه باشید که افکار خالی از مهر ارتباط را تضعیف و افکار پرمهر، آنرا استحکام می‌بخشد. خلاقیت و مهربانی دو چهره از هفت چهره قصد هستند.

۳- چهره عشق

سومین از هفت چهره قصد، یعنی عشق طبیعتی جان بخش در ذات نیروی قصد است که نتیجه‌ای غیر قابل انکار دارد. این کیفیت ترغیب کننده، پیش برنده و حمایت کننده را اگر عشق بنامیم، پس چه باید بنامیم؟ این اولین نیروی روح کیهانی قصد است همانطور که رالف والدو امرسون می‌گوید: «عشق بالاترین کلام ما و مترادف با خداوند است.»

دامنه انرژی قصد، عشق حاصل شده در محیطی کاملاً هماهنگ و پرورنده است. قضاوت، خشم، نفرت، ترس و تعصب اینجا بقا نخواهد داشت. پس اگر واقعاً می‌شد که این دامنه را ببینیم، خلاقیت و مهربانی را در دامنه بی‌پایانی از عشق می‌دیدیم. ما به جهان فیزیکی محدودیت‌ها و آغازها از طریق دامنه نیروی کیهانی عشق خالص وارد شده‌ایم. این چهره قصد که بیانی از عشق است برای ما خواستار شکوفایی و رشد و تبدیل به آنچه که توانش را داریم می‌باشد. وقتی با انرژی عشق هماهنگ نیستیم، از قصد دور شده و توانایی خود را برای فعال ساختن قصد از طریق بیان



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

عشق تضعیف می‌کنیم. برای مثال: اگر کاری را که دوست دارید انجام نمی‌دهید نیروی قصد شما ضعیف می‌شود. نارضایتی‌های بی‌شماری را به زندگی خود جذب می‌کنید که از چهره عشق نیست. در نتیجه بیشتر چیزهایی که دوست ندارید در زندگی‌تان ظاهر خواهد شد.

افکار و احساسات انرژی خالص هستند که بعضی بالاتر و سریع‌تر از بقیه اند. وقتی انرژی‌های بالاتر دامنه‌ای را که انرژی‌های پایین‌تر گرفته‌اند اشغال کنند، انرژی‌های پایین‌تر به انرژی‌های بالاتر تبدیل می‌شوند. نمونه ساده برای این مثال یک اتاق تاریک شده با انرژی پایین‌تر و یک اتاق غوطه‌ور در نور است. از آنجا که نور سرعت بیشتری دارد، وقتی شمعی به اتاق تاریکی آورده شود نه تنها بنظر می‌رسد که تاریکی از بین رفته بلکه بطور معجزه‌آسایی به روشنایی تبدیل می‌شود. همین مثال در مورد عشق نیز صادق است، که انرژی سریع‌تر و بالاتری از انرژی نفرت دارد.

سنت فرانسیس، در دعای مشهورش، به خدا التماس می‌کند: «جایی که نفرت حاکم است، بگذار عشق بکارم». چیزی که او جستجو می‌کند نیرویی برای حل و تبدیل نفرت به انرژی عشق است. وقتی انرژی عشق حضور داشته باشد نفرت به عشق تبدیل می‌شود. در مورد شما هم همینطور است. نفرتی که به طرف خود و دیگران جهت می‌دهید می‌تواند به نیروی جان‌بخش و پرعشق زندگی تبدیل شود. پیر تیلارد دو شاردن به این شکل مسئله را عنوان می‌کند: نتیجه همیشه یکی است: عشق قوی‌ترین و در عین حال ناشناخته‌ترین انرژی جهان است.»

۴- چهره زیبایی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

چهارمین از هفت چهره قصد، زیبا ئی است. آن بیان خلاق، مهربان و پرعشق جز زیبا چه چیز دیگری می‌تواند باشد؟ چرا هوش سازمان دهنده قصد باید چیزهایی بر خلاف خود را آشکار کند؟ آشکارا نمی‌تواند. پس می‌توانیم نتیجه بگیریم که طبیعت قصد دارای يك فعل و انفعال ابدی از عشق و زیبایی است. زیبایی را به چهره خلاق، مهربان، پرعشق نیروی قصد اضافه کنید.

جان کیتز شاعر برجسته رمانتیک از قصیده خود در ظرف خاکستر یونانی نتیجه می‌گیرد:

زیبایی حقیقت است، حقیقت زیبایی است. این تنها چیزی است که در زمین می‌شناسید و تنها چیزی که باید بدانید. بطوریقین حقیقت در خلقت همه چیز موجود است. واقعیت است که اینجا در شکل به نمایش درمی‌آید. در اینجا و اکنون در شکلی است که بیانی از نیروی خلاق نادیدنی است. پس من با کیتز موافقم که نیاز داریم بطور خاموش بدانیم حقیقت و زیبایی یکی هستند. خارج از حقیقت روح مبدا و در بیانی از نیروی قصد، حقیقت به صورت زیبایی در می‌آید. این شناخت به بینش‌های باارزشی از خواست، تصور و اشراق فردی شما منجر می‌شود.

در جهت دست یافتن به اهمیت زیبایی به عنوان یکی از چهره‌های قصد، این نکته را به خاطر داشته باشید: افکار زیبا، روح زیبا می‌سازند. وقتی برای دیدن و حس کردن زیبایی اطرافتان پذیرنده باشید، با نیروی خلاق قصد در هر چیزی در جهان طبیعی که شامل خود شما هم می‌شود آشنا می‌شوید. با انتخاب دیدن زیبایی در همه چیز، حتی شخصی که در فقر و جهل به دنیا آمده باشد می‌تواند نیروی قصد



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

را تجربه کند. جستجوی زیبایی در بدترین موقعیتها با قصد فردی، شخص را به نیروی قصد پیوند می‌دهد. این امر واقع می‌شود. باید بشود. چهره زیبایی همیشه حضور دارد حتی جایی که دیگران زشتی را می‌بینند.

من عمیقاً افتخار می‌کنیم که در سال ۱۹۷۸ در وین، اطریش، با ویکتور فرانکل هم کرسی بودم. او گفت: توانایی دیدن زیبایی در تمام موقعیت‌های زندگی است که به زندگی معنی می‌دهد. در کتابش تحت عنوان: "انسان در جستجوی معنا"، از کاسه‌ای صحبت می‌کند پر از آب کثیف با یک کله ماهی شناور در آن که نازی هادر اردوگاه کار اجباری در طی جنگ جهانی دوم به او داده بودند. او به خودش تلقین کرد که بجای متمرکز بودن بر وحشت، زیبایی را در غذایش ببیند. او توانایی دیدن زیبایی در همه چیز را برای بقا در آن اردوگاه‌های وحشتناک بکار گرفت. او به ما می‌گوید که اگر بر زشتی متمرکز شویم، زشتی‌های بیشتری را به افکارمان، سپس به احساسمان و نهایتاً به زندگی‌مان راه می‌دهیم.

با آویختن به گوشه‌ای آزاد در ذهن حتی در بدترین موقعیت‌ها می‌توانیم جهان خود را با انرژی‌های قدردانی و زیبایی پیش برده و فرصتی برای بالا بردن موقعیت‌های خود خلق کنیم. من شیوه توضیح مادر ترزا را در این خصوص خیلی دوست دارم. از او پرسیدند: برای مأموریت خود هر روز در خیابان‌های کلکته چه می‌کنید؟»

او جواب داد:

«هر روز عیسا مسیح را در شکل‌های مختلف مشقت‌اش می‌بینم.

۵- چهره فراخی (انبساط)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

طبیعت عنصری زندگی افزایش و جستجوی بیشتر
حالت‌هاست. اگر بتوانیم با قدرت بر چهره‌های
قصد متمرکز شویم یک‌ه خواهیم خورد. تصور
می‌کنیم یکی از چهره‌هایی که خواهیم دید
حالت انبساط ممتد نیروی قصد است. طبیعت این
روح خلاق همیشه به طریقی عمل می‌کند گویی
منبسط می‌شود. روح قدرتی شکل دهنده است.
دارای نظم افزایش است یعنی زندگی بطرف
زندگی بیشتر رو به توسعه است. آن‌طور که
می‌دانیم زندگی از قصد بی‌شکل ریشه می‌گیرد.
بنابراین، یکی از چهره‌های قصد شبیه چیز است
که بطور ابدی متحول می‌شود. باید شبیه به
لکه کوچکی در وضعیت ممتدی از دو برابری
خود باشد، بعد بزرگ کردن خود، بعد جلو
راندن خود در حالیکه مدام خود را توسعه
می‌دهد. این دقیقاً چیز است که در جهان
فیزیکی ما رخ می‌دهد. این چهره پنجم قصد
شکل چیزی را می‌گیرد که آن را بیان می‌کند.
هیچ راه دیگری ندارد، چرا که اگر این نیروی
همیشه در حال انبساط شبیه خود نبوده یا نا
پیوسته باشد تنها قادر به تخریب خود است.
نیروی قصد بصورت بیانی از خلایقیت، مهربانی،
عشق و زیبایی در حال انبساط آشکار می‌شود.
با ایجاد رابطه شخصی با این چهره قصد، شما
زندگی خود را از طریق نیروی قصد که همیشه
جزیی از این قصد ریشه دار بوده، هست و
خواهد بود توسعه می‌دهید. نیروی قصد نیروی
انبساط و افزایش تمامی جنبه‌های زندگی است.
استثنایی وجود ندارد. این طبیعت قصد است
که در وضعیت بیان افزایش یافته‌ای می‌باشد،
پس در مورد شما نیز صادق است.
تنها شرط حرکت مستقیم قصد، همکاری با آن
در همه جا و اجازه دادن به آن برای بیان



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

خود از طریق شما و برای شما و هر کس که با آن روبرو می‌شوید می‌باشد. بعد از آن نگرانی و اضطرابی وجود نخواهد داشت. به چهره فراحی اعتماد کرده و همکاری می‌خواهید انجام دهید. بدانید که نتایج سودمند جامع تنها ره‌آوردهای ممکن هستند.

۶- چهره وفور نامحدود

چهره ششم قصد بیانی از چیز است که حد و مرز ندارد، همه جا حضور دارد و بطور بی‌پایانی وفور دارد: نه تنها عظیم است بلکه هرگز متوقف نمی‌شود. این هدیه شگفت‌انگیز فراوانی چیز است که از آن خلق شده‌اید و از این رو شما هم در بیان زندگی‌تان در آن شریک هستید. شما در واقع قانون وفور را اجرا می‌کنید. این هدایا درست مثل هوا، خورشید، آب و جو بطور رایگان و کامل در وفور نامحدود برای شما فراهم شده است. از زمان اولین خاطره‌ها، به شما یاد داده شده که در محدودیت‌ها فکر کنید. اموال من از اینجا شروع می‌شود. مال شما از آنجا، به این شکل حصارهایی برای علامت گذاری مرزهایان می‌سازیم اما کاشفین باستانی به ما آگاهی‌ای از جهان به عنوان نیروی بی‌پایان ارائه داده‌اند. حتی منجمین باستانی اعتقادات ما را درباره سقف گنبدی شکلی که روی زمین را می‌پوشاند به هم ریختند. درباره کهکشان‌ها که با فواصل سرعت نور در سال محاسبه می‌شوند چیزهایی آموختیم. کتاب‌های علمی که از تاریخ چاپشان دو سال بگذرد دیگر بی‌اعتبار می‌شوند. گزارشات ورزشی که از قرار معلوم محدودیت‌های چالاکي فیزیکی ما را مورد بحث قرار می‌دادند با نظم خیره‌کننده‌ای از هم پاشید.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

یعنی در قدرت انسان‌ها، ماهیت‌های جمعی و افراد هیچ محدودیتی وجود ندارد. کاملاً درست است چرا که ما از وفور نامحدود قصد پدیدار شده‌ایم. اگر چهره نیروی قصد وفور نامحدود است می‌توانیم بفهمیم که نیروی ما نیز برای آشکار ساختن و جذب هرچیزی به زندگی‌مان مشابه آن است. چهره فراوانی بطور مطلق هیچ محدودیتی ندارد. وسعت سرچشمه‌های سوژه‌های خلق شده را تصور کنید. سپس یک سرچشمه را که واری بقیه ایستاده بررسی کنید این ذهن شما و ذهن جمعی انسان‌هاست. ذهن شما کجا شروع و کجا تمام می‌شود؟ محدودیت‌های آن چیست؟ جایگاه آن کجاست؟ مهم‌تر از آن، جایگاه آن کجا نیست؟ آیا در تولد شما به وجود آمده یا پیش از ادراک شما حضور داشته است؟ آیا با شما می‌میرد؟ چه رنگی دارد؟ چه شکلی؟ پاسخ‌ها در این عبارت است: وفور نامحدود. شما از همین وفور نامحدود خلق شدید. نیروی قصد همه جا هست و چیزیست که اجازه می‌دهد همه چیز بطور بی‌نهایتی آشکار، افزوده و فراهم شود. بدانید که به این نیروی زندگی متصل هستید و آن‌را با هرچیزی که بصورت نقصان درک می‌کنید شریک هستید. ذهن خود را به سوی بیان چهره وفور نامحدود باز کنید و زندگی خود را بصورت همکار، آن‌گونه که می‌خواهید خلق خواهید کرد. شعرا می‌توانند چیزی را که درک آن برای ما دشوار است در چند کلمه کوتاه بیان کنند. اینجا والت ویتمن در "ترانه خودم" با ما سخن می‌گوید. همانطور که این سطور را می‌خوانید چهره وفور بی‌نهایت را به جای خدا گذاشته و مزه‌ای از نیروی قصد را بچشید.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

می‌شوم و نظاره می‌کنم خدا را در هر چیزی،
با اینحال در کمترین او را درک نمی‌کنم.
چیزی از خدا در هر لحظه از ۲۴ ساعت
می‌بینم.
و هر لحظه،
در چهره زنان و مردان آن را می‌بینم.
و در چهره خودم در آینه.
نامه‌ای از خدا پیدا می‌کنم،
افتاده در خیابان،
که هر يك به نام او امضا شده،
و رها می‌کنم آن‌ها را در جایی که هستند.
چرا که می‌دانم،
هر جا که بروم،
دیگران برای ابد و همیشه سروقت خواهند
آمد.

لزومی ندارد که درکی روشنفکرانه داشته
باشید. کافیست که خاموش بدانید و با آگاهی
از این چهره بی‌پایان وفور زندگی کنید.

۷- چهره پذیرندگی

این شیوه‌ای است که چهره هفتم یعنی چهره
پذیرندگی قصد را تصور می‌کنم. به سادگی
برای همه پذیرنده است. هیچ کس و هیچ چیز
توسط چهره پذیرندگی قصد رد نمی‌شوند. هر کس
و هر موجود زنده‌ای را بدون قضاوت می‌پذیرد
بی‌که نیروی قصد را به عده‌ای بدهد و از
عده‌ای دریغ کند. چهره پذیرنده قصد برای من
به این معنی است که تمام طبیعت در انتظار
فراخوان برای عمل کردن است.

تنها کافی است که شناخته و دریافت کنیم.
اگر نتوانی آن را بشناسی، قصد قادر به
پاسخ‌گویی به تو نخواهد بود. اگر نگرش تان
این است که شانس و اتفاق زندگی شما و جهان



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

را اداره می‌کند، پس ذهن کیهانی قصد جز ادغام نیروهایی خالی از هر گونه قدرت و نظم چیز دیگری نیست. عدم پذیرش یعنی خود را از دسترس نیروی قصد دور کنید. برای بهره‌مندی از پذیرندگی قصد باید در خود هوشمندی معادل و متناسبی با ذهن کیهانی تولید کنید. نه تنها باید برای گرفتن راهنمایی در جهت آشکاري مقاصد انسانی پذیرنده باشید بلکه باید پذیرنده پس‌دادن انرژی به جهان نیز باشید همانطور که بارها در نوشته‌ها و سخنرانی‌های قبل گفته‌ام کار شما این نیست که بگویید: چطور؟، بلکه باید بگویید: بلی! بلی می‌خواهم بلی. می‌دانم که نیروی قصد جهانی است و از هیچ‌کس دریغ نشده است.

زمانی که آنچه نیاز دارم از مبداء به سوی من جریان می‌یابد چهره پذیرندگی لبخندی می‌زند، و مبداء نسبت به تقاضای من برای همکاری درباره کتاب‌ها، سخنرانی‌ها، فیلم‌های ویدیویی، نوار و هرچیز دیگری که به حدکافی برای داشتنشان خوش شانس هستم پذیرنده می‌شود.

با پذیرش، در هماهنگی با نیروی قصد قدرت خلاق جهانی هستم. این مورد به شیوه‌های سختی عمل می‌کند. می‌بینید که اشخاص لازم در زندگی شما ظاهر می‌شوند، جسم‌تان درمان می‌گیرد و کشف خواهید کرد که رقص بهتر، قمارباز یا ورزشکار بهتری شده‌اید. دامنه قصد به هر چیزی اجازه ظهور در شکل می‌دهد و قدرت نامحدود آن در هر چیزی که آشکار شده حتی پیش از بارقه‌های اولیه تولدش حضور می‌یابد.

در این فصل شما درباره مفاهیم هفت چهره قصد خواندید. آن‌ها خلاق مهربان، پر از عشق، زیبا، در حال توسعه و بطور بی‌پایانی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

فراوان و پذیرنده نسبت به همه چیز هستند و شما می‌توانید به این دامنه وسوسه انگیز قصد متصل شوید. پنج پیشنهاد هست که شما می‌توانید پیام‌های ضروری را با استفاده از آن‌ها به کار ببندید.

پنج پیشنهاد برای بکارگیری ایده‌های این فصل

۱- نیروی قصد را تصور کنید.

با تصور خود از دامنه انرژی، که نیروی قصد است دعوت کنید که در ذهنتان ظاهر شود. نسبت به آنچه که به عنوان تصویر مفاهیم مورد نظر شما از این دامنه انرژی می‌رسد پذیرنده باشید. حتی اگر می‌دانید نادیدنی است، چشم‌هایتان را ببندید و ببینید که چه تصاویری دریافت می‌کنید. هفت کلمه نمایانگر هفت چهره قصد را از بر تکرار کنید: خلایق، مهربانی، عشق‌ورزی، زیبایی، فراخی، فراوانی و پذیرندگی. این هفت کلمه را به یاد آورده و از آن‌ها برای هماهنگی با نیروی قصد استفاده کنید.

۲- انعکاس‌دهنده باشید

آینه بدون تغییر شکل منعکس می‌کند. آینه بودن را بررسی کنید و آنچه وارد زندگی‌تان می‌شود بدون داوری یا هیچگونه نظری انعکاس دهید. به کسانی که وارد زندگی‌تان می‌شوند با خواست این که بنا به هوس شما بمانند، بروند یا بیایند غیروابسته بمانید. قضاوت در مورد خود یا دیگران را از چاقی، قد بلندی، زشتی یا هر چیز دیگر قطع کنید. درست مانند نیروی قصد بدون داوری یا وابستگی، پذیرفته و انعکاس دهید. سعی کنید با آنچه در



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

زندگیتان ظاهر می‌شود یکی باشید. مانند آینه باشید.

۳- در انتظار زیبایی باشید.

این پیشنهاد شامل انتظار مهربانی و عشق همراه با زیبایی در زندگی شما با عشق عمیق به خود، به اطراف خود و ابراز احترام به تمامیت زندگی می‌شود. هر جا که باشید همیشه چیز زیبایی برای تجربه وجود دارد. همین حالا، به اطراف نگاه کنید و زیبایی را به عنوان نقطه تمرکز خود انتخاب کنید. با روش‌های احساس ضرر، خشم یا تهاجم فرق دارد. در انتظار زیبایی بودن به شما در درک نیروی قصد کمک می‌کند.

۴- بر حق شناسی مراقبه کنید

انرژی را که با تمام موجودات زنده در حال، آینده و حتی آن‌هایی که پیش از شما زندگی کرده‌اند سهم هستیم پرورش دهید. موج نیروی زندگی را که به شما فرصت اندیشیدن، خواب، حرکت، هضم و حتی مراقبه را داده حس کنید. نیروی قصد به خاطر حق‌شناسی به شما پاسخ می‌دهد. نیروی حیات که در جسم شماست کلیدی برای چیز است که آرزو می‌کنید. وقتی از نیروی حیات به عنوان نماینده نیروی قصد قدردانی کنید موجی از شناخت در درون شما به حرکت درمی‌آید. خرد روح شما همانطور که به مراقبه شما بر حق شناسی پاسخ می‌دهد سرسپرده شده و گام‌هایی که باید برداشته شوند می‌شناسد.

۵- شك را از بین ببرید

وقتی شك از میان برداشته شود، وفور شکوفا شده و هرکاری ممکن می‌شود. همه می‌خواهیم که



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

از افکارمان برای خلق جهانی که انتخاب کرده ایم استفاده کنیم. اگر به توانایی ساختن زندگی‌ای که می‌خواهید شک کنید آن‌زمان نیروی قصد را رد کرده‌اید. حتی وقتی هیچ چیز نمایانگر حصول آنچه در زندگی خواسته‌اید نیست، از شک حذر کنید. به یاد داشته باشید که تسمه تراموا یعنی قصد منتظر غوطه‌خوردن شما به سوی خود و بردن شماست.

شکسپیر می‌گوید شک‌های ما خیانت کار هستند و باعث می‌شوند با ترس از تلاش، چیزهای خوبی را که باید برنده شویم از دست بدهیم. ورامانا ماها ریشی می‌گوید: شک از غیاب تسلیم برمی‌خیزد.

شما می‌توانید به چیزهایی که دیگران می‌گویند یا خود تجربه می‌کنید شک کنید اما وقتی نوبت شناخت نیروی جهانی قصد که شما را طراحی و به اینجا آورده رسید آنرا از میان بردارید! هرگز به خلقت از دامنه انرژی که همیشه در دسترس شماست شک نکنید.

در فصل بعد برای صیقل دادن پیوند میان شما و این دامنه انرژی که قصد می‌نامیم روشی پیشنهاد می‌کنم که ممکن است به نظرتان غیرعادی بیاید.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

فصل سوم

پیوند با قصد

قانون شناوری نه از اندیشه فرو رفتن اجسام بلکه از اندیشه شناوری اجسام که بطور طبیعی شناور بودند کشف شد و بعد هوشمندانه پرسیده شد چرا؟

توماس ترووارد

این اظهار نظر را از طبیب علوم روانی اوایل قرن بیستم توماس ترووارد بررسی کنید. در روزهای اولیه ساخت کشتی، کشتی‌ها از چوب ساخته می‌شدند و استدلال این بود که چوب روی آب شناور و آهن در آن فرو می‌رود. اما امروزه کشتی‌ها در سرتاسر دنیا از آهن ساخته می‌شوند. وقتی انسان‌ها شروع به مطالعه قانون شناوری کردند، دریافتند هرچیزی از توده مایعی که بر آن قرار می‌گیرد سبک‌تر باشد روی آن شناور می‌ماند. به این شکل می‌توانیم آهن را با همان قانون که می‌تواند آن را در آب فرو برد، روی آب شناور کنیم. این مثال را در حالی که محتوای این فصل را در جهت پیوند به هر چیزی که قصد دارید به آن تبدیل شوید می‌خوانید در ذهن نگه دارید.

این جا کلمه کلیدی اندیشیدن است یا آنچه که در زمان استفاده از نیروی بی‌اندازه قصد فکر خود را بر آن متمرکز می‌کنید. باید قادر به اتصال به قصد باشید و اگر بر عدم امکان قصد فکر کنید قادر به این کار نخواهید بود. نمی‌توانید قانون همکاری در خلقت را با اندیشیدن به آنچه ندارید کشف کنید. نمی‌توانید قدرت بیداری را با اندیشیدن به چیزهایی که خفته‌اند کشف کنید. راز آشکار



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

شدن هرچیزی که می‌خواهید خواست و توانایی شما برای انتخاب است بطوری که جهان درون شما با قدرت قصد هماهنگ باشد. هر وسیله‌ی مدرنی که شما دیده و از امتیاز آن بهره می‌برید بوسیله کسی با اندیشه و قصد شخصی او خلق شده است. (و خلق کردن کاری است که در این کتاب انجام می‌دهیم)

طریقه ایجاد رابطه با روح و دسترسی به نیروی این اصل خلاق، اندیشیدن مداوم بر خود در میان شرایطی است که دوست دارید کسب کنید. من شما را به تأکید بر این ایده با خط کشیدن زیر جمله قبل چه در این کتاب و چه ذهن‌تان تشویق می‌کنم. در ایده نیروی برتر بی‌نهایتی منزل بگیرید که نتایجی را که دوست دارید تولید می‌کند. که نیروی خلاق جهان است. مسئول هرچیزی است که بر آن تمرکز شود. با اعتماد به آن جهت اراده شکل و شرایط آشکار شدن‌اش، رابطه‌ای با قصد ایجاد می‌کنید که شما را مجاز به پیوند با آن می‌کند البته تا زمانی که این نوع از قصد شخصی را تمرین می‌کنید.

برادران رایت برماندن روی سطح اجسام فکر نکردند الکساندر گراهام بل به عدم امکان ارتباطات نیندیشید. توماس ادیسون برتاریکی متمرکز نشد. در جهت شناور ساختن ایده‌ای به جهان خود، باید مشتاق به معلق زدن به غیر قابل تصور باشید و روی پاهایتان فرود بیاید و نه بر آنچه ندارید بلکه به آنچه می‌خواهید بیندیشید. آن‌زمان است که به جای فرو بردن آرزوها آغاز به شناور ساختن آن‌ها می‌کنید. قانون آشکار شدن مانند قانون شناوری است و باید بر کارایی آن و نه بر بیهوده بودنش فکر کنید. این کار با ایجاد



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

پیوند مستحکمی بین شما و دامنه انرژی بی‌شکل و نادیدنی نیروی قصد حاصل می‌شود.

وارد شدن به روح قصد

هر چه که مایل به خلق آن در زندگی خود باشید نیازمند به همان کیفیت زندگی بخش دارد که به هر چیزی هستی می‌بخشد. روح هر چیزی، کیفیتی که آن را به جهان شکل وارد می‌کند، به عنوان یک اصل عمده حقیقت دارد پس چرا آن را درون خود فعال نمی‌کنید؟ نیروی قصد منتظر توانایی شما برای ایجاد اتصال است. در حال حاضر فهمیدیم که قصد ماده‌ای با کیفیات فیزیکی قابل سنجش نیست. به عنوان مثال به هنرمندان فکر کنید. اثر خلق شده توسط آن‌ها تنها کاربردی از کیفیت رنگ، برس، موم و یا هر ترکیب دیگری از ماده‌ای که استفاده می‌کنند، نیست. برای درک خلقت یک شاه اثر باید افکار و احساسات هنرمند را در نظر بگیریم. باید دانسته و به حرکت ذهن فعال هنرمند در جهت درک مراحل خلق اثر هنری وارد شویم. هنرمند از هیچ، چیزی خلق می‌کند. بدون افکار و احساسات هنرمند هنری وجود نخواهد داشت. ذهن خلاق خاص آن‌هاست که با اندیشه و قصد پیوسته و به آنچه اثر هنری مینامیم جان می‌دهد. نیروی قصد در خلقت شما، شخصی جدید، کاملاً منحصر به فرد، شخصی از هیچ به همین شکل کار کرده است. تولید دوباره آن در خودتان به معنی مواجه شدن با انگیزه خلاق و دانستن ایناست که نیروی قصد برای شناخت هر آنچه حس می‌کند از راه می‌رسد و خود از طریق شما بیان می‌کند. آنچه حس می‌کنید، کاربردی از چگونگی تفکر شما، اندیشه شما و شکل‌گیری گفتگوی درون شماست. اگر قادر به رسوخ در حس نیروی قصد بودید،



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

احساس کردید که همیشه در حال افزایش است و به خود اعتماد دارد چرا که نیرویی تکوینی است و هرگز خطا نمی‌کند، از این رو هرگز اعلام اش را از دست نمی‌دهد. همیشه در حال افزایش و خلق است. حرکت به طرف جلوی روح مشخص است. نیروی قصد بیان کاملتری از زندگی را آرزو میکند همانطور که احساسات هنرمند در بیان کاملتری از ایده‌ها و افکارش بیرون می‌تراود. احساسات کلیدهایی درباره سرنوشت و قدرت نهان شما هستند و در جستجوی بیان کامل زندگی از طریق شما می‌باشند.

چگونه به روح قصد که درباره احساسات بیان کننده زندگیست، وارد می‌شوید؟ می‌توانید آن را با چشمداشت مداوم از قانون بری از خطای معنویت افزایش داده و به عنوان بخشی از زندگی‌تان بپرورانید. آن را بوسیله قابلیت تصور خود در دیدن ارتعاشات بالاتر دیده‌ایم و صدای آن را که توسط اساتید معنوی در طی اعصار به آن داده شده شنیده‌ایم. همه جا هست. می‌خواهد زندگی‌را بیان کند. عشق خالص در عمل است. مجرد است و حدس بزنید دیگر چه چیز است؟

شما خود آن هستید اما فراموش کرده‌اید. کافی است که در شادی به توانایی خود در اتکا به روح در جهت بیان خود از طریق شما و برای شما اعتماد کنید. وظیفه شما اندیشیدن بر انرژی‌های زندگی، عشق، زیبایی و مهربانی است. هر عملی هماهنگ با این اصل مبداء، به نیروی قصد خود شما بیانی می‌دهد.

اراده و تصور شما

در هستی اراده آزاد شما هیچ بحثی نیست. شما موجوداتی با ذهنی قادر به تصمیم‌گیری هستید. در واقع در وضعیت مداومی از



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

تصمیم‌گیری در طول زندگی خود هستید. این موضوع اراده آزاد شما در مقابل سرنوشت از پیش تعیین شده تان نیست. گزینش‌های خود را در اراده به سوی آرزوهایتان به دقت بررسی کنید. در این کتاب قصد به معنی داشتن آرزویی قوی و عملی ساختن آن با تصمیمی خوشونت‌آمیز نیست. داشتن اراده قوی و قدرت تجزیه و تحلیل در انجام اهداف درونی، خواستن راهنمایی از نفس به عنوان نیروی راهبر در زندگی است. اینکار را خواهم کرد، احمق نخواهم شد، متوقف نخواهم شد. این‌ها ویژگی‌های قابل تحسینی هستند اما شما را به قصد پیوند نمی‌دهند. نیروی اراده شما کم‌تأثیرتر از آن است که شما را به نیروی قصد پیوند دهد. جنبش ذهن کیهانی در دوران شماست. خیال تصویر درونی‌ای خلق می‌کند که شما را مجاز به شرکت در عمل خلقت می‌سازد. این اتصال نادیدنی برای آشکار ساختن سرنوشت خودتان است. خود را در حال انجام کاری تصور کنید که تصورات شما مایل نیست ان کار را انجام دهید. اراده شما بخش نفسانی شماست که اعتقاد دارد از بقیه جدا هستید، از هرچه مایل به داشتن و انجام دادن آن هستید، جدا و از خدا جدا هستید. اعتقاد دارد شما اکتساباتان و دست‌آوردهایتان هستید. این اراده نفسانی مدام می‌خواهد مدارکی دال بر مهم بودنتان کسب کنید. به عبارت دیگر تصور شما مفهوم روح در شماست. خدای درون شماست. توضیح ویلیام بلیک را از تصور بخوانید. او معتقد بود که با تصور می‌توانیم هرچه که می‌خواهیم بشویم.

از وظیفه بزرگم باز نمی‌ایستیم

برای گشودن جهان‌های ابدی

برای گشودن چشم‌های فناپذیر انسان



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

به درون، به سوي جهان‌هاي اندیشه
به ابدیت، همیشه در حال گسترش
در آغوش خداوند
تصور انسان

از اورشلیم / ویلیام بلیک

حالا به ایده برگردیم، ایده انجام کاری
دارید که تصور شما می‌گوید نه. مثالی از گام
زدن در آتش به ذهنم می‌رسد. می‌توانید به آن
زغال‌سنگ‌های داغ خیره شوید و بخواهید که از
آنها بگذرید. اگر کاملاً به قدرت اراده متکی
باشید با تاول و زخم‌های شدید این کار را
به پایان خواهید رساند. اما اگر تصور کنید
که از طرف خدا حمایت می‌شوید، مانند کلمات
بلیک: در آغوش خداوند، و خود را در خیال
چیزی مافوق جسدتان تصور کنید. می‌توانید
قدم زدن روی آتش را بدون هیچگونه آسیبی
انجام دهید. وقتی خود را در گرمای زغال سرخ
سوزان مقاوم تصور کنید، خود را چیزی و رای
جسدتان حس خواهید کرد. خود را قویتر از آتش
خواهید دید. تصویر درونی شما از خلوص و
حمایت می‌گذارد که اراده کنید و از زغال‌ها
بگذرید.

این تصور شماست که شما را سالم نگه می
دارد. بدون آن می‌سوختید. خودم را به یاد
می‌آورم که اتمام اولین دو ماراتن در ۲۶
مایل را تصور کرده بودم. اراده‌ام نبود که
سه ساعت و نیم مرا دواند. تصور درون‌ام
بود. من خود را با آن هماهنگ کردم و به
جسم اجازه دادم که بوسیله اراده به
محدودیت‌هایش فشار بیاورد. بدون آن تصویر
اراده برای اتمام این کار سخت کافی نبود.
پس درباره همه چیز صدق می‌کند. بخواهید که
خوشحال، موفق، ثروتمند، شماره یک، فروشنده



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

خوب یا غنی‌ترین شخص در جامعه خود باشید، ایده‌هایی است که وسوسه آن در نفس و خود شیفتگی تولد می‌یابد. به نام این قدرت اراده، انسان‌ها بسوی هرکسی که سرراشان قرار بگیرد می‌تازند، برای قصد شخصی‌خود تقلب، دزدی و فریبکاری می‌کنند.

با اینحال این اعمال به مصیبت منتهی می‌شود. شما به هدف فیزیکی قصد شخصی خود می‌رسید. اما تصور شما، آن مکان درونی، جایی که همه زندگی آنجاست اجازه نمی‌دهد که احساس آرامش کنید.

من از این قدرت تصور در همه کارهای زندگی‌ام استفاده می‌کنم. برای مثال خودم را تصور می‌کنم که این کتاب را تمام کرده‌ام. این اندیشه از آخر باعث می‌شود طوری رفتار کنم که گویی هرچه می‌خواستم همین حالا انجام شده است. باور من این است: تصور می‌کنم که هستم و خواهم بود و این تصویری است که همیشه با خود حفظ می‌کنم. من کتابی را به دلیل داشتن اراده قوی به پایان نمی‌رسانم چرا که این معنی را می‌دهد که اعتقاد دارم این من هستم، کالبدی به نام وین دایر که همه این کارها انجام می‌دهم درحالی‌که تصور من هیچ حد و مرز فیزیکی‌ای ندارد و وین دایر خوانده نمی‌شود. تصور من «نشانه کهن» شخصی من از قصد است. هرچه نیاز دارم فراهم می‌کند، کاری می‌کند بنشینم و بنویسم. قلم را در دستام هدایت می‌کند و تمام جاهای خالی را پر می‌کند. وین دایر این کتاب را با اراده به واقعیت تبدیل نمی‌کند. تصویر من از کتاب بسیار واضح و دقیق است بطوریکه کتاب خودش را آشکار می‌کند. در ایام باستان، یک موجود الهی به نام هرمس نوشت:



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

آنچه هست، آشکار شده
آنچه بوده یا خواهد بود، آشکار نشده
اما نمرده

چرا که روح، عمل ابدی خداوند،
به همه چیز جان می‌دهد.

در عبارت مذکور کلمه‌هایی مهم برای
اندیشه درباره پیوند دوباره به قصد و کسب
قدرت برای هرچیزی در صورتان هست. با جسم
و نفس‌تان قصد نمی‌کنید، خلق نمی‌کنید و به هیچ
چیز زندگی نمی‌بخشید. نفس خود را کناری
بگذارید. با تمام توان در زندگی هدفی
برگزینید و کاملاً مصمم باشید اما خود را از
توهم اینکه کسی هستید که آرزوهایتان را از
طریق اراده عملی خواهد ساخت، برهانید. این
تصور شماست که می‌خواهم با خواندن این کتاب
بر آن متمرکز شوید و اهداف و فعالیت‌هایتان
را به عنوان کاربردهای آن در انجام کار،
رهنمود دادن، ترغیب کردن و حتی سوق دادن شما
به سویی که قصد در زمانی که هنوز حضور
نیافته بودید تعیین کرده است بررسی کنید.
شما در جستجوی تناسبی ارتعاشی با صورتان و
مبدأ خلقت هستید. صورتان، شما را به وفور
افسانه‌ای اندیشه از آخر به اول مجاز می‌کند.
برای کسی که از آخر فکر می‌کند توقفی وجود
ندارد. شما در پیوند با آرزوهایتان ابزار
لازم را خلق و بر محدودیت‌ها فائق می‌آید.
در تصور، در آخر آن منزل بگیرید، مطمئن
باشید که آنجا در جهان مادیست و شما می‌توانید
از اجزاء مبدأ خلقت برای ملموس ساختن آن
بهره ببرید از آنجا که مبدأ باوقار و با
هفت چهره وسوسه آمیزش پیش می‌رود شما نیز
می‌توانید از این روش و فقط از این روش
برای همکاری در خلق هرچیزی که قصد دارید



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

استفاده کنید. به تردی‌های اراده تان بی‌تفاوت باشید. مطمئن باشید که از طریق اتکاء مداوم به تصور، فرضیاتتان در دنیای مادی به واقعیت خواهد پیوست. پیوند دوباره با قصد نیازمنداظهار همان هفت چهره‌ای است که مبداء برای آشکار کردن استفاده می‌کند. اگر تصور برای خداوند کار می‌کند پس به یقین برای شما هم کار ساز است. خداوند از طریق تصور همه چیز را به واقعیت تبدیل می‌کند. استراتژی جدید شما هم باید همین باشد.

بکارگیری هفت چهره برای پیوند با قصد

چون در بیشتر عمرم با تکامل انسان سر و کار داشته‌ام، این سؤالی است که بطور متداول شنیده‌ام، «چه گونه چیزی را که می‌خواهیم به دست بیاورم؟» در این موقعیت ویژه زندگی‌م همینطور که اینجا مشغول نوشتن این کتاب هستم پاسخ من این است، اگر شما چیزی بشوید که به آن فکر می‌کنید، آن را با خود می‌آورید. پس در وضعیت خواستن قرار دارید. پس باید در قالب سؤال دیگری این موضوع را مطرح کنیم. چگونه چیزی را که قصد دارم خلق کنم؟ پاسخ من در بقیه صفحات این فصل است اما پاسخ کوتاه این است، شما این کار را با هماهنگی با نیروی قصد که مسؤل کل خلقت است انجام می‌دهید. «مانند قصد بشوید، به هر چه فکر کنید با همکاری خلق خواهید کرد. وقتی با قصد یکی شوید، از ذهن شخصی فراتر رفته و به ذهن خلاق کیهانی تبدیل می‌شوید. جان راندلف پرایس در کتاب فلسفه معنوی برای جهان نوین می‌نویسد: تا زمانی که از نفس فراتر نرفته‌اید هیچ کاری مگر افزودن به جهالت



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

جهان از شما ساخته نیست. این جمله بیشتر از اینکه نا امیدتان کند، خشنودتان می‌کند چرا که باری از دوش شما برمی‌دارد. شروع کنید و بار نفس را از شانه‌هایتان برداشته و دوباره با قصد پیوند حاصل کنید. وقتی نفس خود را کناری بگذارید و به جهتی که در اصل از آن ناشی شده‌اید برگردید، بلافاصله شروع به دیدن نیروی قصد خواهید کرد. اینجا هفت چهره دوباره برای کمک به شما در اینکه آن‌ها را جزیی از زندگی خود کنید تکرار می‌شود.

۱- خلاق بودن

خلاق بودن اعتماد به عزم خود و داشتن قصد نرمش ناپذیر در افکار و اعمال روزانه‌تان است. خلاق ماندن یعنی شکل دادن به مقاصد شخصی‌تان. یک راه برای شکل دادن به آن‌ها نوشتن آن‌هاست. برای مثال، در فضایی که می‌نویسم، اینجا در مائویی، مقاصدم را نوشته‌ام چند نمونه از آنها را که هر روز به من خیره می‌شوند اینجا ذکر می‌کنم:

- قصد من این است که همه فعالیت‌هایم بوسیله روح هدایت شود.
- قصد من این است که دوست داشته باشم و آنها را به نوشته‌هایم و هرکس که آنها را می‌خواند انعکاس بدهم.
- قصد من این است که به آنچه به سویم می‌آید اعتماد کرده و وسیله‌ای برای روح باشم و داوری نکنم.
- قصد من شناخت روح به عنوان مبدا و جدایی از نفس است.
- قصد من انجام هرکاری در جهت بالا بردن آگاهی ام برای نزدیکی بیشتر با روح متعالی نیروی قصد است.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

برای ابراز خلاقیت و آشکاری مقاصدتان، توصیه می‌کنم که تمرین جاپا، فنی که برای اولین بار بوسیله وداهای باستانی ارایه شده انجام دهید. مراقبه جاپا تکرار صوت اسامی خداوند است با تمرکز همزمان بر آنچه قصد به آشکار شدن آن دارید. تکرار صوت دراسامی خداوند همزمان با خواست آنچه می‌خواهید انرژی خلاق برای آشکاری آرزوهایتان تولید کند و آرزوهایتان حرکت ذهن کیهانی در شماست. حالا ممکن است نسبت به عملی بودن چنین کاری دچار تردید شوید. از شما می‌خواهم ذهن خود را به ایده جاپا به عنوان بیانی از پیوند خلاق قصد باز کنید. درباره این روش بیشتر توضیح می‌دهم چون در کتاب کوچکی همراه با یک سیدی توسط هی هاوز بنام پرکردن فاصله: ایجاد رابطه آگاهانه با خداوند از طریق مراقبه چاپ کرده‌ام. الان، کافیست بدانید که از نظر من مراقبه و انجام تمرین جاپا برای پیوند با نیروی قصد ضروری است. آن قدرت خلقت است و شما برای همکاری با نیروی قصد لازم است که در وضعیت خلاقیت منحصر به فرد خود قرار بگیرید. مراقبه و جاپا روش‌های خوبی برای اینکار هستند.

۲- مهربانی

یک ویژگی بنیادی نیروی متعالی مهربانیست. هرچه آشکار شده برای شکوفایی اینجا آورده شده است. نیاز به نیروی مهربانی دارد که آنچه خلق کرده شکوفا شده و وفور یابد. اگر اینطور نبود تمام خلقت بوسیله همان نیرویی که آن را خلق کرده ویران می‌شد. در جهت پیوند دوباره با قصد باید در همان طول موج مهربانی قصد قرار بگیرید. سعی کنید در مهربانی شادمانه‌ای زندگی کنید که انرژی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

بالا تری از غم و بدخواهیست و باعث می‌شود که آرزوهایتان عملی شوند.

از طریق ایثار است که دریافت می‌کنیم. از طریق محبت به دیگران است که سیستم ایمنی ما مستحکم شده و میزان سروتونیوم افزایش می‌یابد. افکار و انرژی پایین ما را تضعیف کرده و به قلمرو شرم، خشم، نفرت، داوری و ترس می‌اندازد. هر یک از این افکار ما را تضعیف کرده و مانع جذب آنچه آرزو داریم به زندگی‌مان می‌شود. اگر درست باشد که چیزی می‌شویم که به آن می‌اندیشیم و اگر آنچه درباره‌اش فکر می‌کنیم چیزی نامتناسب با جهان و از نوع شرم، خشم و ترس باشد از جنس بی‌مهری بوده و به آن تبدیل می‌شویم. وقتی شما با مهر فکر، حس و عمل می‌کنید به خودتان فرصت می‌دهید تا شبیه نیروی قصد شوید. وقتی به طریق دیگری فکر و عمل کنید دامنه قصد را ترک کرده‌اید و حس می‌کنید که توسط روح خلاق قصد مغبون شده‌اید.

- مهربانی با خود. به خودتان اینطور فکر کنید: آگاهی جهانی‌ای در طبیعت وجود دارد که با همه چیزهای آشکار شده پیوستگی دارد، شامی یکی از آن‌ها هستید. اگر بخواهید بخشی از این آگاهی کیهانی هستید، برشی از خداوند. با خدا خوب باشید چرا که هر چه آفرید خوب بود. با خودتان خوب باشید. شما آشکار شده خداوند هستید و این دلیلی کافیهست که با خود مهربان باشید. به خودتان یادآوری کنید که می‌خواهید در تمام امور روزانه زندگی‌تان با خود مهربان باشید. در هر حالتی، خوردن، ورزش، بازی، کار، عشق و هر چیز دیگری با خود مهربان باشید.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

مهربانی با خود به توانایی پیوند شما با قصد سرعت می‌دهد.

- مهربانی با دیگران. پایه اساسی سازگاری و شاد بودن، مانند بکارگیری یاری دیگران درباره جذب آنچه می‌خواهید، این است که مردم می‌خواهند به شما کمک کنند و کارهایی برای شما انجام بدهند. وقتی با دیگران مهربان هستید، به نوبه خود مهربانی دریافت می‌کنید رییسی که نامهربان است همکاری کمی از کارمندان شما می‌گیرد. نامهربانی با کودکان باعث می‌شود که چیز بیشتری از کمکی که می‌کنید بخواهند. مهربانی که داده می‌شود مهربانیست که باز می‌گردد. اگر می‌خواهید به قصد متصل شوید و کسی باشید که به تمام اهداف در زندگی می‌رسد نیاز به مساعدت عده زیادی از مردم دارید. با وسعت دادن مهربانی در همه جا حمایت‌هایی دریافت می‌کنید که هرگز پیش‌بینی نکرده‌اید.

ایده وسعت دادن مهربانی بخصوص در رابطه با مردمی که بی‌پاور، مسن، بیمار روحی، فقیر، ناتوان و غیره هستند اهمیت ویژه‌ای دارد. این مردم همه بخشی از تکامل خداوند هستند. آن‌ها نیز هدف الهی‌ای دارند و از آنجا که همه ما از طریق روح به هم وصل هستیم، هدف و قصد آن‌ها نیز با شما پیوند دارد. اینجا داستان کوچکی است که قلب شما را تکان می‌دهد. می‌گوید وقتی کسانی را ملاقات می‌کنید که قادر به مراقبت از خودش نیستند، بدانید که آمده‌اند تا چیزهایی درباره تکامل قصد به ما بیاموزند. بخوانید و بدانید که این نوع تفکر، احساس و رفتار به شما قدرت می‌دهد که با قصد از طریق مطابقت



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

دادن مهربانی‌اش با مهربانی خود پیوند بخورید.

چاش مدرسه‌ای برای کودکان ناتوان در بروکلین ، نیویورک است. بعضی از بچه‌ها تمام دوره مدرسه را آنجا می‌مانند بعضی دیگر به مدارس معمولی دیگری فرستاده می‌شوند. در یک جلسه شام جمع‌آوری پول برای چاش پدر یک کودک عقبمانده سخنرانی‌ای کرد که هیچکدام از حضار هرگز فراموش نخواهند کرد. پس از تجلیل از مدرسه و کارکنان فداکار آن، او فریاد زد:

«تکامل در پسر من شایاکجاست؟ خداوند هرکاری را با تکامل انجام داده است اما فرزند من نمی‌تواند مانند دیگر کودکان بفهمد. فرزند من موضوع‌ها و شکل‌ها را مانند کودکان دیگر به یاد نمی‌آورد. تکامل خداوند کجاست؟ جمعیت از این سؤال که با رنج پدر همراه بود حیرت زده شد و از این سؤال رنج‌آور ساکت شدند.

پدر پاسخ داد: من اعتقاد دارم، وقتی خداوند کودکی مانند این به جهان می‌آورد، تکاملی که به دنبال آن است در شیوه رفتار مردم با آن کودک است و سپس قصه زیر را درباره پسرش شایا تعریف کرد.

یک عصر شایا و پدرش به پارک رفتند جایی که شایا چند کودک را که آنجا بیسبال بازی می‌کردند می‌شناخت. شایا پرسید: فکر می‌کنی مرا بازی می‌دهند؟ پدر شایا می‌دانست که پسرش در وضعیت جسمانی‌ای نیست که او را به تیم خود بپذیرند.

اما می‌دانست که اگر او را به بازی راه بدهند، حسی از تعلق در او ایجاد خواهد شد. پدر شایا نزدیک یکی از بچه‌ها رفت و



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

پرسید آیا شایا هم می‌تواند بازی کند؟ پسر به اطراف نگاه کرد تا نظر هم بازی‌هایش را بداند. وقتی جوابی نیامد پسر خود تصمیم گرفت و گفت، شش امتیاز عقب هستیم و بازی در دور هشتم است. فکر می‌کنم بتواند در تیم ما بازی کند. سعی خواهیم کرد که در دور دوم او را به زمین بیاوریم. پدر شایا از خنده و شادی او لذت می‌برد. به شایا گفته شد که دستکش دست کرده و به میدان برود. در پایان دور هشتم تیم شایا چند امتیاز آورد اما هنوز سه امتیاز عقب بود. در پایان دور نهم تیم شایا دوباره امتیاز گرفت و حالا دو امتیاز کم داشت. بادر نظر گرفتن امکان برنده شدن در بازی، طوری برنامه‌ریزی شد که شاید ر قسمت بالا باشد. آیا واقعاً تیم می‌گذاشت شایا در این برهه بازی کند و شانس برنده شدن آنها را از بین برد؟

با کمال تعجب چوب به شایا داده شد. همه می‌دانستند که این کاری ناممکن است چون شایا حتی طرز گرفتن آن را بلند نبود. او را با چوب تنها گذاشتند. به هرحال همینطور که شایا به زمین رفت پرتاب کننده توپ چند قدم برای پرتاب آرام توپ برداشت تا شایا حداقل قادر به ایجاد تماس با توپ باشد. اولین پرتاب آمد شایا با دست پاچگی عقب جلو رفت و توپ را از دست داد.

یکی از هم تیم‌ها پیش شایا آمد و ان‌ها دو نفری چوب را گرفتند و روبروی پرتاب کننده که آماده پرتاب توپ بعدی بود ایستادند. پرتاب کننده دوباره چند قدم جلو برداشت تا به نرمی توپ را به طرف شایا پرتاب کند. همینطور که توپ می‌آمد شایا و دوستش با چوب عقب و جلو رفته و با هم ضربه آرامی به توپ



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

زدند. او به راحتی توپ را گرفت و به اولین بیس من پرتاب کرد. ممکن بود شاید اوت شود و اینکار بازی را تمام کند، در عوض پرتاب کننده توپ را برداشت و از قوس بالایی به سمت راست، دوراز دست اولین بیس من پرتاب کرد. همه فریاد زدند. شاید بدو به طرف اولی بدو به اولی «هرگز در زندگی‌اش به طرف اولی ندویده بود. او با چشمان باز خیره هیجان زده در خط می‌دوید. زمانی که اولین بیس رسید، توپ گیر سمت راست توپ را در دست داشت. می‌توانست توپ را به دومین بیس من کسی که می‌توانست شاید را که هنوز در حال دویدن بود بیندازد، پرتاب کند.

اما توپ گیر سمت راست فهمید که قصد توپ انداز چیست بنابراین توپ را بطرف بالا و دور از سر سومین بیس من انداخت. همه فریاد زدند بطرف دومی بدو به طرف دومی شاید درحالی که دونده‌های جلوی او دیوانه‌وار او را بطرف مقصد دوره کرده بودند بطرف پایگاه دوم دوید.

همینطور که شاید به پایگاه دوم رسید، کسیکه در تیم مخالف در حال مکث بود به سمت او دوید، او را در جهت بیس سوم چرخاند و داد زد، به طرف سومی بدو وقتی شاید به طرف سومی برگشت، بازیکن‌های هر دو تیم در حالی که فریاد می‌زدند شروع به دویدن از پشت او کردند. شاید به پایگاه خودمان برگردد. شاید به آنجا برگشت، وارد محوطه پایگاه شد و هر هجده پسر او را روی دست بلند و او را قهرمان اعلام کردند چون او ضربه محکمی زده و بازی را به نفع تیم‌اش تمام کرده بود...



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

پدر با اشکهایی که از چشم‌هایش می‌غلطید گفت: ان روز آن هجده پسر به سطح تکامل خداوند رسیدند.

اگر پس از خواندن این داستان تپشی در قلب و اشکی در چشم احساس نکردید به معنی این است که هرگز معجزه اتصال به مهربانی مبداء والای خلقت را نشناخته‌اید.

مهربانی در مقابل تمام زندگی

در آموزش‌های باستانی، پاتنجالی به ما یادآور می‌شود که تمام موجودات زنده به طور شاخصی تحت تأثیر آن‌هایی هستند که هیچ‌گونه افکاری از آسیب‌رسانی به محیط اطراف خود ندارند.

مهربانی را نسبت به همه حیوانات، از کوچک تا بزرگ، کل قلمرو زندگی روی زمین مانند جنگل‌ها، کویرها، سواحل و هرچه که هستی دارد بکار بگیرید. بدون یاری محیط اطراف قادر به پیوند دوباره با مبداء نیروی قصد نخواهید بود. به این محیط وصل هستید. بدون نیروی جاذبه نمی‌توانید راه بروید. بدون آب حتی یک روز هم قادر به زندگی نیستید. بدون جنگل، آسمان، جو، پوشش گیاهی، مواد معدنی و همه این‌ها آرزوی شما در آشکارسازی آرزوها و رسیدن به قصد بی‌معنی است.

اندیشه مهربانی را در همه جا توسعه دهید. مهربانی را نسبت به زمین با برداشتن قطعه‌ای زباله یا دعایی آرام در شکرگزاری برای باران، رنگ گل‌ها یا حتی کاغذی که در دست دارید و هدیه درختی به شماست اعمال کنید. جهان به هرآنچه که به بیرون انعکاس می‌دهید با مهربانی پاسخ می‌دهد.

اگر در قلب خود با مهربانی بگویید چگونه می‌توانم خدمتی انجام دهم؟ پاسخ جهان این



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

خواهد بود، من چگونه می‌توانم به شما خدمت کنم؟ این انرژی جذب کننده است، روح همکاری با همه زندگیست که از ماهیت قصد ناشی می‌شود.

روح مهربانی چیز است که اگر میل بازگشت به قصد دارید باید با آن تناسب داشته باشید. دختر من از تجربیاتش در مورد اینکه چگونه اعمال کوچکی از مهربانی نتایج بزرگی به عمل می‌دهد چیزهایی نوشته است:

یک عصر بارانی از بزرگراه رد می‌شدم. همینطور که کیفام را می‌گشتم جلوی عوارضی ایستادم. زنی که آنجا بود لبخندی زد و گفت: ماشین جلویی عوارض شما را پرداخت کرد. به او گفتم که من تنها سفر می‌کنم و پول را به طرفاش دراز کردم. جواب داد مردی که در ماشین جلویی است به من گفت که به نفر بعدی بگویم روز خوبی داشته باشد. آن عمل کوچک حاکی از مهربانی باعث شد که روز خوبی داشته باشم. تکانی از سوی کسی که هرگز نمی‌شناختم. به فکر افتادم که من چطور می‌توانم باعث بهتر شدن روز کسی شوم. به بهترین دوستم تلفن زدم و موضوع عوارض را با او در میان گذاشتم. او گفت که اصلاً چنین کاری به عقلاش نمی‌رسید اما واقعاً کار جالبی است. او به دانشگاه کنتاکی می‌رود و تصمیم گرفت که من بعد هر روز عوارض نفر پشت سرش را در بزرگراه پرداخت کند. به صمیمت او خندیدم. او گفت فکر می‌کنی شوخی می‌کنم. مثل شما او هم گفت: این فقط ۵۰ سنت است. وقتی گوشی را گذاشتم فکر کردم آیا مردی که عوارض مرا پرداخت کرد، فکر می‌کرد که این کار تا به کنتاکی برسد.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

يك روز در سوپر ماركت وقتي ارابه آم پر از مواد غذايي بود كه بايد باهم اتاقم در دو روز آینده شريك ميشدم فرصت مهرباني پيش آمد. زن پشت سر من بچه كوچكي همراه داشت و ارابه اش هم به اندازه مال من پر نبود. به او گفتم چرا شما اول نميرويد؟ شبابه اندازه من جنس نداريد. زن طوري به من نگاه كرد انگار عضو اضافه اي از جايي در آورده ام با جيزي مثل اين. جواب داد خيلي متشكرم كه اين اطراف كسي را ديدم كه اينقدر به فكر ديگري است. ما از ويرجينيا آمده ايم و در فكر اين هستيم كه دوباره برگرديم چون فكر ميكنيم آيا جاي مناسبي براي بزرگ كردن سه فرزندمان هست يا نه؟ سپس به من گفت كه ديگر آماده رها كردن و برگشتن به خانه بود هرچقدر هم كه اين كار باعث زبان مالي خانواده اش ميشد. او گفت با خ و دم قرار گذاشته بودم كه اگر تا آخر امروز علامتي نگيرم به ويرجينيا برگرديم. شما نشانه من هستيد.

همانطور كه از فروشگاه بيرون ميرفت دوباره از من تشكر كرد. از ديدن اينكه عمل به اين سادگي چطور در سرنوشت يك خانواده تأثير داشت مبهوت شدم. كارمندي كه جنسهايم را رقم ميزد گفت: ميدوني چيه دختر؟ روزم را درست كردي.

در حالي كه فكر ميكردم چه عده اي تحت تأثير اين مهرباني قرار ميگيرند با لبخندي دور شدم.

روز ديگر در حال خريد ساندويچ و قهوه براي صبحانه فكر كردم همكارهايم بايد از چيزي مثل دونات (يك نوع شيرني) خوششان بيايد. چهار مرددي كه با من در اصطبل كار



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

میکنند در آپارتمان کوچکی جلوی طویله ساکن هستند. هیچکدام ماشین ندارند اما یک دوچرخه را شریکی استفاده میکنند. به آن‌ها گفتم که شیرینی‌ها را برای آن‌ها خریده‌ام. نگاه تشکرآمیز آن‌ها پاداش غیرقابل محاسبه‌ای برای من بود. مدت زیادی نبود که آنجا کار می‌کردم و فکر می‌کنم آن دوازده شیرینی کوچک کمی یخ بین ما را آب کرد. عمل کوچکی حاکی از مهربانی در هفته‌های بعد به چیز عمیقی تبدیل شد. با دقت بیشتری شروع به مواظبت از هم کردیم و به شکل یک تیم کار خود را ادامه دادیم.

۳- عشق با ش

به این کلمه‌ها خوب بیندیشید! خداوند عشق است و آنکه در عشق منزل دارد در من منزل دارد و من در او. این کلام خداست. با حفظ موضوع اصلی این فصل و در حقیقت کل این کتاب باید بیاموزید مانند انرژی بشوید که اجازه داد در مکان اول باشید آنزمان در وضعیت عشق بودن چیزی کاملاً ضروری برای پیوند دوباره شما با قصد خواهد بود. برای قصد باید عشق داشته باشید. کتاب‌های زیادی درباره عشق نوشته شده و ما تعاریف زیادی برای این کلمه داریم. در جهت هدف این کتاب مایلیم که به دو روش زیر درباره عشق فکر کنید.

- عشق بیشتر از اینکه رقابت باشد همکاریست چیزی که می‌خواهم اینجا در شکل فیزیکی در سیاره زمین تجربه کنید هستی قلمرو معنویست. اگر توانستید، به این معناست که زندگی شما جلوه‌ای از عشق است. اگر این در مورد شما صادق



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

باشد خواهید دید که زندگی در هماهنگی و همکاری است. حس خواهید کرد نیروی قصد که همه زندگی از آن ناشی می‌شود با تمام اشکال دیگر هستی در جهت رشد و بقا همکاری می‌کند. مشاهده خواهید کرد که مامم در نیروی یکسانی از هستی سهمیم هستیم و همان هوش نامرئی که قلب من و شما را به تپش در می‌آورد، قلب هرکس دیگری روی زمین را نیز به تپش در می‌آورد.

عشق نیرویی در پس خواست خداوند است. من در مورد عشقی صحبت نمی‌کنم که به عنوان محبت یا احساس تعریف می‌کنیم. نه این عشق آن نوعی از احساس است که در جستجوی خشنودی و یا ابراز علاقه به دیگران است. عشقی را تصور کنید که نیروی قصد است، انرژی‌ای که علت پس پرده همه خلقت است. ارتعاش معنوی‌ای که مقاصد الهی را از بی‌شکل به جامد تبدیل می‌کند. شکل جدید خلق می‌کند. ماده را تغییر می‌دهد، هرچیزی را احیا می‌کند و تمام کیهان را در آنسوی زمان و مکان نگه می‌دارد. در همه ما موجود است. خداوند است.

توصیه می‌کنم که عشق خود را به محیط اطراف سر ریز کنید و در صورت امکان این تمرین را برمبنای ساعتی انجام دهید. تمام افکار بدون عشق را از ذهن خود دور کنید و مهربانی را در تمام افکار، اعمال و کلمات خود بکار بگیرید. عشق را در دایره بستگان و خانواده وسعت دهید در نهایت به جامعه و کل جهان وسعت خواهد یافت. عشق را عمداً به کسانی که به شما صدمه‌ای رسانده و باعث رنج شما شده‌اند نثار کنید. هرچه عشق



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

بیشتری نثار کنید، به عشق نزدیکتر می‌شوید و در عشق بودن است که به قصد دست می‌یابید و تجلی شکوفا می‌شود.

۴- زیبایی باشید

امیلی دیکنسون نوشت: زیبایی سبب نشد. این است...» همچنانکه از طبیعت الهی خود آگاه می‌شوید، آغاز به تقدیر از زیبایی می‌کنید در هر چه که می‌بینید، لمس و یا تجربه می‌کنید. زیبایی و حقیقت مترادف هم هستند، همانطور که پیشتر در قصیده ظرف خاکستر مرده یونانی از جان کیتز خواندید: «زیبایی حقیقت است و حقیقت زیبایی» یعنی روح خلاق همه چیز را برای رشد، شکوفایی و توسعه به جهان محدودیت‌ها می‌آورد و اگر با زیبایی هر موجود تجلی یافته‌ای که شامل شما نیز می‌شود شیفته نمی‌شد، این کار را نمی‌کرد. از این رو، برای بازگشت به تماس با مبدأ باید در جستجو و تجربه زیبایی در تمام اعمالتان باشید. زندگی، حقیقت، زیبایی، همه نمادهایی برای یک چیز هستند یعنی جنبه‌ای از نیروی خداوند. وقتی این آگاهی را از دست بدهید، امکان تماس با قصد را از دست می‌دهید. شما از چیزی به این دنیا آورده شده‌اید که شما را به عنوان بیانی از زیبایی درک کرده است. در غیر این صورت این کار را نمی‌کرد، آنکه نیروی خلقت را دارد، نیروی عکس آن را نیز صاحب است: انتخاب انجام خلقت بر فرض این صورت گرفته که شما بیانی از زیبایی عاشقانه هستید. این مسئله در مورد هر چیز و هر کس که از نیروی قصد حضور یافته، صادق است. اینجا یک داستان مورد علاقه من که در مورد تقدیر از زیبایی نقل می‌شود که



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

بوسیله سوامی چیدویل آساناندا موسوم به
گورومایی در کتاب زیبایش تحت عنوان
"قلبم را روشن کن" ذکر شده است.
«مردی بود که خویشاوندان همسرش را دوست
نداشت چون فکر می‌کرد در خانه بیشتر از
آنچه که باید جا اشغال کرده‌اند. پیش
معلمی رفت که آن نزدیکی زندگی می‌کرد و
چیزهای زیادی درباره‌اش شنیده بود و گفت:
«خواهش می‌کنم کاری کن، نمی‌توانم
خویشاوندان همسرم را بیشتر از این تحمل
کنم. عاشق زخم هستم اما خویشاوندانش را
دوست ندارم. آن‌ها فضای زیادی در خانه
اشغال کرده‌اند و به نوعی حس می‌کنم همیشه
سر راهم قرار گرفته‌اند:
معلم پرسید: آیا در خانه جوجه دارید؟
او گفت: دارم.
همه جوجه‌ها را به درون خانه بیاور.
او کاری که استاد گفت انجام داده و
دوباره نزد او رفت.
استاد پرسید: مشکل حل شد؟
او گفت: نه، بدتر شد.
پرسید: گوسفندانی هم داری؟
بله.
همه گوسفندها را داخل خانه ببر.
مرد اینکار را انجام داد و باز پیش استاد
برگشت.
پرسید: مشکل حل شد؟
نه، بدتر هم می‌شود.
سگ داری؟
بله چند سگ دارم.
همه را به داخل خانه ببر.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

بالاخره، مرد پیش استاد برگشت و گفت: من برای کمک گرفتن پیش شما آمدم اما شما زندگی را بدتر کرده اید.
استاد گفت: حالا همه جوجه‌ها، سگ‌ها و گوسفندها را از خانه بیرون ببر. مرد به خانه رفت و آنجا را از حیوانات خالی کرد. فضای زیادی باز شد. پیش استاد برگشت و گفت! متشکرم، متشکرم، شما همه مشکلات مرا حل کردید.

۵- همیشه در حال رشد باشید

بار دیگری که گذارتان به باغی پر از گل افتاد، گل‌های زنده را مشاهده کنید و آنها را با گل‌هایی که فکر می‌کنید مرده‌اند مقایسه کنید. فرقشان چیست؟ گل‌های خشک و مرده دیگر رشد نمی‌کنند درحالی‌که گل‌های زنده همچنان در حال رشد هستند. نیروی کیهانی که شما را به هستی آورده و تمام حیات را آغاز کرده همیشه در حال رشد و دائم در حال وسعت است. درست مانند هفت چهره قصد به دلیل جهانی بودنشان، باید طبیعی معمول در شما نیز داشته باشد. با بودن در وضعیت همیشه در حال توسعه و رشد فکری، احساسی و معنوی با ذهن کیهانی یکی شوید.

۶- فراخ باشید

قصد بطور بی‌پایانی فراخ است. هیچ‌گونه کمی یا تنگی‌ای در جهان نادیدنی روح وجود ندارد. خود کیهان بی‌پایان است. چگونه ممکن است برای جهان بی‌پایانی باشد؟ در پایان چه می‌شود؟ یک دیوار؟ ضخامت دیوار چقدر است؟ و آنطرف دیوار چیست؟ همچنان که در پیوند با قصد تعمق می‌کنید در قلب خود



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

بدانید که طرز تلقی‌ای که در آن آگاهی باریکی منعکس شود شما را عقب خواهد برد. باید روش‌های قصد را با خود متناسب کنید تا بتوانید آن نیرو را در زندگی خود مورد استفاده قرار دهید.

فراخی چیز است که پادشاهی خداوند بر آن استوار است. تصور کنید، خدا فکر کند: امروز نمی‌توانم اکسیژن بیشتری تولید کنم، خیلی خسته‌ام. این جهان به حد کافی بزرگ است. فکر می‌کنم که آن دیوار را بنا کنم و این چیز وسیع را به وقفه‌ای برسانم. غیر ممکن است. شما از آگاهی‌ای ظهور یافته‌اید که نامحدود بوده و هست. پس چه چیز مانع شما از پیوند دوباره به آگاهی نامحدود می‌شود؟ آنچه مانع است، مشروط بودن است که در تمام طول زندگی در معرض آن قرار گرفته‌اید که امروز و در چند دقیقه آینده اگر بخواهید می‌توانید تغییر دهید. وقتی ذهن خود را به حالت فراخی تغییر دهید و برای خود تکرار کنید که نامحدود هستید چون از دامنه‌ی بی‌پایان قصد ظهور یافته‌اید، همینطور که این تصویر مستحکم‌تر می‌شود شما شروع به عمل با نگرشی از قصد نرم‌شناپذیر می‌کنید. راه دیگری وجود ندارد. آن چیزی می‌شویم که به آن می‌اندیشیم و همانطور که امرسون یاد آوری کرده: «زیربنای هر عملی، اندیشه‌ای است.» وقتی فراوانی و کفایت شیوه اندیشیدن شما بشود، نیروی خلاق که همیشه به آن متصل هستید، هماهنگ با افکارتان آغاز به کار با شما خواهد کرد. همانطور که در هماهنگی با افکارتان در کمی و تنگی کار می‌کرد. اگر فکر می‌کنید قادر به آوردن فراخی در زندگی‌تان نیستید،



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

خواهید دید که قصد هم با شما موافق است و به شما در در برآورده ساختن توقعات کم کمک خواهد کرد. به نظر می‌رسد که در حال اتصال کامل با خصوصیات فراحی جهان معنوی که از آن ظهور یافته‌ام به این دنیا آمده‌ام. به عنوان کودکی بزرگ شده در پرورشگاهو فقیر، غنی‌ترین پسر بچه یتیم خانه بودم. همیشه فکر می‌کردم جیب‌هایم از پول جرینگ جرینگ می‌کند. تصور می‌کردم و برمبنای آن تصویر عمل می‌کردم. بطری‌های سودا را جمع می‌کردم، برف پارو می‌کردم. بقالی دوره‌گرد، چمن زنی، تمیز کردن شومینه، تمیز کردن حیاط، رنگ زدن نرده‌ها، نگه داشتن بچه، پخش روزنامه و غیره و غیره. و همیشه نیروی جهانی وفور در ایجاد فرصت به من کمک می‌کرد. برای من طوفان برف هیولایی سعادت بار بود. همینطور بطری‌های بیرون انداخته شده و خاتم‌هایی که احتیاج داشتند یکی خریدهایشان را تا ماشین حمل کند. امروز، تقریباً نیم قرن بعد، من هنوز همان روحیه وفور را دارم. همیشه در طول زندگیم به دلیل مشکلات مالی متعدد چندکار با هم داشتم. به عنوان یک معلم مدرسه با آموزش رانندگی بعد از ساعات مدرسه پول زیادی در آوردم، در عصر دوشنبه‌ها در پورت واشنگتن، نیویورک برای سی‌نفر یا بیشتر از مردم محل برای بیشتر کردن درآمد شروع به سخنرانی و به عنوان پروفیسوری در دانشگاه سنت جان شروع به کار کردم. جمعیت حاضر در سخنرانی شبهای دوشنبه در تالار سخنرانی دبیرستان به بیش از هزار نفر می‌رسید. هر سخنرانی توسط یکی از اعضاء ضبط می‌شد و



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

آن نوارها منجر به نوشتن اولین کتاب تحت عنوان "ناحیه خطای شما" شد.

یک از حضار، همسر یک نماینده ادبی در نیویورک سیتی بود که او را تشویق به تماس با من برای نوشتن یک کتاب کرده بود. آرتور پاین مانند پدری برای من شد و کمک کرد که ناشرین کلیدی را در نیویورک ملاقات کنم و این داستان از اندیشه نامحدود ادامه دارد. من کتاب را از انتها دیدم که وسیله‌ای برای همه شده و به تمام شهرهای بزرگ آمریکا برای صحبت درباره کتاب رفتم.

روح کیهانی همیشه در راستای وارد کردن افکار نامحدود فراوانی به زندگی کمک می‌کند. مردمی را که به آنها نیاز داشتم بطور معجزه آسایی ملاقات کردم. تغییرهایی به موقع صورت می‌گرفت. کمکی که نیاز داشتم به نظر می‌رسید که از ناکجا می‌رسد. به نوعی من هنوز در حال جمع‌آوری بطری خالی، پارو کردن برف و حمل بار پیر زنها هستم. هرچند که زمین بازی بزرگتر شده اما دیدن عوض نشده است. همه به خاطر تصویری درونی ازوفور، اندیشیدن در روش‌های نامحدود، بازبودن برای راهنمایی قصد است. وقتی در وضعیتی سازگاری، حق شناسی و سپاس قرار داشته باشید همه این‌ها رخ می‌دهد. هر وقت سکه‌ای در خیابان ببینم، می‌ایستم و آن را بر می‌دارم توی جیبم می‌گذارم و بلند می‌گویم! خدایا سپاسگزارم به خاطر این نمادوفوری که به زندگی من سرریز می‌کند. هرگز نگفتم، خدایا چرا فقط یک پی؟ تو که می‌دانی خیلی بیشتر نیاز دارم.»



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

امروز، ساعت چهار صبح بیدار می‌شوم، با آگاهی به این که نوشته من چیزی را که در تفکرات و اندیشه‌های من بینم کامل خواهد کرد. نوشته جاری می‌شود، و نامه‌هایی از قصد می‌رسد که مرا وادار به خواندن کتابی خاص یا صحبت با فردی خاص می‌کند و من می‌دانم که همه چیز در وحدت کامل پیش می‌رود. تلفن زنگ می‌زند و درست چیزی که نیاز به شنیدن آن دارم در گوشم می‌پیچد. بلند می‌شوم تا یک لیوان آب بردارم چشمم به کتابی می‌افتد که بیست سال روی قفسه مانده اما این بار وادار می‌شوم که آن را بردارم. باز می‌کنم و بار دیگر توسط روح یاری و راهنمایی می‌شوم و این کار تا زمانی که با آن هماهنگ باشم ادامه خواهد داشت. همینطور ادامه دارد و من یاد شعری از جلال‌الدین رومی از هشتصد سال پیش می‌افتم:

ز رنگی را بفروش و حیرت بخر

۷- پذیرنده باش

ذهن کیهانی آماده پاسخ‌گویی به هر کسی است که به رابطه درست بین خود و آن آگاه باشد. بر هر جنبه‌ای از آن که متمرکز باشید همان را ارائه می‌دهد. به عبارت دیگر، پذیرنده هر کسی است که در رابطه‌ای متواضع و در هماهنگی با آن باشد. متصل باشید و بدانید این نیرو هر چیزی را که بتواند اعطا خواهد کرد. جدا از ذهن کیهانی خودتان این‌کار را نکنید (غیر ممکن است) و همیشه جدا از آن باقی خواهید ماند.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

طبیعت ذهن کیهانی صلح‌آمیز است. نسبت به زور یا توحش پذیرنده نیست. در زمان و ریتم خودکار و همه چیز را آشکار می‌کند. شتاب ندارد چون خارج از زمان است. ابدیست. روی دست و زانو بنشیند و بطرف جوانه ضعیفی از بوته گوجه فرنگی شتاب کنید. روح کیهانی در آرامش کار می‌کند و تلاش شما در شتاب دادن همه کارها را به هم خواهد ریخت. پذیرنده بودن یعنی اجازه دادن به شریک ارشد تا زندگی شما را در دست بگیرد. راهنمایی و یاری نیرویی که مرا خلق کرده می‌پذیرم، نفسم را ترک می‌کنم و به این خرد با حرکت در گام‌های آرامش اعتماد می‌کنم. هیچ ادعایی ندارم. به این طریق دامنه خلاق قصد می‌آفریند برای اتصال دوباره به مبداء باید اینطور فکر کنید. مراقبه کنید چون شما را قادر به دریافت آگاهی درونی از تماس خودآگاه با خداوند می‌کند. با آرام و ساکت و پذیرنده بودن خود را در تصویر خداوند نقش می‌کنید و نیروی مبداء را دوباره کسب می‌کنید. این چیز است که این فصل یادر واقع کل این کتاب درباره آن است یعنی وارد شدن به هستی روح خلاق، سرمشق قرار دادن خصوصیات نیروی خلاق قصد و آشکار ساختن هر خواسته‌ای به زندگی‌تان که سازگار با ذهن کیهانی است یعنی: خلاقیت، مهربانی، عشق، زیبایی، وسعت، وفور و پذیرش آرام. زنی زیبا به نام شری ما تاجی نیمالادوی در سال ۱۹۲۳ در هندوستان به دنیا آمد. او درحالی به زمین آمد که در وضعیت کامل آگاهی قرار داشت و در آشرام ماهاتما گاندي زندگی کرد. کسی که اغلب درباره سوال‌های



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

معنوي با او مشورت مي‌کرد. تمام عمرش را وقف صلح و آرامش کرد و روش ساده‌اي کشف کرد که تمام مردم مي‌توانند با آن به خودشناسي برسند. او ساهاجايوگا درس مي‌دهد و هرگز پولي بابت آن نمي‌گيرد. بر نکات زير تاکيد مي‌کند که خلاصه‌اي کامل در بحث اين فصل يعني اتصال با قصد است:

- تا زمانی که با نيروي خلق کننده‌تان پيوند نگرید معني زندگي خود را نخواهيد دانست.

- شما جسم نيستيد، شما ذهن نيستيد. شما روح هستيد. ... اين بزرگترين حقيقت است.

- بايد روح خود را بشناسيد. چون بدون شناختن آن قادر به شناخت حقيقت نيستيد.

- مراقبه تنها راه رشد شماست. راه ديگري وجود ندارد. چون وقتي مراقبه مي‌کنيد در سکوت هستيد. در آگاهي بي‌فکر هستيد آنوقت است که رشد آگاهي صورت مي‌گيرد.

به نيروي که شما را خلق کرده متصل شويد، بدانيد که آن نيرو هستيد، از درون با آن نيرو ارتباط بگيريد و مراقبه کنيد تا رشد آگاهي صورت بگيرد. خلاصه کاملی از موجودي کاملاً آگاه.

پنج پيشنهاد براي انجام ايده‌هاي اين فصل

۱- براي تشخيص خواسته‌هايتان آن‌ها را باگفتگوي دروني خود مطابقت دهيد. تمام گفتگوي دروني را بر گزارشات و نتايج خوب متمرکز کنيد. گفتگوي دروني آينه تصور شماست و تصور شما خط اتصالي شما با روح است. اگر گفتگوي دروني‌تان با خواسته‌هايتان تضاد داشته باشد، گفتگوي دروني شما برنده خواهد شد. پس اگر خواسته‌ها را با گفتگوي



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

دروني برابري دهيد نهايتاً شناخته خواهند شد.

۲- از انتها فكر كنيد، حس كامل بودن را در خود فرض کرده و اين تصوير را بدون توجه به موانعي كه حاصل ميشود نگه داريد. در نهايت شما بر مبناي اين تفكر از انتها عمل خواهيد كرد و روح خلقت با شما همكاري خواهد كرد.

۳- براي رسيدن به وضعيت بي‌عيب و نقص نياز به تمرين قصد نرمش ناپذير داريد. كه شما را در مطابقت با قصد نرمش ناپذير ذهن كيهاني قرار خواهد داد. براي مثال: اگر تصميم به نوشتن كتابي دارم، تصويري از كتاب كامل را در ذهن حفظ مي‌كنم و نمي‌گذارم كه اين قصد محو شود. هيچ چيز نمي‌تواند از صورت گرفتن اين قصد چلوگيري كند. بعضي‌ها مي‌گويند كه نظم دارم اما من طور ديگري فكر مي‌كنم. قصد نرمش ناپذير من به هيچ چيز جز بيان تكامل خود اجازه نخواهد داد. من بطرف فضاي نوشتنم سوق داده مي‌شوم، هل داده مي‌شوم و وادار مي‌شوم و در نهايت جذب آن فضا مي‌شوم. تمام افكار خواب و بيداري ام بر آن تصوير متمرکز است و هرگز از بودن در وضعيت احترام به آن باز نمي‌ايستم.

۴- هفت چهره قصد را روي سه تا پنج كارت بنويسيد و آنها را پرس كنيد و در جاهاي كه در طي روز چشم‌تان مي‌افتد قرار دهيد. آنها به عنوان يادآوري كننده هايي براي هماهنگي با روح عمل مي‌كنند. رابطه‌اي دوستانه با قصد لازم داريد. هفت يادآوري كننده كه بصورت استراتژيك در اطراف شما



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

چیده شده این کار را برای شما انجام می‌دهد.

ه- همیشه اندیشه فراوانی خدا را در ذهن داشته باشید. هر فکر دیگری که به ذهن تان آمد، با فراوانی خداوند عوض کنید. هر روز به خود یادآوری کنید که جهان نمی‌تواند فلاکت باشد، نمی‌تواند خواسته‌باشد، هیچ چیز نیست مگر فراوانی یا آن طور که سنت پال گفته «خداوند قادر است با هر رحمتی برای شما فراخی ایجاد کند» ایده‌های فراخی را تا زمانی که به عنوان حقیقت درونی شما منعکس شوند تکرار کنید.

این موضوع شامل گام‌های پیوند با قصد هم می‌شود. اما پیش از معلق کردن آن در تصور ناپذیر، به شما می‌گویم هر مانعی را پیش از شروع شیوه جدید زندگی و استنشاق نیروی قصد که پیش از حتی شکل گرفتن قلبتان در آن جای گرفته بود، ریشه کن کنید. همانطور که ویلیام پن گفت: «آن‌هایی که بوسیله خداوند اداره نمی‌شوند، بوسیله زورگویان اداره خواهند شد.» همینطور که می‌خوانید، به یاد داشته باشید که آن زورگویان اغلب مواعی هستند که خویش تحتانی بر شما تحمیل می‌کند.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

فصل چهارم

موانع پیوند با قصد

آیا اصرار بر اینکه چیزی چنین است، آن را چنین می‌کند؟

همه شاعران معتقدند که می‌کند.

و در عصر تصور این اصرار کوه‌ها را به حرکت درمی‌آورد.

اما بسیاری قادر به این اصرار سرسختانه نیستند.»

از عروسی بهشت و دوزخ- ویلیام بلیک

عبارت ویلیام بلیک از ازدواج بهشت و دوزخ پایه و اساس این فصل درباره تفوق بر موانع در راه نیروی نامحدود قصد است. بلیک می‌گوید که شعرا از قدرت تصور بی‌پایانی برخوردارند و در نتیجه توانایی نامحدودی برای چینی کردن چیزها دارند. همینطور یادآوری می‌کند که عده زیادی هم از این اصرار سرسختانه بی‌بهره‌اند.

در فصل قبل راه‌هایی برای پیوند مثبت با قصد ارائه کردم. عمداً فصل چهارم را به این شکل ردیف کردم که درباره توانایی خود پیش از بررسی موانعی که بر سر راه قصد بنا کرده‌اید خوانده باشید. در گذشته، به عنوان یک مشاور و درمانگر، مراجعین را تشویق می‌کردم که ابتدا آنچه را که در زندگی خواستار آشکاري آن هستند بررسی کنند و آن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

فکر را مصمم در تصور خود حفظ کنند. پس از آن می‌خواستم که موانع را بررسی کنند. مراجعین اغلب از موانع بی‌اطلاع بودند هرچند هم که آن موانع از طرف خود آنها تحمیل شده بود. یادگیری شناسایی روش‌هایی که در آنها موانعی ایجاد کرده‌اید، اگر مایل به کشف این نقطه از زندگی‌تان باشید باعث روشنگری بسیار است.

موانعی را که از قصد محکم شما به هر چیزی ممانعت می‌کند کشف می‌کنید. این فصل را به سه نقطه که می‌توانند نقاط موانع شناخته نشده شما در پیوند نیروی قصد باشند اختصاص می‌دهم. شما گفتگوی درونی، سطح انرژی و خود بزرگی‌تان را بررسی خواهید کرد. این سه گروه اگر در تعادل نباشند می‌توانند موانع غیر قابل حلی در جهت پیوند با قصد ایجاد کنند. با بررسی هر یک فرصت آگاه شدن از این موانع و روش‌های فائق آمدن بر آنها را خواهید داشت.

نمایشی از یک بازی برای چندین دهه در تلویزیون نشان داده می‌شود. نام آن بازی جورکردن است. موضوع این بازی، جورکردن پاسخ‌هایتان با افکار کس دیگری در گروهتان که معمولاً یک دوست یا عضوی از خانواده است می‌باشد. سؤالی به آن دوست داده می‌شود و چند جواب ممکن ارائه می‌شود. در قیاس با گروه دیگر، هر چه پاسخ شما جورتر باشد پوئن‌های بیشتری دریافت می‌کنید. برنده کسی است که پاسخ‌های جورتر بیشتری داده باشد.

دوست دارم با شما این بازی را انجام دهیم. در بازی، از شما می‌خواهم که با روح جهانی قصد متناسب شوید. همینطور که مطالب مربوط به سه دسته از موانع پیوند با قصد صحبت



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

می‌کنیم، من نقاطی را که تناسب ندارند توضیح می‌دهم و پیشنهادهایی برای ایجاد تناسب ارائه می‌کنم.

فراموش نکنید که توانایی شما در فعال کردن نیروی قصد بستگی به تناسب هماهنگی با مبدا دارد که امتیاز شباهت با آن و نیروی قصد را دریافت خواهید کرد. اگر موفق نشدید نیروی قصد شما را ترک خواهد کرد.

گفتگوی درونی شما متناسب است یا نیست؟ می‌توانیم به عقب به عهد عتیق برای یافتن تذکری درباره گفتگوی درونی برگردیم. برای مثال، انسان چیز است که به آن می‌اندیشد. عموماً، این ایده را در مورد افکار مثبت‌مان بکار می‌بندیم یعنی مثبت فکر کن تا نتایج مثبتی به دست بیاوری. اما اندیشیدن هم موانعی از سر غفلت ایجاد می‌کند که نتایج منفی به بار می‌آورد. چهار روش اندیشیدن که می‌تواند از رسیدن و پیوند شما به روح خلاق قصد جهانی جلوگیری کند در پایین ذکر شده است.

۱- اندیشیدن درباره چیزی که در زندگی شما کم است.

برای هماهنگی با قصد: اول باید مچ خود را هنگام فکر کردن به آنچه ندارید بگیرید و سپس به سوی قصد تغییر جهت بدهید. نه این که بفهمم چه چیزی ندارم سعی کنم آن را به دست بیاورم بلکه آنچه قصد می‌کنم به زندگی جذب کنم، بدون شک و تردید و توضیح. چند تمرین برای از بین بردن عادت تمرکز بر آنچه ندارید. بازی جور کردن را انجام دهید و با نیروی خلاق هماهنگ شوید.

ناهماهنگ: پول کافی ندارم



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

همه‌هنگ: قصد دارم فراخی نامحدود را به
زندگیم جذب کنم.
نامه‌هنگ: شریک زندگیم کج خلق و خسته
کننده است.
همه‌هنگ: قصد می‌کنم افکارم را بر آنچه از
شریک زندگیم دوست دارم متمرکز کنم.
نامه‌هنگ: آنقدر که دلم می‌خواهد جذاب
نیستم.
همه‌هنگ: در چشم خداوندکامل هستم، یک ظهور
الهی از مراحل خلقت.
نامه‌هنگ: نیرو و انرژی حیاتی کافی
ندارم.
همه‌هنگ: من بخشی از جزرو مد منشأ نامحدود
خلقت هستم.
این بازی از تأیید بیهوده نیست. این
راهی برای همه‌هنگ‌سازی خود با نیروی قصد است
و شناخت شما از آنچه فکر می‌کنید وسعت
می‌یابد. اگر وقت خود را با فکر کردن به از
دست رفته‌ها سپری کنید، در زندگی شما وسعت
خواهد یافت. گفتگوی درونی‌تان را مشخص کنید
و افکارتان را با آنچه می‌خواهید و قصد خلق
آنرا دارید متناسب کنید.
۲- فکر کردن درباره شرایط زندگی
اگر بعضی از شرایط زندگی‌تان را دوست
ندارید، به هیچ وجه به آنها فکر نکنید.
شاید مانند تناقضی به نظر بیاید، در این
بازی همه‌هنگی، می‌خواهید با روح خلقت همه‌هنگ
شوید. باید تصور خود را از آنچه نمی‌خواهید
به آنچه می‌خواهید تغییر دهید (ذهن
کیهان‌یست که از شما جاریست). تمام آن انرژی
روانی که شما صرف شکایت از چیزی می‌کنید،
مانند آهن ربایی است که مقدار بیشتری از آن
چیز را به زندگی شما می‌آورد. شما، تنها شما



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

می‌توانید بر این مانع چیره شوید چرا که شما آن‌را در مسرتان بسوی قصد می‌گذارید. به سادگی، گفتگوی درونی‌تان را به آنچه قصد دارید شرایط جدید زندگی‌تان داشته باشد معطوف کنید. فکر کردن از انتها را با بازی هماهنگی و وحدت دوباره با دامنه قصد را تمرین کنید.

چند نمونه از گفتگوهای درونی هماهنگ و ناهماهنگ در رابطه با شرایط زندگی‌تان:

ناهماهنگ: از جایی که زندگی می‌کنیم متنفرم. احساس مورمور شدن می‌کنم.

هماهنگ: می‌توانم در ذهنم خانه جدیدمان را ببینم و قصد دارم که ظرف شش ماه در آن زندگی کنم.

ناهماهنگ: وقتی خودم را در آینه می‌بینم، از اینکه نزدیک‌بین و بدفرم هستم نا امید می‌شوم.

هماهنگ: این طرح را از اینکه چگونه قصد نگاه کردن به آینه دارم ایجاد می‌کنم.

ناهماهنگ: کارم را دوست ندارم و تقدیر نمی‌شوم.

هماهنگ: براساس انگیزه‌های شهودی درونم عمل خواهم کرد تا شغل رویاهایم را پیدا کنم.

ناهماهنگ: از اینکه اغلب و همیشه به نظر می‌رسد که سرماخورده‌ام متنفرم.

هماهنگ: سلامت الهی هستم. قصد می‌کنم که در راه‌های سلامتی گام بردارم و نیروی استقامت سیستم ایمنی بدنم را از هر راهی که می‌شود جذب کنم.

باید یاد بگیرید که مسئولیت شرایط زندگی‌تان را بدون هیچ‌گونه تقصیری بپذیرید. شرایط زندگی شما به دلیل بدهی کارمیک یا تنبیه شما ایجاد نشده‌اند. شرایط زندگی شما که



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

شامل سلامتتان نیز هست مال شماست. به طریقی در زندگی شما نمایان شده اند پس فقط بپذیرید که در همه آن شرکت داشته اید. گفتگوی درونی شما، خلقتی منحصر به خود شماست، و مسئول جذب شرایط ناموافق بیشتری به زندگی شماست.

با قصد پیوند حاصل کنید، از گفتگوی درونی‌تان برای متمرکز شدن بر آنچه قصد خلق آنرا دارید استفاده کنید و خواهید دید که نیروی مبداء را دوباره کسب می‌کنید.

۳- فکر کردن درباره آنچه همیشه بوده.

وقتی گفتگوی درونی شما بر طریقی که همه چیز همیشه بوده متمرکز باشد، بر مبنای افکارتان بر آنچه همیشه بوده عمل می‌کنید و نیروی خلاق جهانی ادامه به تحویل هر آنچه همیشه بوده خواهد داد. چرا؟ چون تصور شما قسمتی از چیزیست که با تصور، شما را به هستی درآورده است. این نیروی خلقت است و شما با گفتگوی درونی‌تان از آن برعلیه خود استفاده می‌کنید.

تصور کنید که روح مطلق اینطور فکر کند: دیگر نمی‌توانم زندگی خلق کنم چون در گذشته اوضاع بر وفق مراد نبوده. اشتباه‌های زیادی در گذشته صورت گرفته و نمی‌توانم که به آنها فکر نکنم. اگر روح اینطور فکر می‌کرد چقدر می‌توانست خلق کند؟ چه طور می‌توانید به نیروی قصد متصل شوید در حالیکه افکارتان که مسئول قصد شما هستند بر گذشته و آنچه از آن بیم دارید متمرکز هستند؟ پاسخ مشخص است و راه حل هم همینطور. تغییری ایجاد کنید و مچ خودتان را در هنگام تمرکز به آنچه بوده بگیرید و گفتگوی درونی خود را به آنچه قصد آشکار شدنش را دارید معطوف کنید. اگر در



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

این بازی در گروه روح مطلق باشید پوئن خواهید گرفت.

نامه‌ها: همیشه فقیر بودم، در تنگی و نداری بزرگ شدم.

نامه‌ها: قصد می‌کنم ثروت و حرمتی در وفور نامحدود جذب کنم.

نامه‌ها: در این رابطه همیشه جنگیده‌ام.

نامه‌ها: سعی در آرامش خواهم کرد و اجازه نمی‌دهم هیچ کسی مرا شکست دهد.

نامه‌ها: بچه‌های هرگز به من احترام نکرده‌اند.

نامه‌ها: قصد می‌کنم به بچه‌های بی‌اموزم که به همه زندگی احترام بگذارند و من نیز به همان ترتیب با آن‌ها رفتار خواهم کرد.

نامه‌ها: نمی‌توانم اینطور فکر نکنم، این سرشت من است. همیشه اینطور بودم.

نامه‌ها: من يك خلقت الهی هستم، قادرم مانند خالقام فکر کنم. قصد می‌کنم عشق و محبت را جایگزین احساسات ناشی از عدم کفایت بکنم. این را انتخاب می‌کنم.

اقدام نامه‌ها: سازگاری با روح خلاق را منعکس می‌کند. اقدام نامه‌ها: ارائه‌گر تداخل‌هایی هستند که شما را از قصد جدا می‌کند. هر فکری که شما را به عقب ببرد مانعی برای ظهور آرزوهای شماست. مردمی که بالاترین کارکرد را دارند می‌فهمند که اگر داستانی نداشته باشی، چیزی نداری که برای آن زندگی کنی. از هر بخش داستانتان که باعث تمرکز شما بر آنچه همیشه بوده می‌شود خلاص شوید.

۴- فکر کردن درباره اینکه «آن‌ها» برای شما چه می‌خواهند. احتمالاً لیست بلندبالایی از مردم که بیشتر آن‌ها خویشاوندان شما هستند وجود دارد، کسانی که ایده‌هایی دارند از



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

اینکه چه کار باید بکنید، چطور باید فکر کنید، چطور بپرستید، کجا زندگی کنید، زندگی‌تان را چطور برنامه‌ریزی کنید و چقدر از وقتتان را در موقعیت‌های خاص یا تعطیلی‌ها با آن‌ها بگذرانید! شکر خدا تعریف ما از دوستی شامل تحت نفوذ بردن یا تغییری که اغلب در خانواده‌ها جاریست نمی‌شود.

گفتگوی درونی که درباره توقعات فریبکارانه دیگران دلسوزی می‌کند اطمینان می‌دهد که این گونه موارد به زندگی شما جریان خواهد یافت. اگر افکارتان متمرکز بر توقعات دیگران از شماست حتی اگر بخلاف آن عمل کنید، ادامه به عمل کردن و جذب خواسته‌های بیشتری از آن‌ها خواهید کرد. برطرف کردن موانع به معنی این است که شما تصمیم به تغییر گفتگوی درونی به سمت آنچه قصد خلق و جذب آن را به زندگی‌تان ندارید، بگیرید. این کار را باید با قصد راسخ انجام دهید و متعهد شوید که هیچگونه انرژی روانی‌ای در قبال آنچه دیگران درباره نحوه زندگی شما احساس می‌کنند صرف نکنید. در ابتدا ممکن است سخت باشد اما با اینکار به تغییر امکان می‌دهید.

مچ خودتان را زمانی که فکر می‌کنید دیگران از شما چه می‌خواهند بگیرید و ببینید با خواسته‌های شما متناسب است؟ اگر نبود، به بیهودگی غمگین شدن یا ناکامی در توقعات دیگران در باره خودتان بچندید. این راهی برای هماهنگی و نفوذ ناپذیری انتقادهای دیگران است و همزمان عمل موذیانانه ادامه جذب کارهایی که نمی‌خواهید متوقف کنید. اما بازده بزرگ این است که این انتقادهای نشان می‌دهد که قضاوت و انتقادهای آن‌ها براساس است، پس به سادگی دست می‌کشند. با تغییر



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

دادن نقطه توجه از آنچه دیگران توقع دارند و آنچه شما خود می‌خواهید برای یک عمل سه جایزه برنده می‌شوید.

چند مثال از اینکه چگونه می‌توان در این بازی برده شد:

نامه‌ها: خانواده‌آم خیلی ناراحتام می‌کنند هرگز مرا درک نکرده و نمی‌کنند.

نامه‌ها: خانواده‌ام را دوست دارم، نقطه نظر آن‌ها با من فرق می‌کند اما توقع ندارم که مانند من فکر کنند. من کاملاً بر قصد خود متمرکز هستم و بسوی آنها عشق می‌فرستم.

نامه‌ها: برای خشنودی بقیه خودم را مریض می‌کنم.

نامه‌ها: من مصمم هستم و کاری می‌کنم که باید در این زندگی انجام دهم

نامه‌ها: به آنهایی که محبت می‌کنم، قدرم را نمی‌دانند. گاهی باعث گریه‌ام می‌شود.

نامه‌ها: کاری را که باید انجام می‌دهم چون این هدف و سرنوشت من است.

نامه‌ها: آنچه می‌گویم و عمل می‌کنم مهم نیست. به نظر می‌رسد نمی‌توانم بر دی داشته باشم.

نامه‌ها: هرکاری که قلبم بگوید با عشق، مهربانی و زیبایی انجام می‌دهم.

سطح انرژی شما مناسب است یا نیست؟ یک دانشمند به شما خواهد گفت که انرژی

بوسیله سرعت و اندازه موج ایجاد شده و با آن سنجیده می‌شود. اندازه موج از پایین به بالا،

آرام به سریع اندازه‌گیری می‌شود. هرچیز دیگری به شرایطی که در جهان می‌بینیم نسبت

بدهیم داوربی ناشی از آن فرکانس‌های در ارتعاش می‌باشد. دوست دارم قضاوت خود را در

این باره بگویم: انرژی بالاتر بهتر از انرژی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

پایین‌تر است. چرا؟ چون این کتابیست که بوسیله مردی نوشته شده که برای درمان، عشق، مهربانی، سلامتی، وفور، زیبایی، شفقت و حالت‌های مشابه زندگی می‌کند و این حالت‌ها همراه با انرژی‌های بالاتر و سریع‌تر حاصل می‌شوند.

تأثیر فرکانس‌های بالاتر و سریع‌تر بر فرکانس‌های پایین‌تر و آرام‌تر قابل‌سنجش است و در این رابطه است که شما می‌توانید تأثیر عظیمی بر ریشه‌های کف‌عوامل انرژی‌کی که در زندگی مانع پیوند شما با قصد هستند بگذارید. هدف از بالا بردن فرکانس، تغییر دادن سطح ارتعاشی انرژی است به طوری که در فرکانس‌های بالاتر و سریع‌تر جایی که سطح انرژی شما متناسب با بالاترین فرکانس‌ها قرار بگیرد: انرژی روح خلاق قصد. آلبت انشتین بود که گفت: «تا چیزی حرکت نکند اتفاقی رخ نمی‌دهد.»

هر چیزی در این جهان حرکت انرژیست. انرژی سریع‌تر و بالاتر، انرژی پایین‌تر و کندتر را حل و تبدیل می‌کند. با در نظر گرفتن این نکته، می‌خواهم که خودتان و تمام افکارتان را به عنوان یک سیستم انرژی بررسی کنید. درست است، شما تنها سیستمی از استخوان، مایع و سلول نیستید بلکه چند سیستم انرژی که یک سیستم انرژی درونی از افکار و احساسات را در خود خلاصه کرده است. این سیستم انرژی‌کی که شما هستید قابل‌سنجش و علامت‌گذاریست. هر فکری که در سر دارید می‌تواند بصورت انرژی همراه با تأثیر آن بر جسم و محیط اطرافتان علامت‌گذاری شود. هر چه انرژی‌تان بالاتر باشد، قدرت از بین بردن و تغییر و تبدیل انرژی‌های پایین‌تر که



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

باعث تضعیف شما هستند، بیشتر است و می‌توانید تأثیر مثبت بر هرکسی در نزدیکی خود و یا در مسافت‌های دور بگذارید. هدف این بخش، آگاهی از سطح انرژی و فرکانس‌های افکاري است که در طی روز در زندگی خود بکار می‌بندید. می‌توانید در امر بالا بردن سطح انرژی‌تان و حذف دائم حالت‌هایی که باعث تضعیف یا قطع ارتباط شما با قصد هستند، مهارت حاصل کنید. در نهایت، هدف شما تناسب کامل با بالاترین فرکانس‌هاست. اینجا توضیح ساده‌ای از پنج سطح انرژی آمده که با آن‌ها کار می‌کنید که از پایین‌ترین و کندترین به بالاترین و سریع‌ترین فرکانس‌ها حرکت می‌کنند.

۱- جهان مادی

شکل جامد انرژی است که بطرف پایین‌ترین گند شده و تقریباً با حس ادراک شما از جهان محدودیت‌ها متناسب شده است. هر چیزی که می‌بینید و لمس می‌کند انرژی گند شده بطرف پایین است طوری که به نظر می‌رسد توده بهم پیوسته ایست جایی که چشمها و انگشت‌هایتان توافق کرده‌اند، جهان فیزیکی است.

۲- جهان صوت

بندرت امواج صدا را با چشم‌هایتان ادراک می‌کنید اما می‌شود آن‌ها را حس کرد. این امواج نامرئی نیز سریع/کند و بالا/پایین دارند. این سطح صوتی انرژی جایی است که بالاترین فرکانس‌های روح از طریق تمرین مراقبه جاپا یا تکرار صوت خداوند متصل می‌شوید که من بطور مفصل در کتاب: پر کردن فاصله توضیح داده‌ام.

۳- جهان نور



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

نور از جهان مادي و از صدا سريع‌تر حرکت مي‌کند با اين حال هيچ‌گونه ذرات واقعي براي شکل دادن ماده‌اي که نور خوانده شود وجود ندارد. چيزي که به عنوان سرخ مي‌بينيد چيزيست که چشم شما از فرکانس مرتعش مشخص دريافت مي‌کند و آنچه به عنوان بنفش ادراک مي‌کنيد فرکانس بالاتر و سريع‌تر دارد. زماني که نور به تاريکي آورده شود، تاريکي روشن مي‌شود. مفاهيم آن تکان دهنده است. انرژي پايين وقتي با انرژي بالا روبرو مي‌شود، تبديلي خود بخودي را تجربه مي‌کند.

۴- جهان فکر

افکار شما فرکانس بسيار بالايي از ارتعاش هستند که حتي از نور و صوت سرعت بيشتري دارند. فرکانس فکر قابل سنجش است و تأثير آن بر جسم و محيط اطراف شما قابل محاسبه مي‌باشد. يك بار ديگر همان قوانين بکار گرفته مي‌شوند. فرکانس‌هاي بالا، فرکانس هاي پايين را از بين مي‌برد. انرژي‌هاي سريع‌تر، انرژي‌هاي کند را تبديل مي‌کنند. همکاري که خيلي تحسین‌اش مي‌کنم، دکتر ديويد هاوکينز انرژي نوشته که اغلب به آن رجوع مي‌کنم به نام: قدرت در قابل قدرت. در اين کتاب برجسته، دکتر هاوکينز فرکانس‌هاي پايين‌تر فکر و احساسات همراه آن‌ها را بررسي مي‌کند و اين که چگونه مي‌توان آن‌ها را تحت تأثير قرار داده و با گذاشتن در معرض فرکانس‌هاي بالاتر و سريع‌تر تبديل داد. توصيه مي‌کنم اين کتاب را بخوانيد و بعضي از قسمت‌هاي آن را در مورد بالا بردن سطح انرژي ارائه مي‌کنم. هر فکري که مي‌کنيد قابل محاسبه است تا مشخص شود آيا توانايي شما را



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

در پیوند دوباره به بالاترین و سریع‌ترین انرژی جهان تقویت یا تضعیف می‌کند.

۵- جهان روح

اینجا نهایت انرژیست. این فرکانسها به طور مافوق صوتی سریع هستند به حدی که ایجاد بی‌نظمی، ناهماهنگی و حتی آزادی در آن غیر ممکن است. این انرژی‌های قابل سنجش، حاوی هفت چهره قصد که در تمام این کتاب نوشته شده است می‌باشند. آن‌ها انرژی‌های خلقت هستند. وقتی آن‌ها را دوباره تولید می‌کنید، همان کیفیت خلاق را بازسازی می‌کنید که به شما هستی داد. آن‌ها کیفیات خلاقیت، عشق، مهربانی، وسعت، وفور پر آرامش، و پذیرندگی هستند. این‌ها بالاترین انرژی‌های روح کیهانی هستند. از این انرژی‌ها موجود شدید و می‌توانید با تبدیل ارتعاشات انرژی‌های کند از افکار و احساسات خود از لحاظ انرژی با آن هماهنگ شوید.

به گفته‌های برنده جایزه نوبل، فیزیکدان ماکس پلانک در زمان گرفتن جایزه به خاطر مطالعات مربوط به اتم توجه کنید: به عنوان مردی که زندگی‌اش را وقف آشکارترین علوم یعنی مطالعه ماده کرده از نتایج تحقیق این قدر می‌توانم بگویم که ماده‌ای نیست!

ماده تنها به وسیله نیرویی که باعث ارتعاش ذرات اتم شده، این کوچک‌ترین منظومه شمسی اتم را در یک جا نگه می‌دارد... ایجاد می‌شود... باید پشت این نیرو، هستی ذهنی هوشمند و آگاه را بپذیریم. این ذهن زاینده ماده است. «این ذهنی است که توصیه می‌کنم با آن هماهنگ شوید.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

بالا بردن سطح انرژی

هر فکری که می‌کنید حاوی انرژی است که شما را تقویت یا تضعیف می‌کند. واضح است که ایده‌های حذف افکاری که شما را تضعیف می‌کند ایده‌های خوب‌تر است چرا که این افکار مانعی در هماهنگی با نیروی جهانی و والای قصد ایجاد می‌کنند. لحظه‌ای دقت صرف معنی گفته آنتونی دو ملو در گفته زیر کنید::

چرا همه این‌جا خوشحالند جز من؟
استاد گفت: چون آن‌ها آموخته‌اند خوبی و زیبایی را در هر جا ببینند.
چرا من خوبی و زیبایی را همه‌کجا نمی‌بینم؟
چون نمی‌توانی خارج از خودت آنچه را که درون خود نمی‌بینی، ببینی.

چیزی که در درون نمی‌بینید نتیجه چگونگی انتخاب شما در پیش بردن همه چیز در جهان خودتان است. شما آنچه را که در درون می‌بینید به بیرون بازتاب می‌دهید و آنچه را که در درون نمی‌بینید قادر به انعکاس آن به جهان نیستید.

اگر می‌دانستید که بیانی از روح کیهانی قصد هستید این چیزی بود که می‌دیدید. انرژی خود را فراتر از هر احتمالی از مانع در پیوند با نیروی قصد بالا می‌برید. تنها ناهم‌هنگی احساسات خود شماست که می‌تواند برای همیشه شما را از هر چیز خوبی در زندگی محروم کند!

اگر این مثال ساده را درک کنید به تمام تداخل‌ها در قصدتان مهمیز می‌زنید.

عملی ارتعاشی در افکار، احساسات و جسم شما هست. از شما می‌خواهم آن فرکانس‌ها را افزایش دهید آن قدر که تا حد کافی بالا بروند و قادر به اتصال با نیروی قصد بشوید. شاید



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

به نظر می آید که کار را خیلی ساده می‌گیرم اما امیدوارم سعی کنید که سطح انرژی خود را به عنوان روشی برای برداشتن موانعی که شما را از تجربه‌ی تکاملی که بخشی از آن هستید، بالا ببرد.

هیچ چیز را با محکوم کردن نمی‌توانید چاره کنید. با این کار فقط می‌توانید به انرژی مخرب که در فضای زندگی شما نفوذ کرده اضافه کنید. وقتی به انرژی‌های پایین‌تر پاسخ دهید با انرژی‌های پایین خود رو در رو می‌شوید. در واقع وضعیتی ایجاد می‌کنید که انرژی پایین‌تر بیشتری را جذب می‌کند.

برای مثال، اگر کسی با رفتاری نفرت‌آمیز با شما رفتار کند و شما پاسخ آن رفتار را با نفرت بدهید، در دامنه‌ی پایین‌تر انرژی عمل می‌کنید که بر هر کسی هم که در این دامنه وارد شود تأثیر می‌گذارد. اگر به کسانی که اطرافتان هستند خشم می‌گیرید چون عصبانی هستند. تلاش به درست کردن وضعیت با محکومیت می‌کنید.

از انرژی‌های تضعیف‌کننده‌ی حاصل از افرادی که دور و بر شما هستند، استفاده نکنید. اگر در انرژی بالاتر عمل کنید، مردم نمی‌توانند شما را از آن وضعیت در بیاورند. چرا؟ چون انرژی‌های سریع‌تر و بالاتر، انرژی‌های پایین‌تر و کندتر را به صفر می‌رسانند و تغییر می‌دهند. اگر احساس می‌کنید که انرژی‌های پایین‌تر اطرافیان، شما را پایین می‌کشد برای این است که در سطح انرژی‌ای که دارند شرکت می‌کنید.

قصد نرمش‌ناپذیر شما باید سالم باشد. می‌دانید که روح خلاق جهانی شما را در لکه‌ای میکروسکوپی از سلول‌های انسانی نه برای



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

اینکه بیمار، چاق یا دوست نداشتی باشید بلکه برای خلق عشق، مهربانی و ابراز زیبایی به هستی آورده است. این چیزی است که نیروی قصد برای شما در نظر دارد. به این جمله دقت کنید: با تنفر از چیزی که خودتان باعث آن شده اید نمی‌توانید جذابیت را به زندگی خود جذب کنید. چرا؟ چون نفرت نیروی نفرت متقابلی ایجاد می‌کند که تلاش‌های شما را بی‌اثر می‌سازد. دکتر هاوکینز در کتاب قدرت در مقابل قدرت این‌گونه توضیح می‌دهد:

مهربانی برای همه موجودات قدرتمندترین نیروی تغییردهنده است. هیچ واکنش پسرانی، پایین برنده نداشته و هرگز به فقدان و یأس منجر نمی‌شود. نیروی خود شخص را بدون هیچ زبانی افزایش می‌دهد. اما برای رسیدن به حداکثر نیرو، این حالت از مهربانی هیچ استثنایی قائل نمی‌شود، در ضمن این کار را با توقع پاداشی خودخواهانه نیز نمی‌شود انجام داد. تأثیراتش به همان اندازه که دقیق است همان قدر دور از دسترس نیز می‌باشد. (توجه داشته باشید که مهربانی یکی از چهره‌های قصد است).

و اضافه می‌کند:

آنچه که زیان‌آور است وقتی به وضوح آورده شود ظرفیت زیان‌رسانیش را از دست می‌دهد و جلب می‌کنیم آنچه را که تجلی می‌دهیم. درس بر داشتن موانع انرژی پایین تر واضح است. ما باید خود را به سطوحی از انرژی ارتقاء دهیم که در آن نوری باشیم که در جستجوی آن هستیم، جایی که خوشبختی ای باشیم که آرزویش را داریم و عشقی که احساس می‌کنیم از دست رفته و نور نامحدودی که می‌طلبیم.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

با این روش آن را به خود جذب می‌کنیم. با محکوم کردن فقدان آن، محکومیت و عدم سازگاری به جاری شدن در زندگی‌مان ادامه خواهد داشت.

اگر هر گونه دست‌تنگی، غصه، افسردگی، فقدان عشق یا هر عدم توانایی برای جذب آرزوهایتان حس می‌کنید، به طور جدی نحوه‌ی جلب آن‌ها را به زندگی‌تان ملاحظه کنید. انرژی پایین یک نمونه‌ی جذب‌کننده است. خودش را نشان می‌دهد چون دنبالش رفته‌اید حتی اگر در سطحی نیمه‌آگاه این کار را کرده باشید. هنوز مال شماست. به هر حال اگر بالا بردن سطح انرژی را به طور دقیق با شناخت محیط اطراف انجام دهید، به سرعت به سمت قصد حرکت کرده و تمام موانعی که خود ایجاد کرده‌اید بر طرف می‌سازید. موانع در منظر دید انرژی پایین هستند.

یک برنامه‌ی کوچک برای بالا بردن ارتعاشات انرژی

اینجا فهرست کوتاهی از پیشنهادات برای حرکت دادن دامنه‌ی انرژی به ارتعاشات بالاتر و سریع‌تر ارائه شده است که به شما کمکی دوگانه هم در جهت رفع موانع و هم مجاز ساختن نیروی قصد برای حرکت از طریق شما می‌کند.

از افکارتان آگاه باشید

هر فکری بکنید بر شما تأثیر می‌گذارد. وقتی در وسط یک فکر تضعیف‌کننده اید آن را تغییر داده به فکری استقامت‌بخش تبدیل کنید، ارتعاش انرژی خود را بالا می‌برید و خود و دامنه‌ی انرژی خود را استحکام می‌بخشید. برای مثال: درست وقتی که می‌خواستم به یکی از بچه‌های حرفی بزنم که او را نسبت به عملی که



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

کرده شرمنده میساخت. متوقف شده و به خودم یادآوری کردم که هیچ چاره‌ای در محکوم کردن وجود ندارد. تصمیم گرفتم یا پرسیدن این‌که چه احساسی از این رفتار کرده و چگونه می‌خواهد خطایش را اصلاح کند عشق و درک بیشتری به او بدهم.

این تغییر، سطح انرژی را ارتقاء داده و منجر به مکالمه‌ای مفید شد.

ارتقاء سطح آگاهی به جایی که من و دخترم به نیروی قصد متصل شدیم در یک لحظه از آگاهی من نسبت به تفکر با انرژی پایین و تصمیم به ارتقاء آن صورت گرفت. ما همه وقتی از افکارمان آگاه باشیم توان آوردن نیروی قصد را به اعمالمان داریم.

مراقبه را به صورت تمرینی مداوم در زندگی انجام دهید

حتی اگر برای چند دقیقه هم که باشد انجام این تمرین در روز حیاتی است. زمانی برای سکون و تکرار صوت خداوند را به صورت یک مانترای درونی اختصاص دهید. مراقبه به شما اجازه می‌دهد که تماس آگاهانه با مبدأ حاصل کرده و نیروی قصد را با پذیرش و هماهنگی با نیروی خلقت به دست بیاورید.

از غذایی که می‌خورید آگاه باشید

غذاهایی است که سطح انرژی را پایین می‌آورد و همین‌طور غذاهایی که آن را بالا می‌برد. غذاهایی است که مواد شیمیایی بدن را تضعیف می‌کند حتی اگر مسموم بودن آن‌ها را حس نکنید. غذاهای مصنوعی مانند شیرین‌کننده‌ها انرژی پایین تولید می‌کنند. در کل، غذاهایی با خصوصیت قلیایی مانند میوه‌جات، سبزیجات، خشکبار، سویا، نان بدون خمیر، روغن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

زیتون خالص انرژی را بالا برده و شما را تقویت می‌کند در حالی که غذاهای اسیدی مانند حبوبات، گوشت، لبنیات و شکر انرژی تولید کرده و شما را تضعیف می‌کند. البته برای همه در حکم مطلق نیست.

شما می‌توانید به غذا و احساس بعد از غذای خود دقیق شوید و اگر احساس ضعف، خستگی و سنگینی کردید بدانید که انرژی پایین جذب کرده‌اید که انرژی‌های پایین بیشتری را به زندگی شما جذب خواهد کرد.

دوری از مواد تولیدکننده انرژی پایین

در فصل اول توضیح دادم که چگونه اعتدال در کسب سطح آگاهی‌ای که آرزو داشتیم اهمیت دارد. الکل و همین‌طور تمام داروهای مصنوعی، انرژی شما را پایین آورده و شما را تضعیف می‌کنند. به علاوه، شما را در وضعیتی قرار می‌دهند که به جذب انرژی‌های تضعیف‌کننده در زندگی‌تان ادامه می‌دهید. که به سادگی از مصرف موادی با انرژی پایین رخ می‌دهد. شما در زندگی با مردمی با همان انرژی پایین روبه‌رو می‌شوید که می‌خواهند از آن مواد برای شما بخرند و وقتی بهبود پیدا کردید شما را وادار به تکرار آن می‌کنند.

از سطح انرژی موزیکی که گوش می‌دهید آگاه باشید

موسیقی خشن، با صدای مکرر و بالا انرژی شما را پایین آورده و قدرت اتصال شما را به قصد تضعیف می‌کند. همین‌طور اشعاری از نفرت، رنج، غصه، ترس و توحش انرژی پایین داشته و پیام‌های تضعیف‌کننده به ناخودآگاه شما می‌فرستند و زندگی شما را با همان انرژی‌های جذب‌کننده فیلتر می‌کنند. اگر می‌خواهید توحش



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

جذب کنید موسیقی وحشیانه گوش دهید و آن را بخشی از زندگی خود بکنید. اگر می‌خواهید عشق و آرامش جذب کنید، به ارتعاشات موسیقی بالاتری گوش کنید، به اشعاری که بازتاب آرزوهای شما باشد.

از سطح انرژی محیط خانه خود آگاه باشید

دعاها، نقاشی‌ها، کریستال‌ها، مجسمه‌ها، عبارات معنوی، کتاب‌ها، مجله‌ها، رنگ‌های روی دیوار و حتی نحوه چیدن اثاث انرژی خلق می‌کنند که حداقل نصف زمان بیداری خود را با آن‌ها می‌گذرانید و هر چند به نظر احمقانه و بیهوده بیاید باز به شما توصیه می‌کنم که سطح فکر خود را ارتقاء دهید و ذهنی داشته باشید که به روی همه چیز باز باشد. هنر باستانی چینی «فنگشویی» هزاران سال با ما بوده و هدیه‌ای از پیشینیان است. چگونگی بالا بردن انرژی در خانه و محیط کارمان را توضیح می‌دهد. بدانید که چگونه بودن در محیط‌هایی با انرژی بالا بر ما در روش‌های تقویت زندگی و برداشتن موانع پیوند با قصد تأثیر می‌گذارد.

تماس خود را با انرژی خیلی پایین تلویزیون کاهش دهید.

در امریکا، کودکان دوازده هزار مورد قتل را در اتاق نشیمن خانه‌هایشان پیش از چهارده سالگی تماشا می‌کنند. برنامه‌ی اخبار تلویزیون تأکید بسیاری در آوردن زشت و بد به زندگی شما و ترک خوبی دارند. این چشمه‌ی ثابتی از انرژی منفی است که به فضای زندگی شما تهاجم کرده و چیز بیشتری از آن انرژی را به زندگی شما جلب می‌کند. توحش یکی از اجزاء اصلی سرگرمی‌های تلویزیون است که با



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

آگهی‌های تبلیغاتی کارتل‌های دارویی همراه است و به ما می‌گوید که چگونه شادی را در قرص‌های آن‌ها بیابیم. به مردی که تماشا می‌کند گفته می‌شود که چه داروهایی انرژی زایی برای فائق آمدن به هر نوع بیماری فیزیکی و روانی دارند.

نتیجه‌ای که می‌گیریم این است که اکثر برنامه‌های تلویزیونی در بیشتر اوقات انرژی پایین به زندگی ما وارد می‌کنند. به همین خاطر خواستم که بخشی از زمان خود را صرف حمایت از برنامه‌های غیرتجاری و جایگزین کردن پیام‌های منفی، ناامیدی، توحش، بی‌احترامی با اصول بالاتری تمام کنم که با اصول قصد تناسب دارند.

دامنه‌ی انرژی خود را با عکس بالا ببرید

سخت می‌توان باور کرد که عکاسی یک نوع تولید انرژی است و این‌که عکس‌ها حاوی انرژی هستند. این کار را با قرار دادن عکس‌هایی که در لحظاتی از عشق، شادی و پذیرندگی یا کمک‌های معنوی گرفته شده در محل کار، اتاق، اتومبیل حتی در لباس، جیب یا کیف امتحان کنید.

عکس‌هایی از حیوانات، طبیعت و حالت‌هایی از شادی و عشق را در اطراف خود قرار دهید و بگذارید که انرژی آن‌ها به قلب شما انعکاس یافته و فرکانس بالای انرژی‌شان را به شما انتقال دهند.

از سطوح انرژی خویشاوندان، دوستان و خانواده‌ی خود آگاه باشید.

می‌توانید سطوح انرژی خود را با قرار گرفتن در دامنه‌ی انرژی دیگران که با آگاهی معنوی نزدیک هستند بالا ببرید. سعی کنید در مجاورت کسانی باشید که قدرتمند هستند، احساس پیوند با خداوند می‌کنند و زندگی‌ای می‌کنند



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

که باور دارند روح از طریق آنها عمل می‌کند.

بازخوانی انرژی بالا، انرژی پایین را به صفر رسانده و تبدیل می‌کند، پس سعی کنید در مجاورت کسانی باشید که از انرژی بالا برخوردارند، با روح پیوند دارند و زندگی خود را با قصد پیش می‌برند. در جوار این انسان‌ها خشم، نفرت، ترس و افسردگی از بین می‌روند و به طور معجزه‌آسایی به حالت‌های بالاتر قصد تبدیل می‌شوند.

فعالیت‌های خود و جایی که صورت می‌گیرند بررسی کنید

از انرژی پایین، جایی که الکل، مصرف مواد مخدر یا رفتار وحشیانه و یا تجمعاتی که در آنها مذهب و اخلاقیات یا قضاوت یا تعصب زیاد حاکم هست، حذر کنید.

تمامی این موارد جلوی بالا رفتن انرژی شما را می‌گیرد و شما را با انرژی پایین‌تر هماهنگ می‌کند. خود را در طبیعت غرق کنید، زیبایی را جستجو کنید، در کمپ، پیاده‌روی، شنا، قدم زدن و لذت بردن در جهان طبیعی وقت صرف کنید. در سخنرانی‌های معنوی شرکت کنید، کلاس یوگا بروید، پیام بدهید و بگیرید، به دیرها یا مراکز مراقبه بروید، خانه سالمندان یا بیمارستان کودکان رفته و در صورت نیاز به دیگران کمک کنید. هر فعالیتی دامنه‌ای از انرژی دارد. جاهایی را انتخاب کنید که دامنه انرژی آن‌ها هفت چهره‌ی قصد را انعکاس می‌دهند.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

بدون چشم داشت مهربانی کنید

به کسانی که نیاز دارند کمک مالی کنید و این کار را از سر محبت و ته قلب انجام دهید و انتظار حتی یک تشکر هم نداشته باشید. فکر خود را با یاد گرفتن مهربانی در حالی که نفس خود را مهار می‌کنید فعال کنید. تصویر را از نفس‌تان که انتظار دارد به او بگویید که چقدر خارق‌العاده است کاملاً خالی کنید. این یک عمل ضروری برای پیوند با قصد است چون روح خلاق جهانی اعمال از روی مهربانی را با این پاسخ برمی‌گرداند. چطور می‌توانم به تو محبتی کنم؟ مقداری خرت و پرت جمع کنید و در یک ظرف مناسب بگذارید، به هیچ کس هم درباره‌ی عملتان نگویید. در واقع ساعت‌ها وقت برای پاک کردن و تمیز کردن چیزهایی که شما خود ایجاد نکرده‌اید صرف کنید. هر مهربانی‌ای که نسبت به خود، به دیگران و یا محیط اطراف خود نشان دهید شما را با مهربانی موجود در نیروی قصد جهانی هماهنگ می‌کند. محبت مولد انرژی است و باعث می‌شود این نوع از انرژی به زندگی شما جریان پیدا کند.

این داستان جگرخراش کارت والنتاین از روث مک دونالد آن نوع ایثار را تعریف می‌کند که من پیشنهاد کردم. پسر کوچک نماد شوق والایی است که من راجع به آن گفتم. او یک پسر کوچک خجالتی بود، با بقیه‌ی بچه‌های کلاس اول خیلی صمیمی نبود. وقتی روز والنتاین رسید مادرش از این‌که یک روز عصر از او خواست که بنشینند و اسم همه‌ی بچه‌های کلاس را بنویسد تا او بتواند هدیه‌ای برای هر کدام آماده کند خوشحال شد. به آرامی هر اسمی را به یاد آورده و با صدای بلند



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

میخواند و مادرش اسامی را در تکه‌ای کاغذ می‌نوشت. نگران بود مبادا کسی را فراموش کند.

در حالی که کتابی از والنتاین را با قیچی و چسب و مداد شعی آورده بود، با زحمت آگاهی‌اش را به لیست متمرکز کرد. وقتی تمام شد، مادرش نام‌ها را در تکه‌ای کاغذ نوشت، او نگاه کرده و آن اسم را نسخه‌برداری کرد وقتی اسامی تمام شد، و کارتها بیشتر، رضایت او هم بیشتر شده بود.

همین موقع مادرش دلشوره گرفت که آیا بچه‌های کلاس هم برای او هم برای او هدیه والنتاین می‌آورند. او عصرها چنان با شتاب برای انجام تکالیفش به خانه می‌آمد که به نظر می‌رسید بچه‌ها او را در بازی‌های خود شرکت نمی‌دهند و وجود او را فراموش کرده‌اند. چقدر وحشتناک بود که او با سی و هفت هدیه از عشق به مهمانی می‌رفت ولی می‌دید که هیچ کس به یاد او نبوده. فکر کرد راهی پیدا کند و یواشکی کارت و چند والنتاین بین آنها بگذارد که حداقل از این‌که پسر چند تایی می‌گیرد مطمئن شود. اما پسرک با حسادت آنها را نگاه می‌کرد و با عشق و علاقه می‌شرد و هیچ راهی برای این‌که چیز اضافه‌ای بین آنها قرار داد نگذاشته بود. بالاخره مادرش نقش معمول مادرها را یعنی انتظار کشیدن صبورانه را پذیرفت.

روز جشن والنتاین رسید و مادر او را در حالی که در خیابان برفی به زحمت می‌رفت تماشا کرد، یک جعبه از شیرینی به شکل قلب در یک دست، و یک ساک خرید با سی و هفت هدیه در دست دیگر. مادر با قلبی سوزان او را تماشا کرد. **”دعا کرد: خدایا خواهش می‌کنم، حداقل**



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

چند تا مدیه بگیره." تمام بعد از ظهر دست‌هایش این‌جا و آن‌جا کار می‌کرد و اما قلبش در مدرسه بود. ساعت سه و نیم بافتنی‌اش را برداشت و روی صندلی‌ای نشست که منظره خیابان کاملاً جلوی چشمش بود.

بالاخره، پسر را دید. تنها. قلبش ریخت. از بالای خیابان می‌آمد در حالی که هر چند وقت یک‌بار برمی‌گشت و چند قدم به طرف باد برمی‌داشت. سعی کرد چهره‌اش را ببیند اما از آن مسافت تنها صورت نامشخص گلگونی دیده می‌شد. تا موقعی که او را دید، فقط یک کارت والنتاین در دست کوچک و قرمزش بود. فقط یکی.

احتمالاً آن را هم معلم داده بود. بعد از آن همه کار، بافتنی جلوی چشمش تار شد. اگر می‌شد بین فرزندان و زندگی بایستید! بافتنی را زمین گذاشت و برای دیدن پسر به طرف در رفت.

گفت: چه گونه‌های سرخی، بگذار شال گردنت را باز کنم. شیرینی‌ها خوب بود؟ با صورتی خوشحال و درخشان به طرف مادرش برگشت، و گفت: "میدونی چی شد. من هیچ کدوم رو فراموش نکردم، حتی یکی رو."

زمانی که می‌خواهید سطح انرژی خود را بالا برده و آرزوی‌تان را عملی کنید در تأیید مقاصدتان مشخص عمل کنید. تأکید خود را در جاهایی قرار دهید که بتوانید در طی روز آن‌ها را دیده و بخوانید. برای مثال، من قصد دارم کاری که دوست دارم به زندگی‌ام جذب کنم. قصد می‌کنم که از نظر مالی قادر باشم اتومبیل خاصی را که خودم را در حال رانندگی پشت آن تا سه ماه دیگر تصور کردم، بخرم. قصد کردم که این هفته دو ساعت



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

از وقتم را صرف قشر محروم کنم. قصد می‌کنم که خودم را از این خستگی همیشگی درمان کنم. نوشته‌های این‌گونه انرژی خاص خود را دارند و شما را در بالا بردن سطح انرژی کمک می‌کنند. من خودم این کار را انجام می‌دهم. خانمی به نام لین هول که در تورونتو زندگی می‌کند برای من یک لوح زیبا فرستاده که هر روز به آن نگاه می‌کنم.

در نامه‌اش نوشته بود: «این هدیه‌ای است برای شما، تنها برای شما نوشته شده که سپاس قلبی‌ام را از حضورتان در زندگی‌ام نشان بدهد. نوشته بود: مطمئنم که احساس چیزی جهانی است که برای هر روح دیگری هم روی سیاره که همان بخت خوب را تجربه کرده حرف می‌زند. امیدوارم عشق و نوری که می‌دهید به خود شما با وفور شادی‌آوری برگردد.»
روی پلاک این‌طور نوشته شده بود:

روح
صدای رسایی در تو یافته
در حقایق مرتعش
و شکوه شادی‌آور
روح از طریق تو آشکار شده
در راه‌های پرطنین و بازتابنده
روح از طریق تو به سرور رسیده،
در دست بی‌کران
و دسترسی بی‌پایان
برای همه‌ی آن‌ها بیداری
برای ظرافت هدایای تو
روح هر دو بال و نور را با هم یافته
هر روز این‌ها را برای یادآوری پیوندم با
روح می‌خوانم و می‌گذارم که کلمات از قلب من
به قلب شما جاری شده، مقاصدم را انجام داده



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و با امید کمک به شما که همان کار را انجام دهید.
تا جایی که ممکن است افکاري از بخشش در ذهن خود نگه دارید.
در آزمایش زور بازو، وقتی فکر انتقام در سر می‌پرورانید، ضعیف می‌شوید، در حالی که فکري از بخشش شما را قوي می‌کند. انتقام، خشم و نفرت انرژی‌هاي بسیار پایین هستند و شما را از هماهنگی با خصوصیات نیروي جهانی بازمی‌دارند.
فکر کوچکی از بخشش نسبت به هر کسی که در گذشته شما را خشمگین کرده بدون هیچ عملی از طرف شما، سطح انرژی شما را بالا برده و شما را در مقاصد شخصی تان یاري خواهد کرد.
می‌توانید با فکر خود به روح خدمت کنید و یا با همان فکر خود را از روح جدا کنید.
با وصل شدن به هفت چهره‌ي قصد، به قدرت وصل می‌شوید. اگر جدا شدید نفس‌تان، همه چیز را در دست گرفته است.
این آخرین مانع اتصال شما با قصد است.

خودبزرگبيني شما

در کتاب آتش درون، کارلوس کاستاندا این کلمات را از معلم ساحرش می‌شنود «خودبزرگبيني بزرگترین دشمن انسان است. چیزی که او را تضعیف می‌کند این است که احساس می‌کند از طرف دیگران مورد آزار قرار گرفته است. لازمه‌ي خودبزرگبيني این است که شخص بیشتر زندگی خود را صرف رنجیدن از چیزی یا کسی کند.» این بزرگترین مانع پیوند با قصد است. این جا خیلی راحت می‌توانید ناهماهنگي ایجاد کنید.
اساساً، احساس خودبزرگبيني چیزی است که باعث می‌شود حس کنید مورد خاصی هستید، پس



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

درباره‌ی مفهوم خاص بودن صحبت می‌کنیم. ضروری است که احساس کنید منحصر به فرد هستید. مشکل زمانی بروز می‌کند که شما خود را به عنوان جسم‌تان، کارهایتان و امواتان مشخص می‌کنید. به این شکل مردمی که کمتر از شما کسب کرده‌اند به عنوان فرودست می‌بینید و خودبزرگبینی شما باعث می‌شود که دایم به طریقی از چیزی برنجید. این سوء تعین هویت منشأ بیشتر مشکلات شما و نوع بشر است. احساس اهمیت خاصی کردن ما را به طرف خودبزرگبینی می‌برد. کاستاندا بعد از چندین سال از پیوستنش به جهان ساحران درباره‌ی بیهودگی خودبزرگبینی می‌نویسد.

«هر چه بیشتر درباره‌ی این فکر کردم و هر چه بیشتر حرف زدم و خودم و هموعاتم را مشاهده کردم، بیشتر یقین حاصل کردم چیزی ما را در انجام اعمال یا عکس‌العملها یا افکاری که در آن نفس نقطه‌ی کانونیست بازمی‌دارد.»

وقتی نفس نقطه‌ی کانونی باشد دچار توهم می‌شوید که جسمتان هستید، که ماهیتی کاملاً جدا از دیگران هستید. این حس جدایی به جای همکاری با دیگران شما را به رقابت با دیگران وامی‌دارد. در نهایت، با روح هماهنگ نیست و تبدیل به مانع بزرگی در اتصال شما به نیروی قصد می‌شود. برای رها کردن خودبزرگبینی باید از جایگاه آن در زندگی آگاه باشید. نفس به سادگی ایده‌ای از که بودن شماست که با خود حمل می‌کنید. به طور دقیق به وسیله‌ی کالبدشکافی نفس قابل حذف نیست! این ایده که چه کسی هستید تمام احتمالات پیوند شما با قصد را از بین می‌برد.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

هفت گام برای فائق آمدن به نفس

هفت پیشنهاد در جهت کمک به ارتقاء ایده‌های خودبزرگبینی. تمام این مطالب جهت جلوگیری از هویت دادن غلط به وسیله‌ی خودبزرگبینی طراحی شده اند.

۱- نرنجید

رفتار دیگران دلیل بی‌حرکت ماندن نیست. هر آنچه که شما را می‌رنجاند شما را ضعیف می‌کند. اگر دنبال موقعیتی برای رنجیدن باشید همه جا پیدا خواهید کرد. این نفس شماست که می‌خواهد شما را قانع کند که زندگی نباید این‌طور باشد. اما شما می‌توانید کسی باشید که قدر زندگی را بدانید و با روح خلاق جهانی هماهنگ شوید. با رنجش نمی‌توانید به نیروی قصد برسید. با تمام امکانات سعی کنید ترس‌های دنیوی را ریشه‌کن کنید که از تعیین هویت نفس سرچشمه می‌گیرد.

آرام باشید. همان‌طور که (درسی در معجزات) به ما یادآوری می‌شود:

آرامش از خداست، شما که بخشی از آن هستید در منزل سکنی نخواهید داشت مگر در آرامش او. رنجیدن همان انرژی مخربی را ایجاد می‌کند که در جای اول شما را رنجاند و منجر به حمله و حمله‌ی متقابل و جنگ می‌شود.

۲- از نیاز به برنده شدن بگذرید

نفس عاشق این است که ما را به دو گروه برنده‌ها و بازنده‌ها تقسیم کند. عواقب برنده شدن وسیله‌ای موفق برای جلوگیری تماس آگاهانه با قصد است چرا؟ چون، نهایتاً، همیشه برد امکان ندارد. کسی خوش‌شانس‌تر، سریع‌تر، جوان‌تر، قوی‌تر، جذاب‌تر پیدا خواهد شد و



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

باعث خواهد شد که شما احساس کم‌اهمیتی و بی‌ارزشی کنید.

شما برده‌ها یا پیروزی‌های خود نیستید. می‌توانید از رقابت لذت ببرید و در جهانی که در آن برد همه چیز است سرگرم شوید اما لزومی ندارد که در افکار خود آن‌جا باشید. در جهانی که همه از یک منبع انرژی استفاده می‌کنیم بازنده‌ای وجود ندارد. تنها چیزی که می‌توانید در موعد مشخصی بگویید این است که شما کاری را در سطح مشخصی در مقایسه با سطوح دیگران و در آن روز انجام داده‌اید. اما امروز روز دیگری با دیگر رقیبان و موقعیت‌های جدید است. شما هنوز در حضوری بیکران در یک جسم هستید که روز دیگری پیرتر شد. بیایید تا از نیاز به بُرد با عدم توافق بر این‌که نقطه‌ی عکس برد، باخت است بگذریم.

این ترس نفس است. اگر جسم شما به روشی برنده در این روز عمل نمی‌کند. زمانی که با نفس تعیین هویت می‌کنید اهمیتی ندارد. مشاهده‌کننده باشید، بدون نیاز به بُرد ببینید و لذت ببرید. در آرامش با انرژی قصد هماهنگ باشید و هر چند که به سختی متوجه خواهید شد بیشتر پیروزی‌ها اگر کمتر دنبال آن‌ها بروید در زندگی‌تان ظاهر خواهد شد.

۳- از این‌که همیشه حق با شماست بگذرید

نفس منبع تضادها و تفرقه‌هاست چرا که شما را به جهتی سوق می‌دهد که در آن دیگران همیشه اشتباه می‌کنند. وقتی خصم باشید از نیروی قصد جداییید. روح خلاق مهربان است، عشق است و پذیرنده و بری از خشم، بی‌قراری یا سختی. وقتی از این‌که حق با شماست در مکالمات و یا روابطتان بگذرید مثل این است که به نفس



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

گفته باشید: من برده‌ی تو نیستم. می‌خواهم مهربانی را در آغوش بکشم و اینکه حق با من است را رد می‌کنم. در واقع می‌گذارم این شخص با این فکر که حق با اوست احساس بهتری داشته باشد و از او تشکر می‌کنم که مرا به سمت حقیقت راهنمایی کرده است.

وقتی از اینکه حق با شماست بگذرید، قادر به مستحکم ساختن پیوند با نیروی قصد خواهید بود، البته با در نظر داشتن اینکه نفس همیشه یک دشمن مصمم است. مردمی را دیده‌ام که ترجیح می‌دهند بپرند ولی قبول نکنند که حق با آنها نیست. دیده‌ام که مردم روابط زیبایی خود را با اینکه حق با آنهاست به پایان رسانده‌اند. توصیه می‌کنم از این مسأله بگذرید. در میانه‌ی بحث متوقف شده و از خود بپرسید: آیا می‌خواهم خوشحال باشم یا اینکه حق با من باشد؟ وقتی که حالت شاد، دوست داشتنی و معنوی را انتخاب کنید اتصال شما با قصد محکم می‌شود. این لحظات بالاخره پیوند جدید شما را به سوی نیروی قصد توسعه می‌دهد و مبدا کیهانی در جهت خلق خواسته‌ها یتان همکاری خواهد کرد.

۴- حس برتری را از بین ببرید

اصالت، برتر بودن از دیگری نیست بلکه بهتر بودن از آنچه که اکنون هستید. بر رشد خود با آگاهی دائم از اینکه هیچ کس روی این سیاره از دیگری بهتر نیست، متمرکز باشید. ما همه از یک نیروی زندگی خلاق ظاهر شده‌ایم. ما همه وظیفه داریم هستی‌ای که ما را قصد کرده بشناسیم. همه چیزهایی که برای روند سرنوشتمان لازم است در اختیار ماست. هیچ‌یک از این‌ها وقتی خود را برتر از دیگران ببینید میسر نیست. این یک دید قدیمی ولی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

درست است! ما همه در چشم خداوند یکسان هستیم. با دیدن خدا در هر کسی از حس برتر بودن بگذرید. دیگران را بر اساس ظاهر، کارکردها، دارایی‌ها و سایر خواسته‌های نفس برآورد نکنید. وقتی احساسات برتری‌جویی از خود بروز می‌دهید شما را عقب می‌برد و منجر به رنجش و نهایتاً احساسات خصمانه می‌کند. «درسی در معجزات» این‌طور به نیاز حس برتری و خاص بودن اشاره می‌کند:

خاص بودن همیشه باعث قیاس می‌شود. به واسطه‌ی دیدن نقصانی در کسی ایجاد می‌شود و با جستجو و در ذهن نگه داشتن تمامی نقص‌هایی که می‌شود درک کرد حفظ می‌شود.

ه- از نیاز به بیشتر داشتن بگذرید

مانترای نفس «بیشتر» است. هرگز راضی نمی‌شود. مهم نیست که چقدر کسب کرده باشید نفس شما همیشه می‌گوید که کافی نیست. خود را در وضعیت دائمی تقلا یافته و امکان رسیدن را از دست می‌دهید. در حالی که رسیده‌اید. چگونگی استفاده از این لحظه حاضر انتخاب خود شماست. وقتی بیشتر خواهید، چیز بیشتری از آنچه که آرزوی شما را داشته‌اید به زندگی شما وارد می‌شود. از آن‌جا که از نیاز به آن جدا هستید، دادن آن به دیگران را خیلی راحت می‌یابید چون درخواهید یافت که به منظور راضی و راحت بودن چقدر کم نیاز دارید.

مبدأ جهانی از خود خشنود است. دایم در حال رشد و خلق زندگی جدید است. هرگز به دلیل خواسته‌های خودپسندانه خود سعی به متوقف کردن خلقش نمی‌کند. خلق می‌کند و می‌گذرد. وقتی از نیاز به بیشترخواهی بگذرید با آن وحدت خواهید یافت. شما خلق کنید، به خود جذب کنید و بگذرید، و هرگز طلب بیشتر



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

نکنید. به عنوان يك قدرداني‌کننده از آنچه که هست شما درس پرقدردت سنت فرانسیس آسیزی را یاد خواهید گرفت. «در دادن است که می‌گیریم.» با گذاشتن اینکه وفور از شما جاری شود، با مبدأ خود هماهنگ شده و جریان انرژی را تعیین می‌کنید.

۶- از تعین هویت خود بر اساس کارهایتان بگذرید.

شاید مفهوم سختی باشد که فکر کنید کارهایتان هستید. خداوند تمام نتها را می‌نویسد، تمام سرودها را می‌خواند. تمام ساختمان‌ها را می‌سازد. منبع تمام کارهای شماست. می‌توانم بشنوم که نفس شما با صدای بلند اعتراض می‌کند. با این حال با این ایده در سازش باشید. همه چیز از مبدأ تجلی می‌یابد. شما و آن مبدأ یکی هستید. شما جسم و کارهای آن نیستید. شما بیننده‌اید. همه را ببینید و از توانایی‌هایی که به شما داده شد انگیزه گرفته و موادی که از آن انباشته شده‌اید قدردانی کنید. اما همی اعتبار را به نیروی قصد بدهید که شما را به هستی آورد و شما بخشی مادی شده آن هستید. هر چه کم‌تر به کارهای که کرده‌اید اهمیت دهید، پیوند بیشتری با هفت چهره‌ی قصد داشته و برای اکتساب آزادتر هستید و بیشتر در زندگی شما متجلی می‌شود. زمانی که به کرده‌هایتان وابسته باشید و فکر کنید شما به تنهایی همی این کارها را انجام می‌دهید آرامش و سپاس مبدأ را از دست می‌دهید.

۷- از نام و حرمت خود بگذرید

احترام شما در شما واقع است. در ذهن دیگران جای دارد. پس هیچ کنترلی بر آن ندارید. اگر



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

با سی نفر حرف بزنید، سی نام خواهید داشت. پیوند با قصد یعنی گوش دادن به صدای قلبتان و راهبری خود بر اساس آنچه صدای درونتان به شما می‌گوید. اگر برایتان مهم باشد که دیگران چگونه شما را درک می‌کنند، از قصد جدا شده و گذاشته‌اید که نظر دیگران شما را راهنمایی کند. نفس شماست که کار می‌کند. توهمی است که میان شما و نیروی قصد حائل شده است. کاری نیست که شما قادر به انجام آن نباشید مگر آن‌که از نیروی قصد جدا شده و متقاعد شده باشید که هدفتان باید به نظر دیگران والا بیاید پس انرژی خود را صرف بردن احترام عظیمی از طرف سایر نفس‌ها می‌کنید. هر کاری می‌خواهید بکنید، صدای درونی شما همیشه متصل به مبدأ و سپاسگزار آن است پس به شما جهت می‌دهد. به هدف متمرکز باشید و به نتیجه وابسته نباشید و مسئولیت آنچه در درون رخ می‌دهد بپذیرید (شخصیت شما). احترام خود را رها کنید تا موضوع بحث دیگران باشد، به شما ارتباطی ندارد. مثل عنوان کتابی که می‌گوید: آنچه شما درباره‌ی من فکر می‌کنید به من ربطی ندارد!

این موضوع سه مانع مهم در پیوند شما با قصد را برطرف می‌سازد: افکارتان، انرژی‌تان و خودبزرگ‌بینیتان.

اینجا پنج پیشنهاد برای فائق آمدن بر موانع و اتصال دائم با نیروی قصد ارائه شده است.

پنج راه حل برای بکارگیری مطالب این فصل

۱- به گفتگوی درونی خود دقت کنید
ببینید چقدر از گفتگوی درونی شما بر آنچه از دست داده‌اید، موقعیت‌های منفی و نظر



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

دیگران متمرکز است. هر چه به گفتگوی درونی خود شناخت بیشتری پیدا کنید، همان قدر زودتر قادر به تغییر این عادات درونی از افکار بازدارنده خواهید شد. مثل: آنچه از دست داده‌ام مرا می‌رنجانده، که تبدیل می‌شود به: قصد می‌کنم آنچه را که می‌خواهم جذب کنم و از فکر کردن به چیزهایی که دوست ندارم باز می‌ایستم. این گفتگوی درونی جدید پیوند شما با قصد می‌شود.

۲- لحظه‌های شک و افسردگی را با نور روشن کنید
لحظاتی که خارج از طبیعت برتر شما هستند بررسی کنید. از هر فکری که با قصد ناهماهنگ است اجتناب کنید. به نور وفادار ماندن راه‌حل خوبی است. اخیراً، یک دوست و یک معلم از تقلایی که داشتم باخبر شد و این طور برایم نوشت: «وین به خاطر داشته باش که خورشید پشت ابرها می‌درخشد.» یا به نور که همیشه آنجاست وفادار باش.

۳- از انرژی پایین آگاه باشید
به یاد بیاورید که هر چیزی شامل افکار شما فرکانس انرژی دارد که قابل سنجش است و می‌توان دید که شما را ضعیف می‌کند یا قوی. اگر دیدید در افکاری با انرژی پایین غوطه‌ور هستید یا در انرژی تضعیف کننده و پایین، قضیه را با آوردن ارتعاش بالاتر حل کنید.

۴- با نفس خود حرف بزنید و بگذارید بدانند که امروز هیچ کنترلی روی شما ندارد
در مائویی، در اتاق خواب بچه‌ها مطالب زیر را قاب کرده‌ام که هر روز ببینید. در حالی که به این موضوع می‌خندند پیام ضروری



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

آن را دریافت می‌کنند و با هر کسی که در طول روز ناراحت باشد شریک می‌شوند.

صبح بخیر

این خداست

امروز همه مشکلات شما را برطرف خواهم کرد
من به کمک شما نیاز ندارم، روز
معجزه‌آسایی داشته باشید

۵- به مشکلات به عنوان فرصتهایی برای جاری کردن قصد نرمش‌ناپذیر نگاه کنید:

نرمش‌ناپذیر یعنی فقط آنچه که قصد می‌گویید. قصد دارم به مبداء متصل باشم و از آنجا نیروی مبداء را بدست بیاورم. یعنی در آرامش بودن، قطع وابستگی از موفقیت‌ها و دیدن خود به عنوان ناظر نه به عنوان قربانی و برگرداندن همه چیز به مبداء و دانستن اینکه هر کمک و راهنمایی ای لازم باشد دریافت خواهید کرد.

در حال حاضر مبحث مربوط به سه مانع اساسی در پیوند با قصد را همراه با راه‌حلهایی برای حذف آن‌ها خواندید. در فصل بعد، توضیح خواهم داد که چطور با بالا بردن فرکانس انرژی خود بر اطراف خود تأثیر می‌گذارید و روز خود را در پیوند با قصد سپری می‌کنید. وقتی به نیروی قصد وصل هستید، هر جا که باشید و با هر کس که ملاقات کنید تحت تأثیر شما و انرژی شما قرار خواهد گرفت. وقتی به نیروی قصد تبدیل شوید خواهید دید که چطور خواسته‌هایتان معجزه‌آسا صورت می‌پذیرد و چگونه امواجی در دامنه‌های انرژی دیگران از حضور شما ایجاد خواهد شد و نه بیشتر.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

فصل پنجم

تأثیر شما بر دیگران وقتی با قصد پیوند دارید

«این یکی از زیباترین پاداش‌های زندگی است که می‌گوید هیچ کس بدون کمک به خود قادر به کمک کردن به دیگران نیست. خدمت کن تا خدمتت را بکنند»

رالف والدو امرسون

همین‌طور که خود را در هماهنگی بیشتری با چهره‌های قصد بیابید، کشف خواهید کرد که چگونه دیگران را در روش‌های جدیدی تحت تأثیر قرار می‌دهید.

طبیعت این تأثیر به طور عمیقی در جستجوی شما برای بهره‌برداری از نیروی قصد اهمیت دارد. در دیگران احساسی که در درون خود دارید خواهید دید. این روش جدید دیدن باعث خواهد شد که در حضور شما مردم احساس راحتی و آرامش بکنند و به طور غیر مستقیم همراهان عشق در پیوند شما با قصد باشند.

همان‌طور که در صفحه بعدی خواهید خواند، حافظ می‌گوید که هیچ چیز نمی‌خواهد، حتی اگر شخص «توده مسخره‌ای» باشد و یک قربانی. تنها چیزی که او ادراک می‌کند ارزش الهی اوست، چیزی که پس از پیوند با قصد در آن‌ها خواهید دید.

جواهر ساز (زرگر)

اگر مردی مایوس و ساده

سنگی قیمتی را نزد تنها زرگر شهر برد

و بخواهد که بفروشد

چشمان زرگر

آغاز به بازی خواهند کرد



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

مانند بیشتر چشمانی که در دنیا به شما
نگاه می‌کنند
چهره زرگر آرام خواهد بود
نمی‌خواهد که ارزش واقعی گوهر را آشکار
کند
بلکه می‌خواهد مرد را ترسانده، به طمع
بیندازد
در طول محاسباتش
برای ارزش معامله
اما یک لحظه با من، عزیز من
نشان خواهد داد که هیچ چیز نیست، هیچ
چیزی که حافظ از شما بخواهد وقتی روبروی
استادی چون من بنشینید
حتی اگر توده مضحکی باشید
چشم‌هایم با هیجان آواز خواهند خواند
آن‌ها ارزش الهی شما را می‌بینند

حافظ

آنچه برای دیگران بخواهید دریافت می‌کنید
وقتی خصوصیات قصد جهانی را مرور کنید و
همزمان عهد کنید که آن خصوصیات را بگیرید،
شروع به دیدن اهمیت خواستن برای دیگران
خواهید کرد. اگر برای دیگران آرزوی آرامش
کنید. آرامش دریافت خواهید کرد. اگر آرزو
کنید دیگران احساس محبوبیت کنند. عشق
دریافت خواهید کرد. اگر در دیگران تنها
زیبایی و ارزش ببینید، همان به شما باز
خواهد گشت. تنها چیزی را که در قلبتان هست
می‌دهید و همان را که دیده‌اید پس می‌گیرید.
این موضوع مهمی است. تأثیر شما بر دیگران چه
غریبه، چه عضوی از خانواده، همکار، یا
همسایه مدرکی از قدرت اتصال شما با نیروی قصد
است. به روابطتان بر پایه سالم یا ناسالم
فکر کنید.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

روابط سالم نیروی قصد را در سطح انرژی بالا برای همه کسانی که در ارتباطند آسان می‌کند. روابط ناسالم انرژی را در سطوح پایین‌تر و کندتر نگه می‌دارد. وقتی شروع به دیدن تکامل در هر رابطه ای کنید، قدرت خود را برای بزرگی خواهید شناخت. وقتی به پاک‌دیگران پی ببرید، مانند حالت‌هایی از نیروی قصد با آنها برخورد کرده‌اید و هیچ چیز از آنها نمی‌خواهید. عجیب اینجاست که آنها همکارانی در تجلی خواسته‌های شما می‌شوند. از آنها هیچ نخواهید، هیچ ادعایی نکنید، هیچ توقعی نداشته باشید و آنها تمام مهربانی را باز خواهند گرداند. چیزهایی از آنها بخواهید، در اینکه شما را خشنود کنند پافشاری کنید، به عنوان موجوداتی مادون در مورد آنها قضاوت کنید، آنها را مثل خدمتکارانی ببینید همان را دریافت خواهید کرد. شما را مجاب می‌کنم که از آنچه برای دیگران می‌خواهید آگاه باشید و بدانید که آیا رابطه سالمی با دیگران دارید یا خیر.

رابطه سالم

یکی از حقایقی که در سال‌های رشد خودم متوجه آن شدم این است که اگر قادر به دیدن و احترام گذاشتن تکامل دیگران نباشم محال است بتوانم تکامل خود را بشناسم. قدرت دیدن خود به عنوان بیانی موقت از قصد و دیدن خود در کل بشریت ویژگی رابطه سالم است. این توانایی احترام به دیگران است، جایی که همه ما یکی هستیم.

در یک رابطه ناسالم، خود را جدا از دیگران می‌بینید. احساسی است از این که دیگران وسیله‌ای برای راضی کردن خواسته‌های نفس هستند و کسانی هستند برای کمک به شما



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

تا آنچه در زندگی از دست داده‌اید به دست بیاورید. در هر نوع از رابطه، این حالت از جدایی و زرنگی مانعی میان شما و نیروی قصد ایجاد می‌کند، علائم رابطه ناسالم کاملاً واضح هستند: مردم حالت تدافعی می‌گیرند، هراسناک، ستیزه‌جو، سرد و رسمی می‌شوند و تمایلی به بودن در کنار شما ندارند.

وقتی شروع به تغییر افکار خود در جهت بالا بردن ارتعاشات انرژی می‌کنید و خواسته‌های نفس را می‌کاهید شروع به توسعه رابطه‌ای سالم با دیگران می‌کنید.

آن زمان همه را کامل ادراک می‌کنید. وقتی بتوانید تفاوت‌ها را در دیگران به صورت لذتبخش یا جالب در بیاید آن زمان هویت خودتان را به صورت نفس از دست می‌دهید. رابطه سالم روشی برای هماهنگی با مبداء جهانی خلقت و شادی توأم با آرامش است. هر رابطه‌ای، یا حتی برخورداری، از دیدگاهی سالم، نزدیک شدن به خویش و همزمان کشف پیوند با نیروی قصد است.

اخیراً، در یک سوپر مارکت، از کارمند دیوانه‌ای که پشت صندوق غذاهای دریایی بودم پرسیدم که آیا می‌داند کجا می‌توانم ماهی آزاد دودی پیدا کنم علیرغم بدی رفتارش خودم رامتصل به او دیدم. مردی که کنارم ایستاده بود، تقاضای مرا شنید و حرکت ناشایست کارمند را دید. غریبه لبخندی زد و به گوشه دیگری از مغازه رفت و با یک بسته ماهی آزاد دودی برگشت و آن را به دست من داد. او چیزی را که می‌خواستم به من داد؟ چه تصادفی؟ وقتی خود را در پیوند با دیگران حس می‌کنم و انرژی رابطه سالم انعکاس می‌دهم، مردم با مهربانی به من پاسخ می‌دهند و از



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

راه خود خارج شده و مرا در قصدم یاری می‌کنند.

در مثالی دیگر، به خاطر نقص فنی که منجر به ابطال بلیط شده بود از یک خط هوایی به خطی دیگر منتقل شده بودم. در خط هوایی اصلی که در شهر خودم واقع بود. مردم مرا می‌شناختند و کمک می‌کردند. من رابطه سالم را با همه، چه پشت صندوق، در قسمت بار، بازرسی و هواپیما با همه برقرار کردم. در این روز خاص مرا به قسمت دیگری از فرودگاه فرستادند در حالی که هفت جعبه کتاب و نوار داشتم که باید بازرسی می‌شد. مایا به عنوان کمک دستم با من بود، در حالی که ارا به‌ای پر از بار و هفت جعبه سنگین را جلو می‌بردیم. مأمور قسمت مسافری گفت که خط هوایی آن‌ها بازرسی دو بسته بیشتر را اجازه نمی‌دهد، دو بسته برای من و دو بسته برای مایا سه بسته دیگر را باید بگذاریم بمانند و گفت که این قانون است.

اینجاست که رابطه سالم با یک غریبه قدرت بیشتری در جهت یاری قصد شما نسبت به یک رابطه ناسالم دارد. به جای برخورد با آن خانم و گفتن این که ایشان کارمند آنجا هستند و وظیفه دارند کار مرا انجام دهند تصمیم گرفتم که با او پیوند حاصل کنم. گذاشتم بفهمد که حتی کمی هم عصبانی نشده‌ام و تصور کردم که برای تنظیم کار عده زیادی که در برنامه این پرواز نبودند چه احساسی دارد. احساس پیوند کردم و ناراحتی‌ام را از اینکه با این بسته باید چه کنم و از اینکه خط پرواز اصلی‌ام با بردن همه آن‌ها موافقت کرده بود، ابراز کردم. از او دعوت کردم که در سخنرانی‌ای که ماه آینده در شهر داشتم به



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

عنوان مهمان من شرکت کند. کل مکالمه ما و کل واکنش‌هایمان به وسیله قصد شخصی من هدایت شد که این رابطه سالم بماند.

انرژی این رابطه متقابل از ضعیف به قوی تبدیل شد. به هم وصل شدیم و خویش خود را در هم دیگر تشخیص دادیم و او با لبخندی تمام بسته های را بازرسی کرد. هرگز فراموش نمی‌کنم که وقتی کارت بارها را می‌داد به من چه گفت: وقتی با ارابه و همه آن جعبه‌ها می‌آمدید، تصمیم من بر این بود که نگذارم آن‌ها را به داخل هواپیما ببرید، بعد از چند لحظه که با شما بودم اگر می‌شد خودم آن‌ها را به هواپیما می‌بردم. از آشنایی شما خیلی خوشوقت شدم. از شما متشکرم و امیدوارم در آینده هم با خط هوایی ما پرواز کنید.

این‌ها دو نمونه ساده بودند از اینکه وقتی آگاهانه از رابطه ناسالم تحت کنترل نفس به تجربه پیوستگی از طریق نیروی قصد تغییر حالت بدهید چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ توصیه می‌کنم رابطه‌ای سالم با مبداء با جامعه، همسایه‌ها، خویشاوندان، خانواده. قلمرو حیوانات، سیاره ما و خودتان ایجاد کنید. درست مانند مثال‌های من از مردی که در فروشگاه ماهی آزاد دودی برایم آورد و کارمند خط هوایی که مرا یاری کرد شما نیز رابطه سالم لذت خواهید برد. این کل چیز است که درباره رابطه گفتم. تنها قادر به انجام کاری نیستیم.

وقتی کسی را ملاقات می‌کنید، آن را به برخورداري سالم تبدیل کنید. از طریق دیگران است که خود را پیدا می‌کنیم و به خود عشق می‌ورزیم. چرا که هیچ چیز بدون دیگران به دست نمی‌آید. «درسی در معجزات» می‌گوید: تنها کاری از ما ساخته نیست.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

اما با هم افکارمان در چیزی ترکیب می‌شود
که نیرویش در دور دست است .
نیروی بخش‌های مختلف آن قلمرو پادشاهی به
تنهایی دست یافتنی نیست .
و شما که قلمرو پادشاهی هستید .
در تنهایی خود را نمی‌یابید .

وقتی مفهوم جدایی را از افکار و رفتارمان
حذف کنید، شروع به حس پیوستگی با همه چیز و
همه کس می‌کنید. حس تعلق می‌کنید که شما را
قادر به استهزاء هر گونه فکری از جدایی
می‌کند. حس پیوستگی جوانه زده و به شما کمک
می‌کند که تمام روابطتان را از نقطه‌نظر
تساوی به اجرا در بیاورید. با شناخت
دیگران به عنوان همکاران، خود را با مبداء
همه‌چیز می‌کنید و به وقار می‌رسید. اگر خود
را برتر یا فروتر ببیند از نیروی قصد جدا
می‌شوید. خواسته‌هایتان عملی نخواهد شد مگر
این که با دیگر مردم پیوند حاصل کرده و
آنها را حمایت کنید.

چگونگی رابطه شما با گروه حمایت جهانی اهمیت
دارد. طرز دیدن دیگران بازتابی است از
چگونگی دید شما از خودتان. بی‌ارزش دیدن
دیگران یعنی ایجاد مانعی در نیروهای متحد با
شما. ضعیف دیدن دیگران، انرژی‌های ضعیف رابه
سوی شما می‌کشد. وقتی مدام دیگران را نا
صادق، تنبل، گناهکار و غیره ارزیابی کنید
یعنی دوست دارید خودتان را برتر بدانید.
همیشه دید انتقادی به دیگران داشتن یعنی از
چیزی می‌ترسید. اما لزومی ندارد که این
سیستم روان‌شناسی را درک کنید.

تنها کاری که باید بکنید این است که دید
خود را نسبت به بقیه شناسایی کنید. اگر
موردی بود که در دیگران به صورت نقصی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

می‌بینید، آن چیز است که به زندگی خود جذب می‌کنید.

خیلی مهم است که رابطه‌ها را به صورت برخورد های سالم ببینیم چرا که طرحی از انرژی جذب کننده را به حرکت در می‌آورد. در یک رابطه سالم شما همکاری انرژی‌های بالاتر را جذب می‌کنید. در یک رابطه ناسالم نیز طرح جذب کننده وجود دارد که انرژی‌های پایین و روابط ناسالم‌تری را جذب می‌کند. با آوردن انرژی بالاتر معنوی در برخورد با هر کسی انرژی‌های پایین را از بین می‌برید. وقتی انرژی‌های مهربانی، عشق، پذیرندگی و وفور در روابط شما حضور داشته باشد، اکسیر خلقت معنوی یا عشق خالق را ترکیب کرده اید. حالا این نیروها شروع به کار بر روی تمام افراد اطراف شما می‌کنند. و مردمی که به آن‌ها نیاز دارید به طور معجزه‌آسایی در اطرافتان جمع می‌شوند. مواد ضروری پیدا می‌شوند. تلفن زنگ می‌زند و کسی اطلاعاتی را که ماه‌ها منتظرش بودید به شما می‌دهد. غریبه‌ها پیشنهادهای خوبی می‌کنند. این نوع اتفاق‌ها مانند زاویه‌های ریاضی هستند که منطبق می‌شوند یا به خوبی با هم تناسب پیدا می‌کنند. با بقیه مثل همکاران خلقت رفتار کنید و آرزوهای الهی برای آن‌ها داشته باشید. هیچ‌کس را عادی نبینید مگر اینکه بخواهید عادی در زندگیتان راه باز کند.

از عادی به خارق‌العاده

داستان مشهور لئوتولستوی تحت عنوان «مرگ ایوان ایلیچ» یکی از قطعه‌های ادبی محبوب است. تولستوی ایوان ایلیچ را به صورت مردی که با توقعات دیگران انگیخته می‌شد وقادر به زندگی با رویاهای خود نبود توصیف



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

می‌کند. خط اول فصل دوم این داستان می‌گوید: «زندگی ایوان ایلیچ ساده‌ترین، معمولی‌ترین بنابراین وحشتناک‌ترین زندگی‌ها بود.» تولستوی زندگی معمولی را وحشتناک توصیف می‌کند. یا این قدر هم دیگر نمی‌توانم موافق باشم.

اگر توقعات شما برای خودتان نرمال بودن، سازگاری و شخصی عادی بودن باشد در دامنه انرژی‌های عادی قرار می‌گیرید و آن را به زندگی خود جذب می‌کنید. به علاوه تأثیر شما بر دیگران به عنوان نیروهای متحد در خلق مقاصد شما نیز در حول و حوش عادی خواهد چرخید. نیروی قصد زمانی رخ می‌دهد که با نیروی جهانی خلقت هماهنگ باشید که هر چیزی هست اما عادی نیست. این نیروی است که مسئول تمام خلقت است. همیشه در حال توسعه است و در شیوه‌های بی‌پایان و فور تفکر و خلق می‌کند. وقتی به این انرژی بالاتر تغییر یافته و در هماهنگی بیشتری با قصد باشید به آهن‌ربایی برای جذب این انرژی به دنیای خود تبدیل می‌شوید. شما هم همین اثر را بر هر کس و هر چیزی که با شما در تماس است خواهید داشت.

یکی از وسایل مؤثر برای صعود از عادی به خارق‌العاده گفتن بلی و حذف خیر است. من به آن آری گفتن به زندگی می‌گویم. به خودتان، خانواده‌تان، فرزندان‌تان، همکاران‌تان و شغل‌تان آری بگویید. انسان عادی می‌گوید نه، فکر نمی‌کنم بتوانم این کار را انجام بدهم. نه، قبلاً سعی کردم بیهوده بود. نه، این قصد برای من غیر ممکن است. با ایده نه، نه‌های بیشتری به زندگی خود جذب می‌کنید و تأثیر شما بر دیگران که می‌توانید به آن‌ها کمک کنید و کسانی که می‌توانید بر کمک آن‌ها متکی باشید



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

نیزنه است. يك بار ديگر توصيه مي‌كنم روش حافظ را پيش بگيريد:

به ندرت مي‌گذارم

نه از دهانم خارج شود

براي روحم بسيار آسان است

خداوند به همه حرکتهای نورانی هستی

فرياد زد: آري آري آري

تا جایی که ممکن است به همه آري بگويد. وقتی کسی از شما براي انجام کاري اجازه مي‌گيريد، قبل از گفتن نه، از خود بپرسيد آیا مي‌خواهيد آن شخص در سطح عادي زندگي باقي بماند. وقتی پسرم ساندرز هفته پيش گفت که محل ديگري را براي موج سواري امتحان خواهد کرد، اول خواستم بگويم، خيلي خطرناک است، قبلاً آنجا نبود، ممکن است صدمه ببيني و غيره. اما بررسی کردم و او را در اين ماجراي تازه همراهي کردم. آري من زندگي او را به طور مثبتی تحت‌تأثير قرار داد.

وقتی آري رابه صورت مانترای درونی خود در بياوريد، به شما اجازه مي‌دهد که آن را به خارج از خود توسعه داده و آري‌های بیشتری را به مقاصد شخصی خود وارد کنید. آري نفس خلقت است.

به منظره آب هنگام فرو رفتن در رودخانه فکر کنید، درست همان لحظه رودخانه مي‌شود. به رودخانه در هنگام فرو رفتن در اقیانوس و لحظه‌ای که اقیانوس مي‌شود فکر کنید. مي‌توانيد نجوای آري را در آن لحظات بشنوید. وقتی با نیروي جهانی خلقت در گسترده آري به هر جاي ممکن يکی مي‌شوید، به خود آن نیروي خلقت تبديل مي‌شوید.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

این تأثیر شما بر دیگران خواهد بود. نه عادی بیشتری در زندگی شما نخواهد بود و به خارق عادی تبدیل می‌شوید:

عادی بودن نیاز به گیر افتادن در چرخه‌ای مانند ایوان ایلچ دارد. وقتی در چرخه‌ای باشید سایر ساکنین آن را جلب می‌کنید و تأثیر متقابل شما ماندن در چرخه عادی شکایت کردن، ایراد گرفتن و امید برای روزهای بهتر است. نیروی جهانی قصد هرگز شکایت نمی‌کند، خلق می‌کند و راه‌های بزرگی را ارائه می‌دهد. کسی را قضاوت نمی‌کند و جایی گرفتار نشده که امید به بهتر شدن اوضاع داشته باشد. مشغول خلق زیبایی است. همچنان که سطح انرژی خود را از چرخه روانی‌ای حرکت می‌دهید، تأثیر بالا برنده‌ای بر تمام کسانی که در آن گرفتارند خواهید گذاشت. به علاوه به بیشتر آن‌ها کمک خواهید کرد که همان تأثیر را داشته باشند و متحدین جدیدی در انجام مقاصدشان خلق خواهید کرد. از هویت عادی خود آگاه باشید و شروع به ارتعاش در فرکانس‌های انرژی بالاتر کنید که تغییری به سوی بالا به طرف ابعاد خارق‌العاده قصد خالص داشته باشید.

چگونه انرژی شما بر دیگران اثر می‌گذارد وقتی احساس پیوند و هماهنگی با قصد بکنید، تفاوت اساسی‌ای در بازتاب دیگران نسبت به خود خواهید دید. از این بازتاب‌ها آگاه باشید چرا که به طور مستقیم بر توانایی‌های شما در انجام مقاصد فردی مربوط می‌شوند.

هر چه بیشتر به فرکانس‌های مبداء خلاق جهانی پاسخ دهید همان قدر تأثیر بیشتری بر دیگران گذاشته و انرژی‌های پایین آن‌ها را از بین می‌برید. به طرف شما جذب می‌شوند، آرامش، شادی، عشق، زیبایی و وفور به زندگی شما



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

می‌آورند. چیزی که از پی آن می‌آید چگونگی تأثیر شما بر دیگران است وقتی که به قصد پاسخ می‌دهید و اینکه چقدر تأثیر شما بر دیگران متفاوت است وقتی که به واسطه نفس جدایی طلب شما کنترل شود. اینجا چند راه مهم که از طریق آن‌ها بر دیگران اثر می‌گذارید ارائه شده است.

حضور شما القاء کننده آرامش است وقتی شما با نیروی قصد هماهنگ باشید، حضور شما اثر آرام‌بخش بر دیگران دارد. مردم احساس آرامش بیشتر، امنیت و راحتی بیشتر می‌کنند نیروی قصد نیروی عشق و پذیرندگیست. چیزی از کسی نمی‌خواهد، کسی را مورد قضاوت قرار نمی‌دهد و دیگران را تشویق به آزادی می‌کند، به این که خودشان باشند. وقتی مردم از حضور شما آرام‌تر می‌شوند، به واسطه فرکانس‌های انرژی شما احساس امنیت هم می‌کنند. احساسات آن‌ها به وسیله انرژی عشق و پذیرندگی شما ترغیب می‌شود و دوست دارند که پیش شما باشند. همان‌طور که والت ویتمن گفت: ما با حضورمان متقاعد می‌شویم.»

اگر در عوض انرژی‌های پایین‌تر قضاوت، خصومت، خشم، تنفر یا افسردگی در رفتارشان نشان دهید، همان سطح از انرژی را اگر در کسانی که با آن‌ها رو در رو هستید کمین کرده باشد جذب می‌کنید. مانند نیروی متقابلی در مورد انرژی‌های همسان اگر در دیگران حضور داشته باشند عمل می‌کنند. تأثیر فرکانس‌های پایین‌تر را در آن سطح شدت داده و دامنه‌ای ایجاد می‌کنند که در آن تقاضاها به عنوان نتیجه‌ای از احساس مقاومت یا مقابله جا می‌گیرند.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

قصد بر علیه هیچ چیزی واکنش نشان نمی‌دهد. مانند نیروی جاذبه می‌ماند که بر علیه هیچ چیز حرکت نمی‌کند و نه خودش حرکت می‌کند. به تأثیرگذاری بر دیگران مانند نیروی جاذبه فکر کنید بدون نیازی به حرکت بر علیه چیزی یا کسی یا حمله به کسی. مردمی که از حضور شما نیرو می‌گیرند به ارواح خویشاوند تبدیل می‌شوند. این اتفاق فقط زمانی می‌افتد که آن‌ها احساس امنیت بیشتری کنند نه تهاجم. امنیت نه قضاوت و آرامش نه نگرانی

حضور شما باعث می‌شود دیگران احساس انرژی کنند

به یاد می‌آورم وقتی که یک جلسه دو ساعته با یک استاد معنوی را ترک می‌کردم حس می‌کردم می‌توانم دنیا را از لحاظ معنوی و احساسی فتح کنم. قدیس مادر میرابود، که سر مرا در دست‌هایش گرفته و با آن الوهیت بدون خویش پایش به چشم‌هایم خیره شد. چنان احساس انرژی ای به من دست داد که آن شب اصلاً نخوابیدم. من از آنچه این موجود شادی آور از حضور خود به من نشان داد بیشتر می‌خواستم.

وقتی فرکانس‌های قصد را به حضور دیگران می‌آورید، آن‌ها از کنار شما بودن احساس انرژی می‌کنند لازم نیست حرفی بزنید. لازم نیست طور خاصی رفتار کنید. انرژی شما به تنهایی باعث می‌شود دیگران احساس کنند به طرز اسرارانگیزی نیرو گرفته‌اند. همین‌طور که آگاهانه شروع به بیان هفت چهره قصد می‌کنید، خواهید دید که دیگران در مورد تأثیر شما بر آن‌ها صحبت خواهند کرد. آن‌ها می‌خواهند به شما در برآورده ساختن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

خواستگاران هایتان کمک کنند. آنها انرژی گرفته‌اند و داوطلب کمک به شما هستند. آنها حتی آغاز به پیشنهاد کمک مالی برای برآورده شدن خواسته‌هایتان با ایده‌های جدید پرانرژی‌شان می‌کنند. همین‌طور که در آگاهی نیروی قصد رشد می‌کنم، به من گفته شد که بدون انجام کار خاصی، فقط با گذراندن یک عصر جایی و یا غذا خوردن در یک رستوران تأثیر گذار هستم. مردم به من می‌گویند که بعد از ملاقاتان احساس اعتماد به نفس بیشتر و عزم راسخ‌تری می‌کنند. من کاری نمی‌کنم. آنها از دامنه بالای انرژی که شریک می‌شویم تأثیر می‌گیرند.

حضور شما باعث می‌شود دیگران درباره خودشان احساس بهتری داشته باشند.

آیا شده از حضور در کنار کسی احساس بهتری درباره خود داشته باشید؟ انرژی دلسوز آنها تأثیر بسیار مطبوعی بر این دارد که نسبت به خود حس بهتری داشته باشید و در حالیکه پیوند خود را با قصد توسعه می‌دهید با همان انرژی دلسوز بر دیگران تأثیر بگذارید. مردم حس خواهند کرد که به آنها اهمیت می‌دهید، درکشان می‌کنید و به آنها به عنوان افراد منحصر به فردی علاقه‌مند هستید. با این نوع پیوند با قصد نیاز به متمرکز کردن مکالمه بر خود ندارید و از دیگران برای ماساژ دادن نفستان استفاده نمی‌کنید.

برعکس، هم جواری شخصی بی‌تفاوت و متکبر اثر کاملاً متفاوتی بر شما می‌گذارد. اما اگر انرژی پایین به دیگران منتقل می‌کنید، آنها احساس خوبی نسبت به فرد نمی‌کنند مگر اینکه به طور محکمی با قصد پیوند داشته باشند که



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

بتوانند از تأثیر انرژی پایین خلاص شوند. اگر هر موضوعی را بهانه‌ای برای صحبت درباره خود بکنید افکار و رفتارهای ناشی از انرژی بسیار پایین به طور آشکار بروز خواهد کرد. هر رفتار مشابه دیگری انرژی تحت کنترل نفس بروز داده و تأثیر نامطبوع بر دیگران می‌گذارد. به علاوه باعث میشود درباره خود احساس بی‌اهمیتی بکنند، و چنانچه این اتفاق تکرار شود احساس بدتری نسبت به خود خواهند داشت.

حضور شما باعث می‌شود دیگران احساس وحدت بکنند

تأثیر بودن در حضور کسی که فرکانس‌های بالای انرژی ساطع می‌کند احساس وحدت و پیوند با تمام طبیعت، انسان‌ها و قصد است. وقتی فرکانس‌های خود را بالا می‌برید، تأثیر شما بر دیگران از آن‌ها دعوت می‌کند که در همان گروه قرار بگیرند. شما متحد شده و مایل به کمک در انجام یک هدف جمعی هستید.

عکس این حس وحدت، احساس تجزیه و بریدگی است. انرژی پایین همیشه تقاضاهایی دارد و همیشه بر علیه دیگران حرکت می‌کند. پس بدون بروبگرد شرایطی از برد و باخت ایجاد خواهد کرد. انرژی‌هایی ناشی از مخالفت، قضاوت، نفرت و نظیر آن‌ها وضعیتی پیش می‌آورند که در آن کسی بازنده می‌شود. وقتی دشمنی دارید، نیاز به ایجاد سیستم دفاعی هم دارید و نیاز به دفاع از خود، طبیعت رابطه شما می‌شود. نیاز به مقابله در یک شخص شرایط را برای جنگ آماده می‌کند. جنگ همیشه بهای گزافی دارد. که البته تماماً قابل اجتناب با پیوند با قصد و آوردن انرژی بالاتر به روابطتان



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

می‌باشد و باعث می‌شود آن‌هایی که با شما روبرو می‌شوند احساس وحدت با شما، با هر کس دیگر، با طبیعت و با خدا داشته باشند.

حضور شما حسی از عزم را القاء می‌کند

وقتی در انرژی‌های معنوی بالاتر هستید، چیزی به دیگران عرضه می‌کنید که غیر قابل توضیح است. حضور و رفتار شما از فضای عشق، عدم داوری و مهربانی وسیله‌ای می‌شود که دیگران از طریق آن احساس عزم در زندگی خود کنند.

با ماندن در انرژی‌های بالای خوشبینی، بخشش، درک، احترام به روح، خلاقیت و شادمانی این انرژی را انعکاس داده و انرژی‌های پایین‌تر را با ارتعاشات بالای خود تبدیل می‌کنید. مردمی که به طور غیر عمدی تحت‌تأثیر قرار می‌دهید شروع به احساس صمیمت با شما می‌کنند و هدف خود شما، که در حول و حوش خدمت به دیگران، پس خدمت به خداوند در جریان است، انجام می‌پذیرد و به عنوان پاداش شما متحدینی خلق می‌کنید.

از هزاران نفر شنیده‌ام که حضور در یک جلسه سخنرانی کلیسا جایی که پیام امید، عشق و مهربانی بوده، برای عزم آن‌ها در دنبال کردن هدفشان کافی بوده است. وقتی سخنران من باشم، همیشه از در عقب وارد می‌شوم برای اینکه زمانی برای گرفتن انرژی امید، خوشبینی و عشق داشته باشم. می‌توانم انرژی جمعی آن‌ها را حس کنم. مانند موج آرامی از لذت است مثل اینکه دوش آب گرمی در درونم باز باشد. این انرژی است. این ماده قصد است که با قدرت دیگران را در عزم و امیدواری کمک می‌کند.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

حضور شما باعث می‌شود دیگران به ارتباط شخصی امیل اعتماد کنند.

با آوردن خصوصیت قصد نزد دیگران، اجازه می‌دهید که اعتماد حضور داشته باشد. خواهید دید که دیگران تمایل دارند با شما دردل کنند که مربوط به کیفیت اعتماد می‌شود. در فضایی با انرژی بالاتر مردم اعتماد می‌کنند و دوست دارند داستان‌های شخصی‌شان را با شما سهیم شوند. با چنین پیوندی، بیشتر خداگونه هستید، چه کسی بیشتر از خداوند مایل به سهیم شدن در اسرار شماست؟ اخیراً، یک روز در یک برنامه تماشای نهنگ، خانمی غریبه تمام داستان زندگیش را درباره روابط شکست خورده و احساس سرخوردگی‌اش برای تعریف کرد. در مکالمه با من، در دامنه انرژی که باعث ایجاد اعتماد می‌شود او این خطر را پذیرفت که مسائل زندگیش را با یک غریبه در میان بگذارد. (این مسأله اغلب از زمانی که اصول هفت چهره قصد را رعایت می‌کنم رخ می‌دهد.) همان‌طور که سنت فرانسیس آسیزی گفت: «راه رفتن به جایی برای موعظه فایده‌ای ندارد مگر اینکه راه رفتن ما وعظ ما باشد.» بالاخره، پی می‌برید که با حمل این انرژی قصد حتی غریبه‌ها هر کاری بتوانند در جهت مقاصد شما انجام می‌دهند.

وقتی فرکانس‌های انرژی پایین‌تر از شما ساطع شود نتیجه برعکس است. اگر انرژی غیر قابل اعتماد شما خود را به صورت هیجان، قضاوت، استبداد، برتری و خواسته بروز دهد، دیگران مایل به کمک به شما نیستند. حقیقت این است که ارسال انرژی پایین از طرف شما اغلب باعث می‌شود که دیگران میل به تداخل با مقاصد شخصی شما داشته باشند. چرا؟ چون انرژی‌های



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

پایین شما به ایجاد نیروی متقابل و تضاد کمک می‌کند، پس برنده و بازنده ضروری می‌شود و دشمن‌ها خلق می‌شوند که همه ناشی از عدم تمایل شما به پیوند با قصد ناشی می‌شود.

حضور شما در دیگران الهامی در جهت بزرگی ایجاد می‌کند

وقتی به روح متصل هستید و کاملاً این آگاهی را منعکس می‌کنید به منبعی از الهام برای دیگران تبدیل می‌شوید. به نوعی، این یکی از قوی‌ترین تأثیرات اتصال با قصد است که به دیگران منتقل می‌شود. کلمه الهام *inspiration* یعنی *in-spirit* (در روح). در واقع در روح بودن یعنی شما با حضورتان بیشتر از حرف زدن الهام بر می‌انگیزید شما نمی‌توانید با بلند حرف زدن، اصرار و خواستن اینکه به نقطه نظرات شما گوش کنند در دیگران الهام برانگیزید.

در تمام سال‌هایی که درس دادم، نوشتم، سخنرانی کردم و نوارهای ضبط صوت و ویدیو پر کردم، روند دوگانه‌ای را مشاهده کردم. من در تمام امورم خود را مصمم، الهام گرفته و متصل به روح جهانی قصد حس می‌کنم و هزاران حتی میلیون‌ها نفر در نتیجه الهام گرفتن خود من الهام می‌گیرند. عامل دوم گروه وسیعی از مردم هستند که مرا در کارم کمک می‌کنند. آن‌ها برای من مطالبی می‌فرستند، داستان‌های الهام برانگیز می‌نویسند که از آن‌ها استفاده می‌کنم و به طور واقعی همکاران من می‌شوند. وقتی با حضور خود در دیگران الهام برانگیزید از نیروی قصد برای منفعت تمام کسانی که با شما در تماس هستند که شامل خود شما نیز می‌شود استفاده می‌کنید.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

با تمام قلبم از این روش حمایت می‌کنم و بدون شك می‌دانم که شما هم می‌توانید با حضور خود الهام برانگیز باشید.

حضور شما دیگران را با زیبایی در يك صف قرار می‌دهد

وقتی در پیوند با قصد هستید، زیبایی را همه جا و در همه چیز می‌بینید چون کیفیت زیبایی از خود منعکس می‌کنید و جهان ادراکی شما به طور هیجان‌انگیزی عوض می‌شود. در انرژی بالاتر قصد، زیبایی را بدون هیچ‌گونه تبلیغی در همه، پیر و جوان، فقیر و غنی، سیاه و سفید می‌بینید. همه چیز از نقطه نظر تقدیر و نه قضاوت ادراک می‌شود. وقتی حس تقدیر از زیبایی را به حضور دیگران می‌آورید، مردم مایل می‌شوند که خود را طوری ببینند که شما آن‌ها را می‌بینید. وقتی در جریان آن انرژی بالاتر زیبایی قرار می‌گیرند خود را جذاب‌تر و بهتر حس می‌کنند. وقتی مردم احساس زیبایی کنند، در روش‌های زیبایی عمل می‌کنند. آگاهی شما از زیبایی باعث می‌شود دیگران جهان اطراف خود را به همان شکل ببینند. یک بار دیگر سودی دوگانه حاصل می‌شود. اول، شما به دیگران کمک می‌کنید تا قدر زندگی را بدانند و با فرو رفتن در جهان زیبایی شادتر باشند. دوم، قصد خود شما یاری مردمی را که به عزت نفس خود پی برده‌اند دریافت می‌کند. وقتی در پیوند با قصد باشید، زیبایی از حضور شما افزایش می‌یابد.

حضور شما القاء کننده سلامتی است نه بیماری

اتصال شما با مبداء باعث می‌شود که به آنچه در زندگی می‌خواهید متمرکز شوید و هیچ



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

انرژی صرف آنچه نمی‌خواهید نکنید. این تمرکز درونی اجازه نمی‌دهد که شکایت کنید، یا در مورد بیماری، درد یا هر شکل جسمانی دیگری فکر بکنید. انرژی شما همیشه در حال ایجاد عشق و توسعه تکاملی است که شما از آن هستی یافته‌اید. این شامل جسم و تمام باورهای شما درباره خویش فیزیکی‌تان می‌شود. در قلبتان می‌دانید که جسم شما سیستم معجزه‌آسایی است. احترام زیادی به توانایی خیره‌کننده آن در بهبود دادن خود و عمل کرد خودبخودی آن بدون دخالت شما قائل می‌شوید. می‌دانید که خویش فیزیکی‌تان با نیروی الهی برانگیخته می‌شود که قلباش را به طپش در می‌آورد غذایش را هضم می‌کند، ناخن‌هایش را بلند می‌کند و همان نیرو پذیرنده و فور بی‌پایان سلامتی است.

وقتی در حضور دیگران قدردانی سالمی از معجزه‌ای که در جسم‌تان است انجام می‌دهید، تلاش‌های آن‌ها را برای بیماری، ناسالم بودن و پسرفت بهم می‌ریزید.

در واقع، هر چه دامنه انرژی بالای شما شدت بیشتری داشته باشد، بیشتر قادر به تأثیر گذاشتن روی دیگران با انرژی شفابخش خود هستید. (به فصل ۱۲ در رابطه با درمان و قصد رجوع کنید). از توانایی خیره‌کننده خود در تأثیر بر درمان اطرافیان فقط با حضور خاموش انرژی بالای متصل خود با قصد آگاه باشید. این انرژی بی‌شائبه‌ای است که از شما متجلی می‌شود.

با امید به این که اهمیت بالا بردن سطح انرژی خود را درک کنید، این فصل را با بخشی در مورد این که چگونه کل تمدن ما در زمانی که سطوح انرژی با مبداء خلقت همسان باشد تحت تأثیر قرار می‌گیرد، به آخر می‌رسانم. نیاز به



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

يك فكر باز و كمی وسعت از جانب شما دارد. به هر حال چیزيست كه می‌دانم درست است و اگر از آن می‌گذشتم قصور می‌کردم. ممكن است به نظر عده‌اي كه قادر به دیدن روش‌هایی كه در آن‌ها همه ماروي این سیاره به هم وصل هستیم و بنابراین همدیگر را از فاصله‌هایی غیر قابل تشخیص به وسیله حس تحت تأثیر قرار می‌دهیم، عجیب و غریب بیاید.

تأثیر شما در آگاهی همه بشریت

سال‌ها پیش برای حل برخی از مشکلات مربوط به بلوغ یکی از دخترهایم، وقتی برای تکمیل پروژه‌ای بلند مدت در بیابانی کار می‌کرد، همراه اش بودم. آخرین چیزی كه مشاوره‌ای كه در كمپ بیابان بود به او گفت این بود، «همیشه به یاد داشته باش هر فکری یا هر کاری كه می‌کنی بر دیگران اثر می‌گذارد.» این واقعیت هست حتی فراتر از تأثیری كه روی دوستان، همسایه‌ها خانواده یا همکاران خود می‌گذاریم. معتقدم كه كل بشریت را تحت تأثیر می‌گذاریم از این روء، وقتی این بخش را می‌خوانید، در نظر داشته باشید كه هر فكر یا هر کاری كه می‌کنید بر دیگران اثر می‌گذارد.

در كتاب قدرت در مقابل قدرت دكتر دیویدهاوكینز جهان را برای همه پیش می‌برد. همه ما در سطح آگاهی جمعی نوع بشر غوطه می‌خوریم، از این روء هر چیزی اضافه کنیم به سوي ما برمی‌گردد. ما همه با تلاش به نفع زندگی به زندگی خود می‌افزاییم. این يك حقیقت علمی است كه آنچه برای شما خوب است برای من هم خوب است. «دكتر هاوكینز نقطه نظراتش را در پی تحقیقی بیست و نه ساله و سخت ابراز می‌کند كه اگر دوست دارید



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

می‌توانید بررسی کنید. من به طور خلاصه بعضی از آن نتایج و چگونگی ارتباط آن‌ها با تأثیری که در زمان پیوند با قصد بر دیگران می‌گذارید ارائه می‌کنم.

در حقیقت، هر فردی درست مانند هر گروهی از انسان‌ها می‌تواند برای سطوح انرژی خود درجه‌بندی شود. عموماً، انسان‌هایی با سطح انرژی پایین‌تر قادر به تشخیص خوب و بد نیستند. می‌شود به آن‌ها گفت که چطور فکر کنند، از که متنفر باشند، که را بکشند و می‌شود آن‌ها را مانند گله‌ای در گروه‌هایی به حالت روانی اندیشه گروهی براساس جزئیاتی مانند اینکه در کدام سوی رودخانه متولد شده‌اند، اعتقادات والدین و اجدادتان، شکل چشم‌هایشان و صدها عامل دیگر در رابطه با ظاهر آن‌ها و هویت کلی آن‌ها با جهان مادی‌شان اداره کرد. هاوکینز به ما می‌گوید که تقریباً هشتاد و هفت درصد از مردم در سطح انرژی جمعی‌ای قرار دارند که آن‌ها را تضعیف می‌کند. هر چه فرکانس ارتعاشات بالاتر باشد، در این انرژی بالا عده کمی درجه‌بندی می‌شوند. بالاترین سطوح انرژی فقط برای عده‌ای از انسان‌های بزرگ که تمرین‌های معنوی دارند تعلق دارد. آن‌ها با الوهیت همکار هستند و دامنه انرژی آن‌ها تمام بشریت را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

درست در پایین سطح انرژی روشنگری خالص، سطوح انرژی با تجاربی مانند صعود، خودشناسی، آگاهی خدا قرار می‌گیرد. اینجا قدیسین قرار دارند. درست پایین آن محل شادی خالص است و علامت آن شفقت است. کسانی که به این مرحله رسیده‌اند تمایل بیشتری برای



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

استفاده از آگاهیشان در جهت منافع هستی تا افراد خاصی دارند.

زیر این سطوح بالا، که عده کمی از راه‌های همیشگی بدست می‌آورند، سطوح عشق، مهربانی، پذیرش، قدردانی از زیبایی غیر مشروط وجود دارد و در سطح عمیق محدودتری تمام هفت چهره قصد که در آغاز این کتاب توضیح داده‌اند. زیر انرژی‌های بالاتر که ما را قوی می‌کنند، انرژی‌های پایین هستند از خشم، ترس، غصه، تقصیر، نفرت، قضاوت و شرم و فقدان که ما را تضعیف کرده باعث قطع پیوند ما با نیروی قصد کیهانی می‌شوند.

کاری که حالا دوست دارم بکنید، صرف کمی وقت با من است در حالی که چند نتیجه از دکترها و کینز را که در کتاب دوم‌اش تحت عنوان چشم، چشم من آمده، بازگویی می‌کنم.

از میان آزمایش‌های جنبش‌شناسی دقیق برای حقیقت در برابر خطا، عده‌ای از مردم را که انرژی آن‌ها در سطح پایین قرار دارد، سطحی که آن‌ها را ضعیف می‌کند درجه‌بندی کرده است. دوست دارم که یافته‌ها و نتایج او را در رابطه با تأثیر شما بر تمدن بررسی کنید. دکتر هاوکینز می‌گوید که برای همه ما ضروری است که اهمیت بالا بردن فرکانس ارتعاشات را تا به سطحی که برا بر با انرژی مبداء کیهانی باشد بدانیم یا به عبارت دیگر، خود را با نیروی قصد پیوند بدهیم.

یکی از فریبنده‌ترین مفاهیم این خطا از تحقیق ایده تراز متقابل است. انسان‌هایی با انرژی بالاتر تأثیر منفی مردم انرژی پایین را تراز می‌کنند. اما این عمل براساس یک به یک صورت نمی‌گیرد چون هشتاد و هفت درصد مردم در انرژی پایین قرار دارند. همان‌طور که در این



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

کتاب گفتم، يك نفر در پیوند با قصد تأثیر بی‌اندازه‌ای بر مردم با انرژی پایین دارد. هر چه مقیاس حرکت به جانب روشنگری و شناخت آگاهی خداوند بالاتر برود بیشتر قادر به تراز کردن ارتعاشات انرژی‌های منفی خواهید بود. اینجا چند نمونه از نتایج دکتر هاوکینز را بازگویی می‌کنم تا در حالی که تأثیر خود را در بالا بردن انرژی به سمت قصد بر بشریت مرور می‌کنید، بر آن‌ها تعمق کنید:

– يك فرد که در ارتعاش خوش‌بینی و عدم داوری دیگران زندگی می‌کند. می‌تواند انرژی منفی نود هزار نفر را در سطوح ضعیف کننده پایین‌تر خنثی کند.

– فردي که در انرژی ناب عشق و احترام به کل هستی زندگی می‌کند تأثیر انرژی منفی هفتصد و پنجاه هزار نفر را که در سطوح تضعیف کننده پایین انرژی درجه‌بندی شده اند خنثی می‌کند.

– فردي که در انرژی روشنگری کننده، شادمانی و آرامش بی‌پایان زندگی کند تأثیر منفی ده میلیون نفر درجه‌بندی شده در سطوح پایین‌تر انرژی را خنثی می‌کند (تقریباً بیست و دو استاد امروزه زنده هستند)

– فردي که در انرژی وقار، روح خالص فرای جسم در جهانی بری از دوگانگی و وحدت زندگی کند. نیروی منفی هفتاد میلیون نفر را در درجات تضعیف کننده انرژی پایین‌تر خنثی می‌کند. (تقریباً ده استاد از این نوع در قید حیات هستند).

اینجا دو نمونه جالب توجه از تحقیقات بیست و نه ساله دکتر هاوکینز درباره عوامل مؤثر نهان رفتار انسان ارائه می‌شود:



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

۱- يك اوتار در بالاترين سطح آگاهي در اين برهه از تاريخ كسي كه شايسته لقب لرد باشد مانند: خداوند كريشنا، خداوند بودا، خداوندگار عيسي مسيح قادر به خنثي كردن تمام انرژي منفي جمعي نوع بشر حاضر در دنياي امروز است.

۲- منفي بودن جمعيت انساني اگر در تقابل تأثير اين انرژيهاي بالاتر نبود به خود تخريبي منجر ميشد.

مفاهيم اين اقلام براي كشف روشهاي پيش بردن آگاهي انسان و بالا بردن سطح انرژي تا به جاياهي متناسب با انرژي قصدي كه از آن هستي گرفته ايم بسيار زياد است. با بالا بردن فرکانس ارتعاشي فقط به مكاني كه در آن به طور منظم مهرباني، عشق، پذيرندگي اعمال شود و جايي كه زيبايي و خوبي بيپايان و نهان رادر ديگران و خود ببينند، ميتواند نود هزار نفر را در جايي از اين سياره كه در انرژي پايينتر شرم، خشم، نفرت، گناه، نااميدي، افسردگي و غيره زندگي ميكنند تراز كند.

نمي توانم به رفتار جان اف كندي در زمان بحران موشكي كوبا در سال ۱۹۶۰ فكر نكنم. او توسط مشاوريني محاصره شد بود كه اصرار داشتند در صورت لزوم از بمب هاي هسته اي استفاده كند. با اين حال انرژي او وچند نفر از افراد مورد اعتمادي كه اطرافش بودند كه طرفدار راه حل صلح آميز بودند توانست خواسته آن اكثريت را براي حمله و جنگجويي تراز كند. يك نفر با انرژي معنوي خيلي بالا ميتواند امكان جنگ را به پايينترين نقطه برساند. در زندگي شما هم اين امر صادق است. انرژي قصد را به حضور تضاد



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

حتي در مسائل خانوادگي بياوريد، آن زمان مي‌توانيد انرژي پايين‌تر مخالف را تغيير داده و به صفر برسانيد.

من اين کار را در وضعيتي خصمانه، جايي که چند جوان تحت‌تأثير الکل و مواد مخدر در برابر مردمي که در عليه‌شان بودند و کار داشت به دعوا مي‌کشيد امتحان کردم. يك بار، بين دو گروه رفتم و سرود زير را خواندم: به يقين خداوند در اين مکان حضور دارد.» خود انرژي به تنهائي جو را آرام کرد و سطح انرژي را تا برقراري آرامش بالا برد.

بار ديگر، با زني برخورد کردم که در بقالي از کودک خود عصباني شده فریاد مي‌کشيد و القاب نفرت انگيزي به کودک دو ساله مي‌داد. من به آرامي وارد دامنه انرژي شدم، چيزي نگفتم اما ميل خود را براي انرژي بالاتر عشق منعکس کردم که انرژي پايين نفرت را از بين برد. از اهميت آگاهي تأثير خود بر ديگران آگاه باشيد و به خود يادآوري کنيد که با بالا بردن سطح انرژي‌تان به جايي که هماهنگ با قصد باشد. شما وسيله يا مجرايي براي صلح و آرامش مي‌شويد. اين مسأله همه جا به کار مي‌آيد، پس بخشي از تراژي‌کنندگي نيروي منفي انسان‌هايي باشيد که در زندگي با آنها روبرو مي‌شويد.

پنج پيشنهاد براي بکارگيري ایده‌هاي اين فصل

۱- از اهميت الهي ساختن رابطه‌هايتان آگاه باشيد. رابطه سالم بر مبناي هيچ مذهبي نيست. رابطه سالم و مقدس، بر آشکاري روح در هر کسي تأکيد دارد. کودکان شما موجوداتي معنوي هستند که از طريق شما مي‌آيند نه براي شما.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

رابطه عشقی شما باید در خواستن آنچه برای خود می‌خواهید برای طرف متقابل هم متمرکز باشد. اگر آزادی می‌خواهید، آن را برای هر کسی که دوست دارید بخواهید. اگر وفور می‌خواهید، آن را اول برای دیگران بخواهید. اگر خوشبختی می‌خواهید، بیشتر برای دیگران بخواهید و بگذارید که این را بدانند. هر چه تقدس بیشتری در رابطه‌هایتان داشته باشید همان قدر بیشتر در قصد غوطه می‌خورید.

۲- وقتی سؤالی از اخلاقیات مطرح می‌شود که چگونه باید در برابر دیگران عمل کنید، از خود بپرسید، مسیح چگونه عمل می‌کرد؟ این خواست درونی شما را به آرامش قصد باز می‌گرداند. مسیح ارائه کننده هفت چهره قصد آشکار شده در موجودی معنوی با تجربه‌های انسانی است. به این روش، شباهت مسیحی که در خود دارید و در هر کس دیگر هم موجود است احترام می‌گذارید. خواستن آنچه برای خود می‌خواهید برای دیگران را مسیح‌گونه، نه مانند یک مسیحی، محمد گونه، نه مانند یک مسلمان، بوداوار نه مانند یک بودایی تمرین کنید.

۳- در جریان قضاوت‌هایتان نسبت به خود یا دیگران باشید. تلاشی آگاهانه برای تغییر به سوی افکار و احساسات شفقت‌آمیز بکنید. رحمتی خاموش برای گدا بفرستید به جای اینکه او را به عنوان تنبل یا فاضلابی در اقتصاد مورد قضاوت قرار دهید. افکار پرشفقت سطح انرژی شما را بالا برده و اتصال شما را با قصد آسان می‌کند. در برخورد با همه شفقت داشته باشید، تمام بشریت تمام قلمرو حیوانات و سیاره‌ها و کیهان. در عوض، مبداء جهانی به شما شفقت خواهد داد و در مقاصد شخصی‌تان



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

کمک خواهد کرد. این قانون جذب است. شفقت بفرست، و جذبش کن، خصومت و قضاوت بفرست همان را می‌گیری. افکارتان را تماشا کنید و زمانی که هر چیزی جز شفقت بودند تغییرشان بدهید.

۴- هر چه دیگران می‌خواهند، شما با شدت بیشتری برای آنها بخواهید به طوری که این انرژی را به طرف بیرون پراکنده کرده و از این سطح آگاهی معنوی عمل کنید. سعی کنید بفهمید چه چیز دیگران را خوشحال‌تر می‌کند. بعد انرژی بالای قصد را به سوی آن احساس بفرستید و بر انعکاس به طرف بیرون این انرژی متمرکز شوید به خصوص در حضور خود آنها. این کار زمینه‌ای دو برابری برای آشکاری چنین مقاصدی ایجاد خواهد کرد.

۵- پیوسته از این حقیقت آگاه باشید که فقط با فکر و احساس هماهنگ با هفت چهره قصد انرژی منفی حداقل نود هزار نفر و شاید میلیون‌ها نفر را خنثی می‌کنید. هیچ چیز جز بالا بردن سطح انرژی خودتان به فرکانس‌های خلاقیت مهربانی، عشق، توسعه، وفور بی‌پایان و پذیرندگی بدون قضاوت وجود ندارد. این حالت درونی شما را تا به سطحی بالا می‌برد که حضور شما بر کل بشریت به طور مثبت اثر می‌گذارد. در اتوبیوگرافی یک یوگی، سوامی سری یوکتسوارپاراما هانسا یوگاناندا می‌گوید:

«هر چه خودشناسی انسان عمیق‌تر باشد، بیشتر بر کل جهان به وسیله ارتعاشات معنوی ظریفش اثر می‌گذارد و کمتر تحت تأثیر پدیده‌های در جریان قرار می‌گیرد.»

اتصال با قصد مسئولیت شما در برابر تمام خانواده بشریت است. در غیر این صورت ممکن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

است همین حالا کسی را در بلغارستان دلتنگ کرده باشید.

با جملات زیر از مهاجران این فصل را در چگونگی تأثیر ما بر جهان با اتصال با قصدی که خود ما را به هستی در اولین جایگاه آورده تمام می‌کنم! «خود باید تغییری باشیم که مایلیم در جهان ببینیم.» با این کار، به بخش ابدی خود که در ابدیت سرچشمه می‌گیرد می‌پیوندیم. کل ایده ابدیت و رسیدن به ادراک چگونگی تأثیر آن در توانایی ما در شناخت و بکارگیری نیروی قصد اسرارآمیز است. این موضوع فصل آخر بخش اول این کتاب است. ما ابدیت را از جسم و ذهنی می‌کاویم که در زمانی شروع و پایان می‌یابد، با این حال به طریقی می‌داند «منی» که اینجا هستم، همیشه بوده و خواهد بود.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

فصل ششم

قصد و ابدیت

«ابدیت از این پس نیست... همین است.
اگر اینجا پیدا نکردید، هیچ جای دیگری
پیدا نخواهید کرد.»

جوزف کامپ بل

لطفاً بگذارید که اینجا و هم اکنون تمرینی
انجام بدهیم. کتاب را زمین بگذارید و بلند
بگویید: من از اینجا نیستم. بگذارید معنی
کلمات کاملاً برایتان روشن شود. یعنی شما در
این جهان هستید اما نه از این جهان. شما
یاد گرفته‌اید جسم باشید، تشکیل شده از
ماهیچه‌ها، استخوان‌ها، بافت‌ها، اکسیژن،
هیدروژن و نیتروژن و یک نام.
شما خود را به عنوان شخصی با نام خاص
می‌شناسید و خود را با دارایی‌ها و
کارهایتان که انباشته‌اید هویت می‌دهید. این
خویش مقداری اطلاعات ترس‌آور هم دارد.
می‌دانند که اگر خوششانس است، باید پیر شود،
بیمار شود و هر چیزی را که از عشق رشد کرده
از دست بدهد. بعد خواهد مرد. این خلاصه‌ی
چیزی است که دنیا به شما می‌دهد، که می‌تواند
شما را در بیهودگی چیزهایی که زندگی می
نامیم گنج و مبهوت کند. درون این تصویر
سرد که ترس و حتی وحشت ایجاد می‌کند، مایلم
که جنبه‌ای معرفی کنم که وحشت را حذف می‌کند.
می‌خواهم بدانید که شما مجموعه‌ای از استخوان



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و بافت محکوم به فنا در روند ساختوردگی نیستید.

شما از دامنه‌ی جهانی خلقت ناشی شده‌اید که من قصد می‌نامم. از جهتی، این ذهن کیهانی کاملاً غیرشخصی است. عشق، شادی، زیبایی و خلاقیت خالص است که همیشه در حال توسعه بوده و به طور بی‌پایانی وفور دارد. شما از این ذهن کیهانی حضور یافته‌اید، همه جا و در همه‌ی زمان‌ها. به عبارت دیگر یعنی بی‌نهایت. تا زمانی که خواسته‌های شما با این اصل همیشگی متحد باشد هیچ چیز در طبیعت وجود ندارد که بتواند از صورت گرفتن خواسته‌های شما ممانعت کند. تنها زمانی که انتخابتان در جهتی باشد که به نفس اجازه دهد در برابر ذهن لایتناهی قصد قرار بگیرد خواسته‌های شما برآورده نخواهد شد. خود زندگی ابدیست و شما از این لایتناهی هیچ که زندگی خوانده می‌شود، نشأت می‌گیرید. توانایی شما در اتصال با ابدیت و زندگی در اینجا و اکنون به اتصال شما با قصد تداوم خواهد داد.

زندگی ابدیست

ما همه در صحنه‌ای زندگی می‌کنیم که بی‌نهایت‌های بسیاری جمع هستند. امشب بیرون را نگاه کنید و در بی‌کران فضا تعمق کنید. ستارگانی در مسافت زیاد با شما هستند که فاصله‌ی آنها با سرعت نور در یک سال زمینی محاسبه می‌شود. آن سوی این ستارگان می‌توانید کهکشان‌های بی‌پایانی را ببینید که به سوی چیزی که ابدیت می‌نامیم گسترده شده‌اند. به راستی فضایی که اشغال می‌کنید لایتناهی است. بزرگی آن عظیم‌تر از آن است که بتوانیم ببینیم. ما در جهانی لایتناهی هستیم. بزرگی آن عظیم‌تر از آن است که بتوانیم ببینیم.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ما در جهانی لایتناهی، بدون آغاز و پایان هستیم.

حالا به این جمله توجه کنید. اگر زندگی لایتناهی است پس زندگی نیست. دوباره بخوانید و ملاحظه کنید زندگی واقعاً بیکران است. می‌توانیم این را در هر چیزی که به دقت مشاهده کنیم، ببینیم. پس، باید نتیجه بگیریم که زندگی، به صورت جسم ما و کارهایمان و دارایی‌مان که بدون استثنا شروع و در غبار پایان می‌گیرد خود زندگی نیست. پس از یافتن ماهیت واقعی زندگی می‌توان آن را تغییر دهد. این یک تغییر بزرگ درونیست که ترس از مرگ را از بین می‌برد (چطور از چیزی می‌ترسید که نمی‌تواند وجود داشته باشد؟) و به طور دائم شما را به مبدأ بیکران خلقت وصل می‌کند. هر چیزی را از جهان لایتناهی روح به دنیای خلقت وصل می‌کند. راحت بودن با مفهوم لایتناهی را یاد بگیرید و خود را به عنوان موجودی لایتناهی ببینید.

در حالی که در جهان آغازها و پایان‌ها هستیم، نیروی قصد، طبیعت لایتناهی خود را حفظ می‌کند چون ابدیست. هر چیزی که جز ابدیت تجربه می‌کنید زندگی نیست. این توهمی زاییده‌ی نفس شماس است که تلاش می‌کند که نشان و هویتی جدا از مبدأ بیکران خود داشته باشد. این تغییر در نگرش نسبت به خود به عنوان موجود معنوی بیکرانی با تجربه‌ی انسانی، نسبت به عکس آن یعنی انسانی با تجربه‌ی انسانی، نسبت به عکس آن یعنی انسانی با تجربه‌ی معنوی، برای بیشتر مردم ترس‌آور است. می‌خواهم که با این ترس‌ها همین حالا رو به رو شوید، نتیجه پیوند ابدی با وفور و



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

پذیرندگی مبدأ و جهانی خواهد بود که تمام خلقت را به شکل موقت قصد می‌کند.

ترس از ابدیت

همه در جسم‌هایی هستیم که خواهند مرد و ما این را می‌دانیم، با این حال نمی‌توانیم تصور کنیم، به همین دلیل طوری رفتار می‌کنیم که انگار اتفاق نخواهد افتاد. مثل این است که به خودمان می‌گوییم جز من همه خواهند مرد. می‌شود این را به چیزی که فروید دید نسبت داد. مرگ‌هایمان غیرقابل تصور است. به همین خاطر آن را انکار کرده و طوری زندگی می‌کنیم که انگار نخواهیم مرد. به دلیل این‌که مرگ خود ما القاء‌کننده‌ی وحشت است. وقتی نوشتن این کتاب را شروع کردم، به دوستی گفتم هدفم این است که ترس از مرگ را در خواننده به کل از بین ببرم. به من بگویید آیا چنین تأثیری حتی در مقیاس کوچک بر شما داشت؟

وقتی هفت ساله بودم، با برادر بزرگم دیوید در یک پرورشگاه در شماره‌ی ۲۳۱، در جاده تاون هال در میشیگان زندگی می‌کردم کسانی که در ساعات کاری مادرم برای بازسازی خانواده، ما را می‌بردند خانم و آقای اسکارف بودند. کاملاً به خاطر دارم انگار دیروز بود. من و دیوید در ایوان پشتی خانه نشسته بودیم. خانم اسکارف با دو موز در دستش بیرون آمد، گریه می‌کرد. به هر کدام ما یک موز داد و گفت: «آقای اسکارف امروز صبح مرد.» اولین بار بود که مفهوم مرگ را در مورد یک انسان تجربه می‌کردم. با سادگی هفت سالگی‌ام در حالی که سعی به آرام کردن رنج آشکار او داشتم گفتم: «کی بر می‌گرده؟» خانم



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

اسكارف در يك كلمه كه هرگز فراموش نمي‌كنم
جواب داد: «هيچ وقت.»
من به طبقه‌ي بالا به تخت دوطبقه‌مان رفتم و
موزم را پوست‌كندم و آن‌جا دراز كشيدم و
سعي كردم كه مفهوم هيچ وقت را درك كنم.
مردن براي هميشه چه معني مي‌داد؟ مي‌توانستم
با هزار سال يا حتي يك ميليون سال کنار
بيام اما "هيچ وقت" با بي‌پاياني اش براي من
خيلي بزرگ بود اين‌قدر كه دلم درد گرفته
بود. براي درك اين ايده‌ي غيرقابل فهم
از "هيچ وقت" بايد چه مي‌كردم؟ خيلي ساده
فراموش كردم و به هفت سالگي ام در
پرورشگاه برگشتم. اين چيزي است كه منظور
كاستانداست وقتي مي‌گويد ما همه در بدن‌هاي رو
به مرگ هستيم اما طوري رفتار مي‌كنيم كه
گويي نخواهند مرد و اين بزرگترين علت زوال
ماست.

مرگ خود شما

ضرورتاً، دو نقطه نظر در رابطه با معماي
مرگ خود شما وجود دارد. اولي مي‌گويد ما
جسم‌هاي فزيكي هستيم كه متولد شده و براي
مدتي زندگي مي‌كنيم و نهايتاً از بين خواهيم
رفت، گوشت ما مي‌پوسد و آن زمان براي هميشه
خواهيم مرد. اين ديدگاه اول اگر آگاهانه
يا بر عكس با آن درگير شويد از نقطه نظر
زننده بودن ما وحشتناك است. مگر اين‌كه نقطه
نظر دوم را انتخاب كنيم. ترس شما از مرگ
كاملأ قابل درك است. يا ممكن است كه اگر از
زندگي مي‌ترسيد يا متنفرديد با آغوش باز
بپذيريد. نقطه نظر دوم مي‌گويد كه شما ابدي
هستيد، يك روح بيكران در حالي موقت از
گوشت. اين نقطه نظر مي‌گويد كه تنها جسم
فزيكي شما مي‌ميرد و اين‌كه شما در زمان خلقت



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

کامل بودید و کالبد فیزیکی شما حاصل ذهن کیهانی قصد است. ذهن کیهانی بی‌شکل بوده و هست، انرژی خالص عشق، زیبایی، مهربانی و خلاقیت است و نمی‌تواند بمیرد چون هیچ شکلی ندارد، پس مرگ و مرزی هم ندارد. نه فنا، نه گوشت و نه احتمال هدر رفتن هیچ کدام را ندارد.

حالا، کدام یک از این نقطه‌نظرها به شما بیشترین آرامش را می‌دهد؟ کدام با عشق و آرامش توأم است؟ کدام ایجاد ترس و نگرانی می‌کند؟ واضح است که ایده خویش لایتناهی شما را با ابدیت در حالت دوستانه‌ای نگه می‌دارد.

دانستن این‌که در ابتدا یک موجود فناپذیر هستید که آگاهانه با مبدأ خود پیوند دارد که ابدی و همه جا حاضر است به یقین چشم‌انداز آرام‌بخش‌تری است. به دلیل طبیعت بی‌کرانش همه جا هست و به این‌جا می‌رسد که پس کل روح باید در هر لحظه در هر نقطه‌ای از فضا حاضر باشد.

پس روح در ابدیت خود همه جا هست که شامل شما هم می‌شود. شما هرگز نمی‌توانید از آن جدا باشید. یاد بگیرید که به ایده‌ی پوچی که شما را از ذهن کیهانی جدا می‌داند بچندید. مبدأ، خود شماست. شما آن هستید. خداوند ذهنی است که از طریق آن اندیشیده و زندگی می‌کنید. همیشه به شما وصل است حتی اگر به آن اعتقاد نداشته باشید. حتی یک ملحد هم برای تجربه کردن خدا نیاز به باور کردن آن ندارد.

شکل سؤال تغییر می‌کند، به جای این‌که بگوییم که بدن شما خواهد مرد می‌گوییم دوست دارید در کدام سوی ابدیت زندگی کنید. شما دو راه دارید، زندگی در سوی فعال یا



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

غیرفعال بی‌نهایت. در هر دو صورت ملاقاتی با
ابدیت دارید که غیرقابل اجتناب است.

قرار ملاقات شما با ابدیت

نقل قول جوزف کامپ بل در اول این فصل را دوباره بخوانید. ابدیت حالاست! درست حالا و همین اینجا شما یک موجود ابدی هستید. وقتی ترس از مرگ و پایان یافتن را کنار بگذارید. با ابدیت ممزوج می‌شوید و آرامش و راحتی ای که این شناخت برای شما می‌آورد حس می‌کنید. در این جهان مادی ما همه چیز را از طریق استمرار فضا و زمان شناسایی می‌کنیم. در حالی که ابدیت ترجیحی برای زمان و فضا ندارد. شما عناصری نیستید که جسم شما را می‌سازند، شما فقط از عناصر استفاده می‌کنید. شما از زمان و فضا فراتر می‌روید و با ذهن کیهانی ابدیت پیوند می‌یابید. اگر تا به حال تشخیص نداده‌اید به خاطر ترس است. می‌توانید در حالی که در جسم موقت خود با پیوستگی بنده‌وارش به زمان و فضا هستید این ملاقات را با ابدیت انجام دهید. هدف من در این فصل کمک برای شناخت و انجام این کار است. اگر بتوانید این کار را انجام دهید. به شما زندگی‌ای بدون ترس از مرگ را نوید می‌دهم. این کار را همین حالا در حالی که هنوز درجسم خود در توهم زمان و فضا هستید انجام دهید یا در زمان مرگ. اگر تصمیم بگیرید در حالی که زنده‌اید و نفس می‌کشید این ملاقات را انجام دهید مانند یاد گرفتن مرگ در حین زندگیست. وقتی یک بار این گذار را به سوی فعال بی‌نهایت انجام دادید ترس از مرگ از بین رفته و به مسخرگی مرگ خواهید خندید. ماهیت واقعی خود را درک کنید، رو در روی مرگ بایستید و زنجیرهای بندگی به آن ترس را



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

پاره کنید. نخواهید مرد. این را تکرار کنید. بر آن مراقبه کنید. از این زاویه به مسأله نگاه کنید: اگر موجودی بی‌نهایت نیستید پس هدف از زندگی شما چیست؟ به یقین گذر از تولد، کار کردن، انباشتن، از دست دادن همه، بیماری و مرگ نیست. با بیداری در ماهیت بی‌نهایت خود و پیوند با هفت چهره قصد خود را از محدودیت‌هایی که نفس‌تان تعیین کرده آزاد کنید. شما راهنمایی و یاری ذهن کیهانی بی‌نهایت را که با شماست دریافت می‌کنید و از همه مهم‌تر وقتی ترس از مرگ و فناپذیری را از خود دور کنید، احساس آرامش خواهید کرد.

داستان‌هایی از معلمین معنوی بزرگ دارم که زمین را با احساس سعادت و بدون ترس ترک کرده‌اند. آن‌ها تمام تردیدها را از بین بردند، تمام ترس را بیرون راندند و با ظرافت ابدیت را ملاقات کردند. اینجا کلام‌هایی از مردمی که مورد تحسین من بودند ارائه می‌دهم: زمانی را که مدت‌های مدید آرزو کرده‌ام رسیده.

ترزا از آویلا

بیایید به هم مهربان‌تر باشیم.

آلدوسی هاکسلی

اگر مرگ این است از زندگی آسان‌تر است.

رابرت لوئیز استونسون

این آخر زمین است! من خوشحالم.

جان کوئینسی آدامز

می‌توانم در بهشت بشنوم.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

لودویگ ون بتوون

نور، نور، جهان به نور بیشتری نیاز دارد.

یوهان ولفگانگ فون گوته

به سرزمینی می‌روم که تمام عمر آرزوی دیدنش
را داشتم.

ویلیام بلیک

آن‌جا خیلی زیباست.

توماس ادیسون

رام، رام، رام (خدا، خدا، خدا)

مهاتما گاندی

چرا شما کلمات آخر خود را نمی‌نویسید و به
موجودی بی‌نهایت درحین اشغال جسم تبدیل
نمی‌شوید؟ وقتی دیدار خود با ابدیت را مورد
ملاحظه قرار می‌دهید، به این‌که بیشتر ما چگونه
زندگی می‌کنیم بنگرید. می‌دانیم در بدنی
هستیم که خواهد مرد اما طوری رفتار می‌کنیم
که گویی برای ما اتفاق نخواهد افتاد. این
نقطه‌نظر از سوی غیرفعال بی‌نهایت است جایی که
نمی‌توانیم پیوند خود با قصد و توانایی
همه‌نگی خود را با روح خلاق ببینیم. بیایید
فرق اساسی بین ملاقات با بی‌نهایت را حالا و در
زمان مرگ بررسی کنیم. در یک مورد، در سوی
فعال بی‌نهایت و در مورد دیگر در حال ممانعت
از آن با بودن در سوی غیرفعال آن خواهید
بود.

سوی فعال و غیرفعال بی‌نهایت

در سوی فعال بی‌نهایت کاملاً به این که در
جسمی هستید که خواهد مرد شناخت دارید. به



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

علاوه، شناخت درونی شما بر این اصل است که شما جسم، ذهن یا هر کدام از کارها و دارایی تان نیستید.

در این سوي فعال بی‌نهایت، شما چنگ خوبی به تسمه‌ي تراموا که قبلاً توضیح دادم می‌زنید که اتصال با قصد است و شما نظاره‌گر تمام تجربیات حسی خود هستید. شاید به نظر تان مهم نیاید اما به شما اطمینان می‌دهم که وقتی آگاهی درونی‌تان را به سوي فعال بی‌نهایت ببرید، اتفاق‌هاي معجزه‌آسایي را در زندگی روزمره خود خواهید دید. در این سوي فعال بی‌نهایت شما در وحله‌ي اول موجود معنوي بیکرانی با تجارب موقت انسانی هستید و تمام روابط خود را از این دیدگاه خواهید زیست. در سوي غیرفعال بی‌نهایت تجربه‌ي شما از زندگی کاملاً بر عکس است. این‌جا شما در وحله‌ي اول انسانی با تجربه اتفاقی از معنویت هستید. زندگی شما همراه با ترس از مرگ جدا از دیگران، روشی رقابتی و با نیاز به تسلط و برنده بودن است. سوي غیرفعال بی‌نهایت شما را از نیروی قصد جدا می‌کند.

حسی از تقدیر

در سوي فعال بی‌نهایت پیوند شما با قصد دیگر به صورت يك نظریه نیست بلکه مانند فراخوانی است که باید به آن اهمیت بدهید. سوي غیرفعال بی‌نهایت شما را به سمتی سوق می‌دهد که زندگی را به صورت هرج و مرج، بی‌عزم و بیهوده ببینید در حالی که موقعیت شما در سوي فعال بی‌نهایت شما را به سوي سرنوشتی می‌برد که عمیقاً در درون خود حس می‌کنید.

وقتی به گذشته نگاه می‌کنم متوجه می‌شوم که حس تقدیری من در سن پایینی به من جهت می‌داد. می‌دانم که از کودکی می‌توانستم و فور



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

را در زندگیم آشکار کنم. در حالی که در کلاس‌های دبیرستان یا دانشگاه می‌نشستم تا به حد مرگ از معلم‌هایی که بی‌صبری از حضور دلتنگ‌کننده‌شان انتقال می‌دادند خسته می‌شدم. صحبت کردن برای جمعیت زیاد را تصور می‌کردم. در آن سال‌های جوانی عهد کردم که به این خواسته برسم و به طریقی می‌دانستم که بودم دلیلی دارد. نمی‌توانستم به هیچ چیز یا به هیچ کس اجازه بدهم که مرا از مسیر منحرف کند. همیشه احساس می‌کردم که روحی فناپذیر هستم که در زمان‌های مختلف به شکل شوهر، پدر، نویسنده، سخنران و یا یک منکر طاس و بلند قامت امریکایی تغییر وضعیت داده‌ام. چون در سویی فعال بی‌نهایت زندگی می‌کنم، حسی از سرنوشت دارم که اجازه نمی‌دهد تا زمانی که موسیقی من در من است بمریم. می‌توانید همین انتخاب را داشته باشید. فقط این فکر را که جسمی هستید که خواهد مرد از خود دور کنید و در عوض به جستجوی آگاهی‌ای از خویش فناپذیرتان باشید. در سویی فعال بی‌نهایت، خویش برتر خود را خواهید یافت، خویشی که بخش کوچکی از آن به صورت جسم شما مادی شده است. من تضمین می‌کنم که تنها با شناختن خود به عنوان لایتناهی و به عنوان موجودی غیرقابل تخریب اتصال شما با قصد و توانایی آشکار ساختن تمام خواسته‌هایتان در انحصار مبدأ کیهانی‌تان واقعیت شما خواهد شد. راه دیگری وجود ندارد. حس تقدیر شما باعث می‌شود بدانید که بازی زندگی را در سویی فعال بی‌نهایت انجام می‌دهید. پیش از دستیابی به حس تقدیرتان، انگیزه شما چیزی بود که خارج از زندگی می‌خواستید و آنچه مایل به انجام آن بودید. در سویی فعال



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

بی‌نهایت در می‌یابید که زمان آن رسیده که آنچه را تقدیر شما قصد کرده انجام بدهید. در اطراف غوطه خوردن با امید به این که همه چیز روبه‌راه خواهد شد، در انتظار این که شانس‌تان عوض شود و با امید به این‌که دیگران برایتان کاری کنند دیگر کارآیی ندارد. حس تقدیرتان باعث می‌شود بفهمید، «من ابدی هستم و این یعنی من از عظمت بی‌پایان قصد معنوی اینجا حاضر شده‌ام که تقدیری را که باید بر حسب آن عمل کنم به پایان برسانم. شما شروع به بیان اهدافتان با زبان قصد می‌کنید با علم به این‌که آن‌ها شکل خواهند گرفت. شما از نیروی قصد می‌خواهید که شما را در مسیر نگاه دارد. نقصی پیش نخواهد آمد چون در لایتناهی نقصی نیست.

این شعر قرن سیزدهمی ممکن است به شما حسی از این بدهد که شما تقدیر خود را دارید:
شما با نیرویی بالقوه به دنیا آمدید
با خوبی و اعتماد
با ایده‌آل‌ها و خیال‌ها
با بزرگی
با بال‌ها به دنیا آمدید
نه برای خزیدن، پس نخزید
بال‌هایی دارید
یاد بگیرید پرواز را و پرواز کنید

رومی

اگر رومی شعر خود را در سوی غیرفعال بی‌نهایت سروده بود باید به این شکل بود:
شما پدیده‌ای اتفاقی از طبیعت هستید
موردی برای قانون شانس و خوش‌بختی
به راحتی می‌شود به طرفی انداخته شوید
باید زندگی عادی‌ای بگذرانید
بالی ندارید



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

پس پرواز را فراموش کرده بر زمین بمانید

حس احتمال

خلقت بر احتمال دیرینه هر چه از فکر است می‌تواند باشد بنا شده است. اختراعات بزرگ بی‌شمار را ملاحظه کنید: هواپیما، برق، تلفن، تلویزیون، دستگاه فاکس، کامپیوتر. آن‌ها همه نتیجه‌ی ایده‌های خلاق افرادی هستند که بر ممکن و ناممکن متمرکز شدند. به عبارت دیگر، حس‌ی از ممکن در قلمرو حاصلخیز سوی فعال بی‌نهایت رشد می‌کند.

در فضای نوشتارم نمونه‌ی شگفت‌انگیزی از چهار کودک دارم که کلمه‌ی غیرممکن را به قلب‌های خود راه ندادند.

ادی، بدون دست یا پا به دنیا آمد. در پنج سالگی به افریقای جنوبی رفت و کوهی دید که دوست داشت از آن بالا برود. در سه ساعت از آن کوه بالا رفت. در سیزده سالگی تصمیم گرفت ترومبون بنوازد.

دلیلی نمی‌بیند که آنچه دوست دارد انجام ندهد. او در سوی فعال بی‌نهایت و در مشاورت امکانات جهان لایتناهی زندگی می‌کند.

ابی، بیمار بود و نیاز به پیوند قلب داشت. وقتی دید مادرش گریه می‌کند. گفت: «ماما، گریه نکن» من خوب خواهم شد: «در ساعت یازدهم به طور معجزه‌آسایی قلبی در دسترس قرار گرفت و ابی خوب شد. قصد ابی از آن جهان امکانات لایتناهی آمد. سوی فعال بی‌نهایت است که قصد از آنچه آشکار می‌شود.

استفانی پنج ساله بود وقتی منتزیت گرفت هر دو پایش قطع شد. امروز، در دوازده سالگی او دوچرخه‌ی خودش را می‌راند و رویایی دارد که حتی فراتر از رویاهای جوانانی است



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

که همهی اعضایشان را دارند. شعار شخصی او این است: محدودیتها را بشکن.

بعد از دو عمل اساسی قلب وقتی فرانکی هنوز یک بچه بود، دکترها به پدر و مادرش گفتند که دیگر کاری از آنها بر نمی آید. فرانکی زنده بود چون در دستگاه قرار گرفته بود. وقتی دکترها به پدر و مادرش اصرار کردند که نمی تواند زنده بماند و فقط رنج می کشد. بالاخره پذیرفتند. اما فرانکی زنده ماند. او به طریقی در سوی فعال جهان امکانات لایتناهی قرار داشت: نوشته ی زیر عکس اش اینطور می گفت:

فکر نمی کردید که به آسونی بتونین از دست من خلاص بشین، می کردین؟

نیروی قصد در زمان ماندن در سوی فعال امکانات لایتناهی جریان دارد. جورج برنارد شاو که در نود سالگی هنوز در حال خلق کردن بود اینطور می گوید: شما چیزها را همانطور که هستند می بینید و می گوئید، چرا؟ اما من چیزهایی را خیال می کنم که هرگز نبوده اند و می گویم چرا که نه؟ به عبارت برنارد شاو در حالی که ماندن در سوی فعال بی نهایت را تمرین می کنید و امکانات لایتناهی را که در اختیار همهی ما قرار دارند می بیند فکر کنید.

حس احترام

باید بپذیرید که مفهوم لایتناهی به تنهایی رعب آور است. نه آغازی، نه پایانی. همزمان در همه جا. نه زمانی و همهی اینها اینجا و اکنون.

این حقیقت که شما بخشی از جهان لایتناهی هستید و وارد محدودیت شده اید فکر را ناراحت می کند. مغایر توضیح است سوی فعال بی نهایت حسی از احترام ایجاد می کند. وقتی در حالی از



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

احترام هستید، در وضعیت پایداری از قدردانی قرار دارید. شاید مطمئن‌ترین راه خوشبختی در زندگی تشکر و قدردانی از مبدأ است برای هر آنچه که برایتان اتفاق می‌افتد. آن وقت اگر مصیبتی هم رخ دهد می‌دانید که می‌توانید آن را به رحمتی تبدیل کنید.

در سویی غیرفعال بی‌نهایت، شما فرض می‌کنید که به طور موقت این‌جا هستید پس هیچ وظیفه‌ای در مقابل جهان، سیاره و ساکنین آن ندارید. با انکار طبیعت نامحدودتان، در حالی که معجزات همه روزهی زندگی را چیزی بدیهی می‌پندارید، زندگی را می‌گذرانید. وقتی با طبیعت ابدی خود آشنا شوید، آن زمان نقطه‌نظر دیگری خواهید داشت، در وضعیت پایداری از قدردانی برای همه چیز قرار می‌گیرد. این وضعیت راز برآورده ساختن مقاصد انسانی شماست و بدون آن، بیشتر تلاش‌های صمیمی شما بی‌فایده خواهد بود.

در وضعیت قدردانی بودن، مغناطیس ایجاد می‌کند و البته یک آهن ربا همه چیز را به خود جذب می‌کند. با سپاس از همه چیزهایی که دارید جریان خوبی‌های بیشتر را به زندگی خود می‌کشانید. هر فرد موفقی که می‌شناسم از چیزهایی که دارد سپاسگزار است. این روند سپاسگزاری راه را برای بیشترها باز می‌کند. این طریقی است که ماندن در سویی فعال بی‌نهایت کار می‌کند. حس سپاس در تمامی معجزاتی که در اطراف خود می‌بینید باعث می‌شود فکر کنید، ببینید و باز هم حوادث معجزه آسای بیشتری را تجربه کنید. برعکس، وضعیتی از عدم سپاسگزاری جلوی جریان وفور و سلامتی را می‌گیرد. چیزی است که در را می‌بندد.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

حس تواضع

سوي فعال بي‌نهایت حسي از تواضع را مي‌پروراند. وقتي تواضع وارد روح شما مي‌شود. مي‌فهميد که در دنيا تنها نيستيد چرا که نيروي قصد را احساس مي‌کنيد که در هر يك از ما موجود است. به گفته تلمود. «اگر کامل هم باشيد بدون تواضع شکست مي‌خوريد.» وقتي سوي فعال بي‌نهایت را بپذيريد به چيزي بسيار بزرگ مي‌نگريد که نفس کوچک شما در روند کار آن را کوچک کرده است. شما به هميشه نگاه مي‌کنيد و زندگي کوچک شما تنها پرانتزي در ابدیت است.

يکي از دلايل افسردگي و دلتنگي زمان معاصر عدم توانايي ما در ديدن خودمان در پيوند با چيزي بزرگتر و مهم‌تر از نفس‌هاي کوچک ماست. تمرکز اوليه جوان ها بر دارائي‌ها، مشکلات ظاهري و احترام بين رفيق‌هايشان است، يا به طور خلاصه به نفس‌هايشان حس تواضع بسيار کمی دارند. وقتي به تنها چيزي که فکر مي‌کنيد خودتان و چگونه دیده شدنشان به وسيله ديگران است، خود را از نيروي قصد دور مي‌کنيد. اگر مي‌خواهيد که پيوند خود با قصد را احساس کنيد از اين موضوع مطمئن باشيد که: هدف شما زماني صورت مي‌گيرد که به ديگران خدمت کنيد و در اتصال به چيزي بسيار بزرگتر از جسم/ ذهن/ نفس باشيد.

من هميشه به مراجعين جوانم که براي مشاوره مي‌آيند و به دليل نياز به تأييد ديگران دچار دلتنگي هستند مي‌گويم هر چه بيشتري به دنبال تأييد باشند همانقدر از آن‌ها دور خواهد شد چرا که هيچکس نمي‌خواهد کسی که گدايي تأييد مي‌کند در اطراف خود ببيند.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

مردمی که بیشترین تأیید را دریافت می‌کنند آن‌هایی هستند که دنبال تأیید نیستند. پس اگر واقعاً به دنبال آن هستید، به خود فکر نکنید و متمرکز بر کمک دیگران باشید. سویی فعال بی‌نهایت شما را فروتن نگه می‌دارد. سویی غیر فعال بی‌نهایت شما را متمرکز بر من، من، من نگه داشته و در نهایت مانعی برای اتصال شما با نیروی قصد است.

ویلیام استکل موضوع مهمی را در رابطه با اهمیت تواضع می‌گوید که توسط جی. دی سالینگر در معمایی چاودار آمده:

استکل نوشت: «فرق بین انسان کامل و ناکامل در این است. انسان نا کامل می‌خواهد به دلیل اصیلی ببرد. انسان کامل می‌خواهد به خاطر آن با تواضع زندگی کند.»

حس سخاوت

اگر پرسیده شود، چرا به ما نور و گرما می‌دهی؟ اعتقاد دارم که خورشید جواب می‌داد، این در طبیعت من است. باید مانند خورشید باشیم و در طبیعت دهنده خود قرار بگیریم. وقتی در سویی فعال بی‌نهایت هستید، دهنده طبیعت شماست.

هر چه بیشتر از خود ارائه دهید، حتی اگر کم هم که باشد، در را برای گرفتن بیشتر باز می‌کنید. این کار نه تنها هدیه شما را جبران می‌کند بلکه خواسته ایثار را در شما افزایش می‌دهد و در نتیجه توانایی دریافت نیز در شما افزایش می‌یابد. وقتی در سویی غیر فعال بی‌نهایت هستید زندگی را به صورت نقصان می‌بینید و انباشتن طریقه زندگی شما می‌شود. سخاوت و تمایل رسیدن به مقاصد در این نوع اندیشیدن کم می‌شود. اگر نتوانید جهان بی‌کران فرآورده‌های بی‌نهایت، زمان و مبداء



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

بی‌نهایت را ببینید تمایل به انباشتن و خست پیدا می‌کنید. به طور متناقضی، نیروی قصد زمانی تجربه می‌شود که تمایل به ایثار داشته باشید. قصد دامنه انرژیست که در فرآورده‌های بی‌نهایتی ظاهر می‌شود. اگر پولی ندارید که بدهید پس چه می‌توانید بدهید؟ من گفته سوامی شیوا ناندا را خیلی دوست دارم و شما را تشویق می‌کنم که آن را بررسی کنید. هر چه که در پایین گفته، شما در اندازه بی‌نهایتی صاحب هستید.

بهترین چیز برای دادن به یک دشمن
بخشنده‌گی است

به یک معارض، مدارا
به دوست، قلبتان
به فرزند، الگویی خوب
به پدر، احترام
به مادر، عملی که به شما افتخار کند
به خود، حرمت

به تمام انسان‌ها، نیکوکاری
بخشش را شیوه‌ای در زندگی بکنید. این کاریست که مبداء و طبیعت به طور ابدی انجام می‌دهد. شنیدم که گفت: درخت با میوه‌های رسیده به پایین خم می‌شود، ابرها با باران ملایم پایین می‌آیند، انسان اصیل با مهربانی تعظیم می‌کند. این روش بخشنده‌گی است.

حس دانستن

مبداء بی‌نهایت قصد هیچ تردیدی ندارد. آن می‌داند و در نتیجه براساس آن شناخت عمل می‌کند. این اتفاقی است که برای شما می‌افتد وقتی که در سویی فعال بی‌نهایت باشید. تردید برای همیشه از قلب شما دور می‌شود. به عنوان یک موجود بی‌نهایت در شکل موقت انسانی خود را براساس طبیعت معنوی خود می‌شناسید.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

این حس شناخت که از سوی فعال بی‌نهایت ناشی می‌شود به این معنی است که دیگر در چارچوب محدودیت‌ها نمی‌اندیشید. شما مبداء هستید. مبداء نامحدود است. مرزی نمی‌شناسد، به طور ابدی گسترده است و به طور بی‌پایانی وفور دارد. این چیز است که شما هم هستید. پیوند با قصد تصمیمی است که برای پیوند دوباره با خویش اصلی خود می‌گیرید. این علامت کسانی است که با خویش حقیقی خود زندگی می‌کنند. آن‌ها در شیوه‌های نامحدود می‌اندیشند. یکی از کیفیت‌های توانایی اندیشه آن‌ها به شکلی است که گویی چیزی را می‌خواهند هم اکنون دریافت کرده‌اند. این یکی دیگر از ده راز موفقیت و آرامش درونی من در کتابی با همین عنوان است. نیروی قصد از تردید بری است و زمانی که با آن پیوند داشته باشید حس شناخت شما آنچه را که می‌خواهید طوری می‌بیند که گویی هم اکنون کسب شده است. نظرات متضادی وجود ندارد این پیشنهاد من برای دستیابی به نیروی قصد است. در سوی فعال بی‌نهایت باقی بمانید، جایی که همه انرژی خلقت در فرآورده‌های ابدی موجود است. روز و شب، آنچه را که قصد انجامش را دارید و آنچه که می‌خواهید باشید تصور کنید و آن رویاها مقاصد شما را عملی خواهند کرد. هیچ شکی به رویاها و مقاصد خود راه ندهید. رویابین‌ها ناجیان جهان هستند. درست همانطور که جهان مرئی به وسیله جهان نامرئی حمایت می‌شود به همین شکل آشکارسازی‌های انسان در رویاهای رویابین‌های تنها صورت می‌پذیرد. یکی از آن رویابین‌ها باشید.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

حس اشتیاق

یونانی ها یکی از زیباترین لغات زبان ما را ابداع کردند: اشتیاق. این کلمه به «خدای درون» ترجمه می‌شود در شما روح مشتاق نامحدود است که آرزو دارد خود را بگستراند. این خدای درون شماست. که می‌خواهد شما حس عمیقی از آنچه که باید بشوید به دست بیاورید. تمام اعمال ما به وسیله الهامی از چیزی که از آن ناشی می‌شوند محاسبه می‌گردند. وقتی اعمال شما چهره‌های قصد را نمایش دهد، از خدای درون شما ناشی شده‌اند. این اشتیاق است. زمانی که با نیروی قصد برابری کنید، اشتیاقی برای زندگی مورد نظرتان حس خواهید کرد. زیبایی اشتیاق حس باشکوهی از لذت و شادی است. هیچ چیز به اندازه نشستن و از صمیم قلب برای شما نوشتن مرا شاد نمی‌کند. من مشتاقانه می‌گذارم که این تصمیمات از طریق من از مبداء قصد ذهن کیهانی جاری شود. به سادگی بگویید، من خوبم، در حالت شادی هستم و الهامات من برای شادی می‌آورد. اگر می‌خواهید حس بزرگی کنید. در آینه نگاه کنید و بگویید من ابدی هستم. این تصویر از بین خواهد رفت اما من بی‌نهایت هستم. به دلیلی به طور موقت اینجا هستم. در مورد هر کاری که می‌کنم اشتیاق خواهم داشت. بعد ببینید در حالی که بازتاب خود خیره شده‌اید چه حسی خواهید داشت. شادی سویی شگفت‌آوری از اشتیاق است. از سویی فعال بی‌نهایت ناشی می‌شود جایی که هیچ چیزی وجود ندارد که حس بدی به آن داشته باشید.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly